

# پیش، بسوی پیروزی نهایی انقلاب!

طیف توطئه‌های آمریکا برای براندازی انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ما وسیع است: جنگ تجاویز صدام، سازماندهی ضد انقلابیون فراری در کشورهای خارجی، تبلیغات وسیع به کمک رادیوهای دولتی آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان غربی، اسرائیل، مصر، عراق و غیره و نیز رادیوهای باصطلاح غیر - دولتی بختیار و ایسی، تسلیح دولتهای دست - یقه در صفحه ۱۵

فاجعه جانگذازی بزرگی که آمریکا، بدست مزدوران، با بمب گذاری در بنای نخست وزیری در یکشنبه گذشته، انجام داد و منجر به شهادت دوتن از مسئولان بلند پایه - جمهوری اسلامی ایران - رئیس جمهور آقای محمد علی رجائی و نخست وزیر دکتر محمد جواد باهنر گردید، بار دیگر نشان داد که ما با چنان دشمن تبه کاری و روبرو هستیم که از هیچ جنایت و شقاوت و توطئه - ای برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فروگذار نمیکنند.

**شماره ۹۳**  
**دوره دوم**  
**دوشنبه ۱۶ شهریور ماه ۱۳۶۰**  
**بها ۳۰ ریال**

## اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

"چون مخیط شد اعدال مزاج نه عزیمت اثر کند نه علاج"

"سعدی - گلستان"

## دیوانه سوری امپریالیسم آمریکا

(تحلیلی از هدفهای عمده دولت ریگان و دورنمای آن)

همه می دانستند که دولت ریگان نماینده - جناح افراطی امپریالیستی است و موافق توصیه "مرکز استراتژیک جرج تاگورن" می خواهد وضع متزلزل اقتصادی و سیاسی امپریالیسم را در جهان، با توسل به یک سلسله تدابیر فوق العاده، تثبیت کند.

شرکت ژنرال الکساندر هیگ، فرمانده سابق "ناتو" و نماینده - موردا اعتماد محافل "نظامی - صنعتی" آمریکا، بعنوان وزیر خارجه، یعنی شخصی دوم در کابینه ریگان، علامت روشن دیگری بود بر اتحاد این روش.

بقیه در صفحه ۱۵

درسوگ شهید محمد علی رجائی و شهید دکتر باهنر:

**به پیشواز هفته سالگرد**  
**جنگ عادلانه بر ضد تجاوز**  
**آمریکائی صدام علیه**  
**جمهوری اسلامی ایران**

صفحه ۴

## اعلامیه

### اتحاد دموکراتیک مردم ایران

### به مناسبت شهادت دوتن از

### یاران امام

بار دیگر، در دشمنی عاجزانه با انقلاب پیوسته - ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران و در پندار ابلهانه - غافلگیر کردن مردم رزمنده و بر هم زدن ثبات جمهوری اسلامی ایران، دست جنایتکار امپریالیسم آمریکا و گروه خود فروختگان فراری و مطرود خلق به خون فرزندان شایسته انقلاب و میهن مارنیکین شد.

بمبئی که این تبهکاران ورشکسته توانستند، روز یکشنبه هشتم شهریور ۱۳۶۰، در یکی از اطاقهای نخست وزیری کار بگذارند، درست هنگامی منفجر شد که رئیس جمهور محمد علی رجائی و دکتر محمد جواد باهنر، نخست وزیر، باتنی چند در آن به شور و مذاکره نشسته بودند. و در یگانگه رئیس جمهور و نخست وزیر، دو رهرو خط سازش ناپذیر انقلابی، دویار پاکباز امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و دو چهره مورد محبت و اعتماد توده های میلیونی، در شعله های آتش و آوار انفجار به صف طولانی شهیدان راه انقلاب پیوستند.

شک نیست که انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، در پیویایی و آفرینندگی خویش، جای خالی این دو شهید و این دو مبارز راستین را هر چه زود تر بر خواهد کرد و، به رغم توطئه های خائنه - بد خواهان داخلی و خارجی، راه دشوار پیروزی را تا به آخر، تا استقرار حکومت عدل و برابری و آزادی مستضعفان، خواهد پیمود. با این همه، نمی توان از بیان نگرانی همگانی درباره - نارسایی چشمگیر امر صیانت جان مسئولان طراز اول دولت و انقلاب خود داری و زورید.

اتحاد دموکراتیک مردم ایران جنایت فجیع هشتم شهریور را به شدت محکوم می کند و پیگرد و شناسایی و کیفر جنایتکاران سر به فرمان امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، در عین حفظ خون سردی و نظم انقلابی، تاریش کن شدن کامل ماده - فساد زور می داند. درود به امام خمینی، رهبر خردمند و استوار انقلاب! افتخار بر توده های میلیونی زحمتکش و مستضعفان، پایگاه نیرومند و مطمئن انقلاب!

جاوید باد خاطره - تابناک همه شهیدان راه انقلاب! پرتوان باد عزم جنگاوران انقلابی ایران در جبهه های غرب و جنوب کشور!

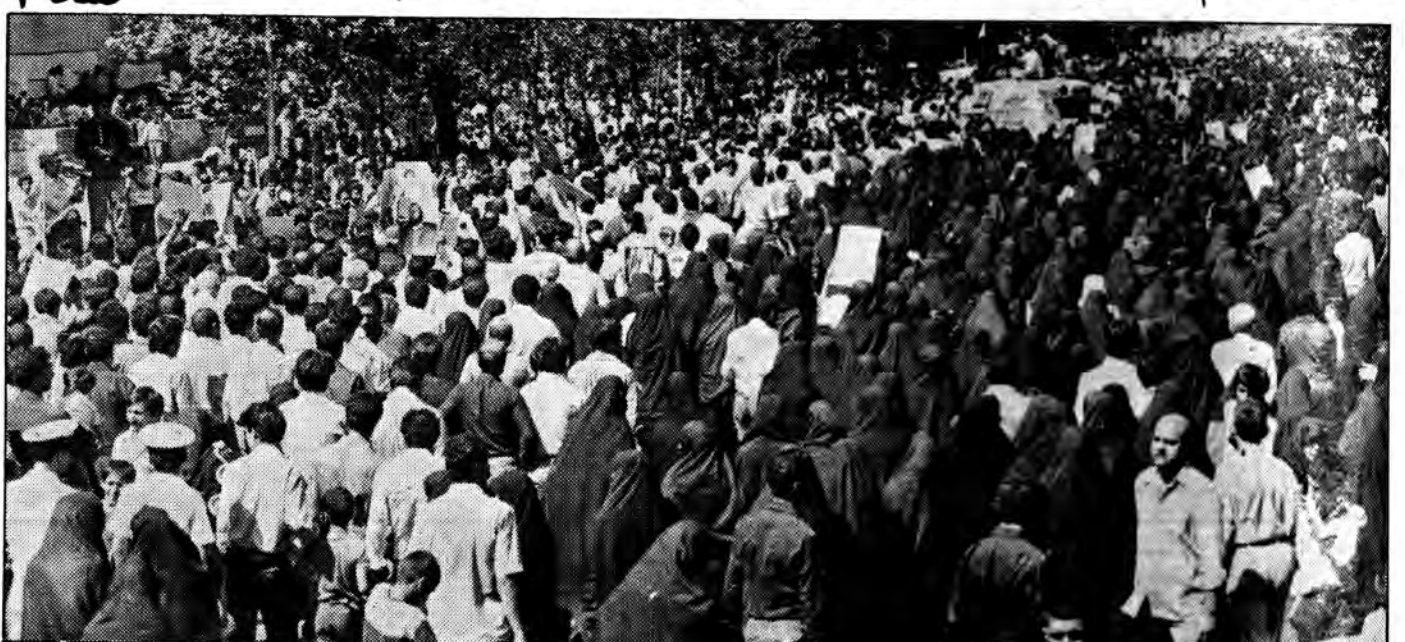
پیروز باد انقلاب پر شکوه ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران!

۶۰/۶/۹

اتحاد دموکراتیک مردم ایران

## ایران یکپارچه فریاد "مرگ بر آمریکا" شد

حجت الاسلام سید علی خامنه ای: این ملت باید آمریکا را در مسند قدرتش سرکوب کند.



## اگر هر روز هم ۱۷ شهریور شود...

داران داخلی و خارجی در کسبه های گشاد شان بریزند.

نیمه شبی که اردشیر زاهدی خائن با فرمان قتل عام توده ها از "واشنگتن" رسید و سحرگاهش فرمان انحصارات بزرگ جهانی به جوخه های اعدام میدان زاله ابلاغ شد، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا جنایتکار، تصمیم خود را گرفته بود. برای تسلیم کردن مردم ایران هر کاری محاز است، حتی برپا کردن حمام های خون.

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، اکنون سه سال است که در راستای این تصمیم حرکت می کند. اگر در "جمعه خونین" و ماه های بقیه در صفحه ۱۵

"جمعه خونین" سه ساله می شود. از گزرفتن افق خونین آن روز که در خیمن شاه - آمریکا میدان زاله را از خون هزاران زن و مرد رنگ زدند، سه سال می گذرد.

در خیمنی که آن روز، از زمین و آسمان، زنان و مردان آزاد هویی سلاح را به گار مسلسل - ها بستند، شاه جنایت پیشهای که با هلیکوپتر بر فراز کشتارگاه میدان زاله چرخ زد، تا از بوی خون سیراب شود، از این قصاصی دد منشا نه چه می - خواستند؟ آن نهاد سه سال پیش همان را می - خواستند که امروز می خواهند: ایرانی با آرامش گورستانی که در مرغزارهای سبز آن فئودالها بچرند و حاصل خون عرق زحمتکش را سرمایه -

## بیاد آن مجاهد نستوه...

۱۹ شهریور، دومین سالگشت فقدان مجاهد نستوه، حضرت آیت اله سید محمود طالقانی فرامیرسد.

سال ۱۳۵۸، در چنین روزی و در زمانی که بیش از همیشه، انقلاب بزرگ مردم ایران به متفکر و مجاهدی چون آیت الله طالقانی احتیاج داشت، مردم ایران با فقدان آن مرد بزرگ مواجه شدند.

آیت الله طالقانی، که مبارزات خود را علیه امپریالیسم، استبداد و ارتجاع از سال های بعد از سرنگونی رضاخان آغاز کرده بود، از زمره انقلابیونی بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد، در حالیکه سازشکاران "نهضت آزادی" به خانه های خود خزید می نمودند، پیگرانه به نبرد علیه رژیم شاه - آمریکا ادامه داد. و در متن همین مبارزه بود که مجاهدین اولیه، رضائی ها، حنیف نژادها صادق ها، سعید محسن ها و... در مکتب رزم - جوانه - فقید سعید پرورش یافتند و بنیاد "سازمان مجاهدین خلق ایران" را برای مبارزه امپریالیسم و استبداد ریختند. بقیه در صفحه ۶

## برنامه وزارت کار و امور اجتماعی حرکتی در راه صیانت منافع طبقه کارگر

دیدار با هیئت دولت که: "مردم به جای برنامه دادن، عمل می خواهند".

این امید را در دل زحمتکشان قوت می بخشد که مواد برنامه بر روی کاغذ نماند و قول به فعل در آید.

برنامه وزارت کار و امور اجتماعی در نخستین ماده خود، به یکی از مهمترین دشواری های موجود پرداخته، و آن تکیه بر ضرورت بازسازی تشکیلات وزارت کار است.

رازینهائی نیست که تشکیلات وزارت کار در دوران طاغوت، که آقای محمد میرصادقی بدرستی آنرا "وزارت کار فرمایان" عنوان داده بود، مردمی احراز کند. سخن صائب امام خمینی در انتشار برنامه وزارت کار و امور اجتماعی به مناسبت معرفی دولت شهید دکتر محمد جواد باهنر به مجلس شورای اسلامی، طبقه کارگر را با برنامه دولت حدید در ارتباط با تنظیم روابط کار و حفظ وصیالت نیروی کار به منظور استقرار قسط و عدالت اجتماعی آشنا ساخت.

اقدامات مثبت و بزرگوار و امور اجتماعی آقای محمد میرصادقی، در نخستین دوران وزارت خود و سرموا د این برنامه نشان می دهد که سرانجام وزارت کار و امور اجتماعی، با دریافت رسالت انقلابی خود، می خواهد عملاً از وزارت کار کارفرمایان به وزارت کار کارگران، بدل شود و جای شایسته خود را بعنوان وزارت کار یک نظام مردمی احراز کند. سخن صائب امام خمینی در

## مشایعت

زیر سنگینی آوار آسمان  
شانه هایم  
به دیوارهای دوسوی خیابان  
می سائید  
که تن نبودم تنها بودم  
بهمنی که به سوی قله می رفت.

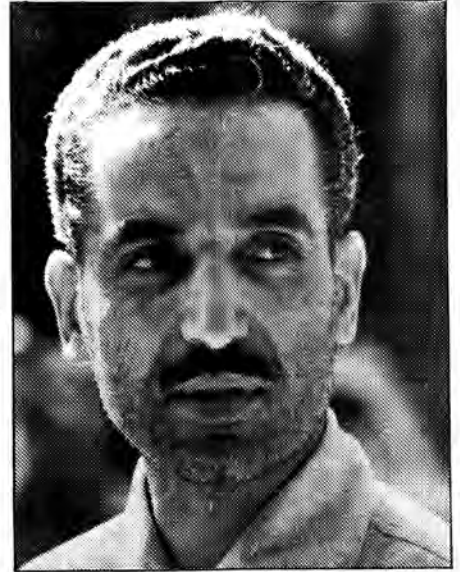
دونابوت  
دوبرگ یک دفتر  
گشوده و بر شاخسار انگشتان  
پیش می آمد  
و به هر گام  
تناورتر و گسترنده  
و اینک  
شهری در تابوت، به رستاخیز.

رجائی  
گرم گفتگو با روستائی  
سبکبار می گذشت  
سرگرداندم:  
چه تک و توشی دارد باهنر  
هنگامی که بر شاهانه های خلق می رود.

دراشک من  
جوهر سیماها رنگ می دواند  
چهره ها، چهره ها، مردم  
عکسی یگانه بر شیشه دل.

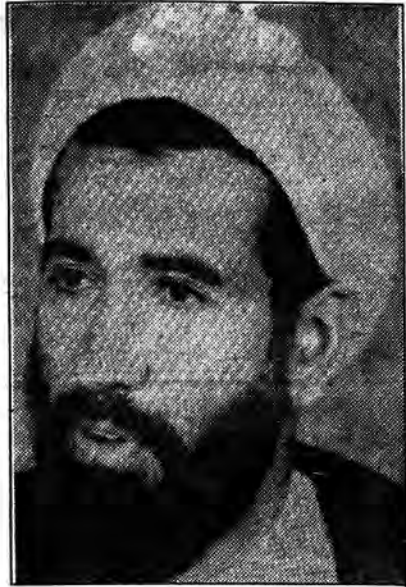
با امام به خانه باز آمدم.

دوشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۰  
سیاوش کسرائی



دروسوگ شهید محمدعلی رجایی و شهید دکتر باهنر :

# ایران یکپارچه فریاد "مرگ بر آمریکا" شد



دو شامت شهید پرواست به تعویق بیندازد و شما این راه را با استقامت و پایداری ادامه دهید

سرهنگ نامجو، وزیر دفاع، نیز طی سخنانی تاکید کرد:

"آمریکای جنایتکار باندت تا انقلاب اسلامی ایران بهره‌بری امام و امت ۳۶ میلیونی باقیست، رئیس‌جمهور و کابینه هم باقی است"

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در برابر انبوه جمعیت سخنانی ایراد کرد، وی با اشاره به خواست مردم در جهت جلوگیری از سستی‌ها و غفلت‌های مسئولین در امر حفاظت از شخصیت‌های انقلابی و سرکوب عوامل آمریکا گفت:

"مسئولین امنیتی امروز باید به شما جواب مثبت دهند"

در پایان مراسم، مردم انقلابی ایران پیکرهای سوخته شهدارا بر دوش خود حمل کردند و سپس در آمبولانس‌ها قرار دارند، تا به سوی بهشت زهرا، لاله‌زار شهدای انقلاب ایران، حرکت دهند، گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم"

حاکمیت که تا ساعتی پس از حرکت سیل انبوه مردم به سوی بهشت زهرا، خیابان امام خمینی و حنیف نژاد مالا مال از جمعیت بود و حرکت در آن به سختی انجام میشد، تراکم جمعیت در بهشت زهرا چنان بود که به خاک‌سپاری شهیدان تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ممکن نشد و سرانجام در میان طوفان اشک و فریاد "مرگ بر آمریکا" پیکر سوخته شهدان به خاک سپرده شد.

همزمان با تهران، در اغلب نقاط ایران، توده‌ها یکپارچه به خیابان آمدند و با فریاد "مرگ بر آمریکا" سوگ دوشهید را برپا کردند.

مردم انقلابی ایران همگی در جهت جلوگیری از سستی‌ها و غفلت‌های مسئولین در امر حفاظت از شخصیت‌های انقلابی و سرکوب عوامل آمریکا گفت:

"مسئولین امنیتی امروز باید به شما جواب مثبت دهند"

در پایان مراسم، مردم انقلابی ایران پیکرهای سوخته شهدارا بر دوش خود حمل کردند و سپس در آمبولانس‌ها قرار دارند، تا به سوی بهشت زهرا، لاله‌زار شهدای انقلاب ایران، حرکت دهند، گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم"

حاکمیت که تا ساعتی پس از حرکت سیل انبوه مردم به سوی بهشت زهرا، خیابان امام خمینی و حنیف نژاد مالا مال از جمعیت بود و حرکت در آن به سختی انجام میشد، تراکم جمعیت در بهشت زهرا چنان بود که به خاک‌سپاری شهیدان تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ممکن نشد و سرانجام در میان طوفان اشک و فریاد "مرگ بر آمریکا" پیکر سوخته شهدان به خاک سپرده شد.

همزمان با تهران، در اغلب نقاط ایران، توده‌ها یکپارچه به خیابان آمدند و با فریاد "مرگ بر آمریکا" سوگ دوشهید را برپا کردند.

مردم انقلابی ایران همگی در جهت جلوگیری از سستی‌ها و غفلت‌های مسئولین در امر حفاظت از شخصیت‌های انقلابی و سرکوب عوامل آمریکا گفت:

"مسئولین امنیتی امروز باید به شما جواب مثبت دهند"

در پایان مراسم، مردم انقلابی ایران پیکرهای سوخته شهدارا بر دوش خود حمل کردند و سپس در آمبولانس‌ها قرار دارند، تا به سوی بهشت زهرا، لاله‌زار شهدای انقلاب ایران، حرکت دهند، گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم"

حاکمیت که تا ساعتی پس از حرکت سیل انبوه مردم به سوی بهشت زهرا، خیابان امام خمینی و حنیف نژاد مالا مال از جمعیت بود و حرکت در آن به سختی انجام میشد، تراکم جمعیت در بهشت زهرا چنان بود که به خاک‌سپاری شهیدان تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ممکن نشد و سرانجام در میان طوفان اشک و فریاد "مرگ بر آمریکا" پیکر سوخته شهدان به خاک سپرده شد.

همزمان با تهران، در اغلب نقاط ایران، توده‌ها یکپارچه به خیابان آمدند و با فریاد "مرگ بر آمریکا" سوگ دوشهید را برپا کردند.

مردم انقلابی ایران همگی در جهت جلوگیری از سستی‌ها و غفلت‌های مسئولین در امر حفاظت از شخصیت‌های انقلابی و سرکوب عوامل آمریکا گفت:

"مسئولین امنیتی امروز باید به شما جواب مثبت دهند"

در پایان مراسم، مردم انقلابی ایران پیکرهای سوخته شهدارا بر دوش خود حمل کردند و سپس در آمبولانس‌ها قرار دارند، تا به سوی بهشت زهرا، لاله‌زار شهدای انقلاب ایران، حرکت دهند، گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم"

حاکمیت که تا ساعتی پس از حرکت سیل انبوه مردم به سوی بهشت زهرا، خیابان امام خمینی و حنیف نژاد مالا مال از جمعیت بود و حرکت در آن به سختی انجام میشد، تراکم جمعیت در بهشت زهرا چنان بود که به خاک‌سپاری شهیدان تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ممکن نشد و سرانجام در میان طوفان اشک و فریاد "مرگ بر آمریکا" پیکر سوخته شهدان به خاک سپرده شد.

همزمان با تهران، در اغلب نقاط ایران، توده‌ها یکپارچه به خیابان آمدند و با فریاد "مرگ بر آمریکا" سوگ دوشهید را برپا کردند.

مردم انقلابی ایران همگی در جهت جلوگیری از سستی‌ها و غفلت‌های مسئولین در امر حفاظت از شخصیت‌های انقلابی و سرکوب عوامل آمریکا گفت:

"مسئولین امنیتی امروز باید به شما جواب مثبت دهند"

در پایان مراسم، مردم انقلابی ایران پیکرهای سوخته شهدارا بر دوش خود حمل کردند و سپس در آمبولانس‌ها قرار دارند، تا به سوی بهشت زهرا، لاله‌زار شهدای انقلاب ایران، حرکت دهند، گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم"

حاکمیت که تا ساعتی پس از حرکت سیل انبوه مردم به سوی بهشت زهرا، خیابان امام خمینی و حنیف نژاد مالا مال از جمعیت بود و حرکت در آن به سختی انجام میشد، تراکم جمعیت در بهشت زهرا چنان بود که به خاک‌سپاری شهیدان تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ممکن نشد و سرانجام در میان طوفان اشک و فریاد "مرگ بر آمریکا" پیکر سوخته شهدان به خاک سپرده شد.

همزمان با تهران، در اغلب نقاط ایران، توده‌ها یکپارچه به خیابان آمدند و با فریاد "مرگ بر آمریکا" سوگ دوشهید را برپا کردند.

مردم انقلابی ایران همگی در جهت جلوگیری از سستی‌ها و غفلت‌های مسئولین در امر حفاظت از شخصیت‌های انقلابی و سرکوب عوامل آمریکا گفت:

"مسئولین امنیتی امروز باید به شما جواب مثبت دهند"

در پایان مراسم، مردم انقلابی ایران پیکرهای سوخته شهدارا بر دوش خود حمل کردند و سپس در آمبولانس‌ها قرار دارند، تا به سوی بهشت زهرا، لاله‌زار شهدای انقلاب ایران، حرکت دهند، گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم"

حاکمیت که تا ساعتی پس از حرکت سیل انبوه مردم به سوی بهشت زهرا، خیابان امام خمینی و حنیف نژاد مالا مال از جمعیت بود و حرکت در آن به سختی انجام میشد، تراکم جمعیت در بهشت زهرا چنان بود که به خاک‌سپاری شهیدان تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ممکن نشد و سرانجام در میان طوفان اشک و فریاد "مرگ بر آمریکا" پیکر سوخته شهدان به خاک سپرده شد.

همزمان با تهران، در اغلب نقاط ایران، توده‌ها یکپارچه به خیابان آمدند و با فریاد "مرگ بر آمریکا" سوگ دوشهید را برپا کردند.

مردم انقلابی ایران همگی در جهت جلوگیری از سستی‌ها و غفلت‌های مسئولین در امر حفاظت از شخصیت‌های انقلابی و سرکوب عوامل آمریکا گفت:

"مسئولین امنیتی امروز باید به شما جواب مثبت دهند"

در پایان مراسم، مردم انقلابی ایران پیکرهای سوخته شهدارا بر دوش خود حمل کردند و سپس در آمبولانس‌ها قرار دارند، تا به سوی بهشت زهرا، لاله‌زار شهدای انقلاب ایران، حرکت دهند، گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم"

حاکمیت که تا ساعتی پس از حرکت سیل انبوه مردم به سوی بهشت زهرا، خیابان امام خمینی و حنیف نژاد مالا مال از جمعیت بود و حرکت در آن به سختی انجام میشد، تراکم جمعیت در بهشت زهرا چنان بود که به خاک‌سپاری شهیدان تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ممکن نشد و سرانجام در میان طوفان اشک و فریاد "مرگ بر آمریکا" پیکر سوخته شهدان به خاک سپرده شد.

که دشمن از کار شما سوء استفاده کند، برادران مسلمان، شما هر کدام یک پاسدار این مملکت، پاسدار اسلام و مسلمین هستید، اما توجه این مطلب را داشته باشید که دشمن در لباس بسیج درمی آید، در لباس مأمورین انتظامی درمی آید، انجام وظیفه کنید، اما زیر پوشش سپاه پاسداران بیخیزید برای نگهداری مملکت، اما بانظم با بردباری و با هوشیاری کامل".

آمریکا با انقلاب دشمن است، پس حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران، نماینده مجلس شورای اسلامی و نماینده امام در شورای عالی دفاع طی سخنانی از جمله گفت:

"اگر دشمن جهان‌خوار ما، یعنی استکبار جهانی به وسیله ایادی و عوامل داخلی خود دست به این جنایت‌های زنده و عزیزان ما می‌گیرد، با شخص آن نهاد دشمن نیست، با این ملت دشمن است، با این انقلاب دشمن است، آمریکا می‌خواهد اسلام نباشد و این ملت انقلابی به ستوه آید، خسته شود".

وی تاکید کرد: "این ملت باید آمریکا را در مسند قدرت سرکوب کند".

کپاوش نماینده مجلس شورای اسلامی از آبادان، که از محرومین جنایت ۷ تنی عوامل آمریکا در دفتر حزب جمهوری اسلامی است، طی سخنانی تاکید کرد:

"هرگز تصور نکنید سیاست‌های شوم آمریکا و توطئه‌های شومش می‌تواند بارمانتی را که به

مردم انقلابی ایران همچنین از مسئولین انتظامی خواستند که بدون هیچگونه تسامح و تعللی امرحفاظت از شخصیت‌ها و نهادهای انقلابی را حدی بگیرند.

خبرنگاران "اتحاد مردم" همچنین گزارش می‌دهند که در طول مراسم بارها و بارها از بلندگو از مردم خواسته می‌شد که: "تصام فریادهای خود را علیه آمریکا، عامل اصلی این جنایت متوجه کنند".

در این مراسم ابتدا حجت‌الاسلام معاد یخواه وزیر ارشاد اسلامی، طی سخنانی، ضمن محکوم کردن این جنایت هولناک آمریکا و عواملش، از مردم خواست که حضور فعالانه خود را در صحنه همچنان حفظ کنند، وی متذکر شد که انتحایات آینده ریاست جمهوری صحنه سردی اما دیگری علیه آمریکا جنایتکار است و حضور آن به معنی حضور در این میدان نبرد است. وی همچنین از مسئولان انتظامی خواست که امرحفاظت از شخصیت‌های مملکتی را موثرتر و حد بشتر اجرا آورند.

حجت‌الاسلام خلیلی نیز طی سخنانی از جمله تاکید کرد که نظارت بر آمریکا خواهد توانست با این گونه اعمال سلبه خود را بر این کشور تحمل کند.

در همین مراسم آیت‌الله ربانی املشی، دادستان کل کشور، طی سخنانی، ضمن تاکید بر اینکه "ستون پنجم دشمن قصد خطرناکی کرده است"، از جمله گفت:

"مواظب باشید، مبادا عملی از شما سرزند

## دوباره رأی می‌دهیم!

جمعیّت لخطای آرام نداشت، اشک می‌ریختند، فریاد می‌زدند و شعار "مرگ بر آمریکا" لخطای از زبان‌های افتاد، گرما، فشار و ته‌خوردن‌ها، هیچ‌کدام نمیتوانست لخطای مردم را از شور و محو باه‌شان محرف کند، در این میان، صدای کجگاوانه بود که در میان انبوه مردم فضا را شکافت، شعارها را تحت الشعاع قرار داد و برای لخطای در گوشه‌ای از دریای سیکران خلق سکوتی سنگین حاکم ساخت:

"بابا، این دفعه به کی رای میدی؟ سکوت بود، کودک مصرانه سئوال خود را تکرار کرد:

"بابا، دفعه دیگر به کی رای میدی؟"

ده‌ها چشم اشک‌آلود به این کودک خردسال سیاه‌پوش دوخته‌شدنیدر، که کارگر زحمتکشی به نظر می‌رسید، بغض کرده بود و نمی‌توانست پاسخ کودک را بدهد، برای لخطای سکوت ادامه یافت، نا اینکه "در آن فضای عم‌آلود و تیز زده، صدای بعضی‌آلود فردی فضا را شکافت و در گوش مردم طنین انداز شد:

"به هر کس امام تعیین کند، به هر کس در خط امام باشد، پسر من!"

هستند، تا مین کرد، همچنین می‌توان با استفاده از کارشناسان کشورهایی که، عاری از تحمیلات سیاسی و اقتصادی، آماده انتقال تکنولوژی معاصر به ما هستند، کادری بومی را پرورش داد و سطح آموزش فنی و کیفیت مهارت‌کارگران را بالا برد. تدوین قانون کار و قانون کارکشوری، یکی دیگر از اهداف برنامه وزارت کار و امور اجتماعی است. امروز دیگر کمترین تردیدی وجود ندارد که قانون کار نظام ضد کارگری طاغوت، به هیچ رو نتوانسته است پاسخگوی نیازهای انقلاب باشد. انقلاب باید قانون کاری تدوین کند که تعدیل کننده بهره‌کشی، تا مین‌کننده منافع کارگران در جامعه در محیط کار باشد، چنین قانون کاری با این کیفیت، از خواست‌های مبرم کارگران پس از پیروزی انقلاب بوده، که متأسفانه به علل گوناگون به تاخیر افتاده است. حکومت لیبرال‌ها به دلیل خصلت طبقاتی خود نمی‌توانست تعدیل کننده استعمار و حامی کارگران باشد. پس از آن نیز به دلایل معین و از جمله وجود طبیف‌های گوناگون در حاکمیت، این مهم انجام نشد. اکنون وقت آن رسیده است که قانون کار جدیدی، با شرکت مستقیم نمایندگان کارگران، بگونه‌ای که تبلور خصلت مردمی انقلاب باشد، تدوین و تصویب شود. بگفته‌ام خمینی:

"الان دیگر کسی نیست که عذر بیاورد که من می‌خواستم بکنم و فلانی نگذاشت".

مسئله مهمی که در برنامه وزارت کار و امور اجتماعی متأسفانه بکلی در سوت‌تسیان مانده است، توجه به مسند یک‌های کارگری است. سندیکا - ها، که یگانه شکل صنفی - طبقاتی کارگران است، هم می‌توانند نهاد‌های دولتی را در امور که به زندگی و کار کارگران مربوط است، یاری دهند، هم بمثابة یک نهاد ضد امپریالیستی و پشتیبان انقلاب، در پیشبرد اهداف انقلاب نقش قاطع ایفا کنند و هم نیروی کار را در سراسر کشور برای افزایش تولید صنعتی تجهیز و متشکل نمایند.

اصل ۲۶ قانون اساسی با صراحت از آزادی بقیه در صفحه ۵

مالکیت، بگونه‌ای که انقلاب مستضعفین را پاسخگو باشد، باید بکسر کرد.

برنامه وزارت کار و امور اجتماعی بمنظور تا مین اشتغال، علاوه بر سلب مالکیت از صاحبان مستکبر کارگاه‌ها، حمایت و توسعه تعاونی‌های تولید را توصیه می‌کند که بحای خود مفید است و ضرور. اما علاوه بر آن دولت باید با سرمایه گذاری در بخش دولتی صنایع، گسترش این بخش و ایجاد محل‌های جدید اشتغال، به حذف بیکاران اقدام کند.

برنامه وزارت کار و امور اجتماعی از نظر آموزش نیروی انسانی، به اعزام نیروی کار بخارج بمنظور کسب تخصص و نیز جذب نیروهای متعهد به انقلاب اسلامی تکیه نموده است. این بخش مهم از برنامه، پاسخ به باوه‌گوییان، یعنی ضد انقلاب داخل و خارج است، که چنین وانمود می‌سازند که گویان نظام جمهوری اسلامی ایران خواهان برگشت به گذشته‌هایی اعتنا به علم و تخصص است.

تردد نیست که در جهان کنونی، هیچ کشوری نمی‌تواند از دستاوردهای دانش و فن بشری بی‌نیاز باشد، زیرا که این امر با ترقیات اجتماعی، که شرط بقا هر جامعه‌ای است، ملازمه کامل دارد. اگر بخواهیم در زمینه‌های صنعت و کشاورزی به مرزهای خود کفائی نزدیک شویم، چاره نیست جز آنکه صنایع و کشاورزی مدرن داشته باشیم، به تکنولوژی معاصر دست یابیم و نیروی ماهر و متخصص را برای کاربرد این تکنولوژی تربیت کنیم.

صرف نظر از بخشی از متخصصان مومن به انقلاب در داخل کشور که متأسفانه علت تعصبات عقیدتی کنار مانده‌اند، بخشی از نیروی متخصص نیز در خارج از کشور، هم در کشورهای سرمایه - داری هم در کشورهای سوسیالیستی، وجود دارد. باید متخصصان مومن به انقلاب را، بدون غرقه شدن در گرگ‌های گرومی، به کشور فراخواند و از تخصص آنان در پیشبرد اهداف انقلاب بهره گرفت. بخش دیگر از نیروی متخصص را نیز باید با اعزام نیروی کار به کشورهای که بدون قید و شرط آماده برای تربیت کادر متخصص ایرانی

گام بردارند. تمام عناصر ساواکی، وابستگان و وفاداران به رژیم طاغوت و لیبرال‌ها، که میوه در وزارت کار لانه کرده‌اند، باید بیرون ریخته شوند و جای آنان را عناصر انقلابی و وحدت‌گزاران اقتدار محروم اشغال کنند. تنها در این صورت می‌توان امید داشت که برنامه‌های مفید وزارت کار، بعمل در آید.

مسئله‌شایان توجه دیگر در برنامه وزارت کار، تکدید ضرورت تعیین محدوده مالکیت و ضوابط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است، که تا مجلس شورای اسلامی در این مسئله خطر موضع خود را مشخص نکند، نمی‌توان امیدوار بود که از تکثیر جلوگیری شود و شکاف طبقاتی کنونی، که در بکسر آن اکثریت محروم و در سر دیگر آن، اقلیت بهره‌کش ممتاز قرار دارد، تنگ و تنگتر شود.

وزارت کار و امور اجتماعی در برنامه خود به منظور بهبود وضع اشتغال، از جمله "سلب مالکیت و راه اندازی کارگاه‌های راکد" (که صاحبان مستکبر آن به علت فراری بودن و دلایل غیرموجه دیگر سرمایه‌های ملت مسلمان را راکد گذاشته‌اند) توصیه کرده است.

حای تعجب و تأسف است که، دو سال و نیم پس از پیروزی انقلاب، هنوز در بسیاری از کارگاه - های صنعتی از صاحبان مستکبر و فراری سلب مالکیت نشده است، این مردمان از ترس بیامده‌های انقلاب، به خارج گریخته‌اند و همه دست‌ها ضد انقلاب فراری خارج از کشور، توطئه می‌کنند و ما مایملک این غاصبان و غارتگران را در دست نخورد مافی گذاشته‌ام، تا چنانچه بازگشتند، صحیح و سالم تحویل شان دهیم؟! نام این همه مدارا و معاشات را، در دورانی که بیش از هر وقت به اقدامات انقلابی و ضرورتی نیاز هست، چه می‌توان نهاد؟

بی‌تردید نفوذ گسترده لیبرال‌ها در دستگاه دولتی، که "رافت و عطفوت" اسلامی را پوشش منافع طبقاتی خود ساخته‌اند، مهر و نشان خود را بر روند مصادیرها و ملی کردن‌ها باقی گذارده، ولی اکنون که آنها بطور عمده از گود سیاست بیرون افتاده‌اند و دیگر، بگفته‌ام، "عذری باقی نیست" تکلیف انقلاب را با مسئله

## برنامه ...

در حد صریحی بود که ما هر استخوان صد کارگر و حای منافع سرمایه‌داران بزرگ، واسته بود. سرمایه‌داران وزارت کار، حرد موارد واقعاً دارو استثنائی، با روح صیانت منافع کارفرما و حق کسی نسبت به طبقه کارگر بی‌پروسی یافته بود، چنین سازمانی طبعاً نمی‌توانست با پیروزی انقلاب، تا کتهای تعصبات مذهب دهد و در خدمت محرومان جامعه قرار گیرد، بویژه آنکه سیاست حمایتی دولت لیبرال‌ها سرمایه‌داران و کارفرمایان طاغوتی، مانع از یکساری گسترده و عمیق در وزارت کار شد و مهره‌های رژیم پس در بسیاری از مواضع اداری و تولیدی باقی ماندند. نفوذ کارگران سرمایه‌داری وابسته در سیاست‌های کلیدی - و برای نمونه وجود امثال مسعود هسنه‌ای، بهرگز از سازمان کسترسر - صنایع - و بزرگاری مذبذبان طاغوتی برای صنایع ملی شده بوسله چنین عنصر ضد انقلابی، موجب شد که طبقه کارگر دیگر گویی اساسی در روش کار و ستنش‌های کارگران وزارت کار احساس نکند.

سامه‌های فراوانی از کارگران در صفحات مطبوعات پس از انقلاب متأسفانه که فریادشان از بر خورد - های با دست کارگران وزارت کار - که ما در دوران تلخ طاغوت است - به آسمان رسیده است.

روسی است که بهترین و جامع ترین برنامه‌ها، چنانچه در دست مجریان با صالح قرار گیرد، قلب مایه خواهد کرد. بدینجهت برای اجرای برنامه در مجموع متسی که وزارت کار و امور اجتماعی به منظور عبور و تحول در مناسبات کار ارائه داده است بحسب باید مجریان صالح بر این امور اجرائی فرار گیرند. از همین نظر حشش ماده برنامه جدید، تحدید سازماندهی وزارت کار است.

همان طور که در سایر نهادهای دولتی و انقلابی، بزرگاری عناصر مومن به انقلاب، به یک ضرورت تبدیل شده است. در وزارت کار نیز باید یکسانی بر این امور قرار گیرند که، در عمل و نه در حرف، به انقلاب و اهداف آن مومن باشند، تا نتوانند در راه تا مین منافع طبقه کارگر بر اساس آرمانهای انقلاب

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۹)

نقشه آمریکا، مسیحانی، مسلمان - نمایان، ضد کمونیستی، همراه با تحریک و توطئه "بنی صدر، دیگر به مراحل اجرایی نزدیک می شد. بهمن ۵۹ بعد از اعلام نقشه ریگان، بنی صدر، فکر می کرد با تحریکات قبلی (شرح آن در شماره پیش آمد) به اندازه کافی نیرو جمع کرده است، مطابق نقشه "سیا"، که گروهک آمریکائی - چینی "رنجبران"، آن را همان روز - ها فاش کرد، به تشکیل جبهه براندازی پرداخت.

در حقیقت حرکات بنی صدر از آن ۵۹، که مقارن با آغاز هفتمین توطئه "مهر با لیسیم" آمریکا علیه انقلاب ایران بود، به شکل منظم تری بر اهداف امپریالیسم آمریکا انطباق یافت. جبهه جهانی ضد انقلاب این بار برای اجرای دسائیس خودیستیزترین بال و پر را به بنی صدر داده بود. در این ماه، که مصادف با متوقف شدن نیروهای متجاوز صدامی در جبههها از سوئی و اعلام شرایط ایران برای آزادی "گروگان ها" "سی جاسوس" آمریکا - بی از سوی دیگر بود، رونالد ریگان، نماینده جدید انحصارات آمریکا، به کاخ سفید راه یافت و نقشه جناح هارتر امپریالیسم آمریکا برای مقابله با ایران در دستور روز قرار گرفت. ریگان چندی بعد با ایراد نطقی خواستار روی کار آمدن عناصر "میسورتر" در ایران شد. وی گفت:

"... من شک دارم که در ایران دولتی وجود داشته باشد، برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه روی تری در ایران روی کار آیند..." (۲۲ دی ۵۹ کیهان)

"... اولین عامل ضروری برای تأمین ثبات در آن منطقه (خلیج فارس) آنست که در ایران دولتی به وجود آید که اختیارات یک دولت واقعی را داشته باشد..." (۱۲ بهمن ۵۹)

زاد بویختیار هم، که رودتر از دستور ارباب ها آگاه شده بود، اعلام کرد:

"... امروز روزی است که باید دولت به اصطلاح مکتبی رجائی... حزب منفور جمهوری اسلامی، حزب وابسته توده، مجلس شعبده بازی آخوندها و خمینی... از سر راه برداشته شوند..." (۲۵ آبان ۵۹)

این نوای شوم توسط گروهک آمریکائی - چینی "رنجبران" در ایران، به گوش جان شنیده شد. "رنجبر" اعلام کرد:

"دولت رجائی باید برود..." (شماره ۱۷۷ رنجبر)

دکتر یزدی از سران "نهضت آزادی" و وزیر خارجه دولت موقت نیز با این طرح موافق بود:

"... این دولت (رجائی) ... را باید تغییر داد..." (۱۰ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

اجرای این طرح، بر عهده "رنجبران"، رهبری خائن "مجاهدین خلق"، "نهضت آزادی"، "جبهه ملی"، "پیکار" و سایر ترپچه های پوک و "سپهسالار بنی صدر" گذاشته شد.

از اوائل اسفند ۵۹، جبهه متحد ضد انقلاب بطور فعال تروگستخ تری وارد عمل شد. تحریکات بنی صدر بیون و اعوان و انصار آن ها بالا گرفت و موج تبلیغات ضد شوروی، ضد کمونیستی و ضد حزب توده ایران از سوئی، (به شماره های قبل مراجعه کنید) و حمله مدام به پیروان خط امام خمینی از جهت دیگر، بالا گرفت. تحت عنوان حمله به استبداد، جما قدراری و انحصار طلبی، بنی صدر بدر تعصیدی جبهه متحد ضد انقلاب، وارد عمل شد:

"... نقش شما مردم بسیار اساسی و مهم است و آن هم در این است که تسلیم رور نشوید، کار مشکلی نیست، چنانکه در ساقط کردن رژیم شاه شادیدید. وقتی این کار را می خواستید بکنید و آن هم با وحدت بکنید، چقدر آسان بود. هیچ کار مشکلی نیست، وقتی این چنین کردید، دولت، دولت می شود به معنای واقعی کلمه. دولت برای این نیست که این راه جان آن بیندازد آن راه جان این بیندازد..." (۱۴ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی - بنی صدر)

و حالا دیگر فقط دولت مطرح نبود؛ برای پاسداری از انقلاب (بود)، درست نشده بودند برای حکومت... نه جهاد سازندگی، نه سپاه پاسداران، نه بنیاد مستضعفین، نه دادگاه انقلاب، این ها حق حکومت ندارند... زور من شماست. هرکاری می بینید خطاست و می - خواهید درست شود، باید خودتان بایستید و

درست کنید... به هر حال تکلیف شما این است که... همه جمع بشوید... لاقید ننمایید... بگوئید آقا شایک عده کذا از جان ما چه می - خواهید... (همان جا)

این صدای شوم در کرنای گروهک مائو - نیستی - آمریکائی "رنجبران" هم انعکاس می یافت:

"... مردم ما قیام کردند تا به استبداد سلطنتی و فاشیسم خودگامه ساواک خاتمه دهند اما امروز به قول رئیس جمهور با استبداد، با نوع زندان و انواع شکنجهها روبرو هستند... مردم ما قیام کردند تا راه ترقی را... طی کنند، اما امروز روند جامعه در جهتی است که هراس می رود آنچه را که مردم داشته اند هم از دست بدهند... ما هم همانند رئیس جمهور در مقابل قهر و زور حاکمین تازه به دوران رسیده مجبوریم بایستیم... همچنان که... در برابر زورمندان رژیم سابق ایستادیم..." (شماره ۱۴۷ رنجبر - از مقاله "رسم مردم ما است که بایستند" - ۲۱ دی ۵۹)

لیبرال ها هم، همان "پیکان سوارهای نازک نارنجی"، اعلام سخنرانی میکردند، برای آنکه حرف های ناگفته (!) را بگویند. حرف - هایی که البته از گفتگو با برژینسکی و کم و گور شدن پروتکل آن مذاکرات، در آن خبری نبود، و هر چه بود، سخن دل خسته لیبرال زاده هایی بود که از بیزیراهای دور افتاده با بغض و کینه به مردمی می نگرد که در شاهراهی وسیع رو به افقی تازه، می تازند.

مشکل اساسی کشور ما بعد از پیروزی انقلاب که تا به امروز هم ادامه دارد و منجر به بحران کنونی شده است، بحران در مدیریت مملکت و بیش مسئولان کنونی می باشد..." (۱۹ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

و این "بحران" را دکتر یزدی چنین می - شکافت:

"اشکال اساسی در جای دیگری است و آن اختلاف دو بینش و نگرش از فلسفه سیاسی است. یک بینش به جامعه باز و آزاد بر اساس موازین اسلامی و قانون اساسی اعتقاد دارد، بینش دیگر معتقد به اداره کشور بر اساس حکومت یک حزبی است..." (همان جا)

آری، جبهه متحد ضد انقلاب وظیفه ایجاد بحران را، بحرانی که در حقیقت وجود داشت، اما از ضد انقلاب ریشه می گرفت، نه از انقلاب، بر عهده گرفت. این بحران می بایستی در حرف و در عمل بوجود آید و گسترش یابد

تادر چنان جوی آقایان، و سپس اربابان آمریکا - عثمان، هر چه می خواهند بکنند. برای اجرای همین توطئه بوده که سخنرانان "دفتر هماهنگی"، از مبلغی اسلامی گرفته تا سلامتیمان و غضنفر - پور و همچنین گوبندگان "نهضت آزادی" و

خود بنی صدر، هر روز در گوشه و کنار مملکت آتشی بر می افروختند، تا از آن آتش خویش را گرم کنند و مردم را بسوزانند.

سخنرانی نمایندگان "نهضت آزادی" در استاد یوم امجدیه، سخنرانی های مکرر بنی صدر

در گوشه و کنار مملکت، آنهم در حالیکه امام خمینی سخنرانی سران درجه یک مملکت را تا پایان جنگ ممنوع کرده بودند، افتتاح "دفتر هماهنگی" در اینجا و آنجا، راهپیمائی های "سازمان مجاهدین خلق"، که رهبری خائن آن دست در دست بنی صدر نهاده بود، میتینگ های موضوعی گروهک های مائو نیستی - آمریکائی مانند "پیکار" و "رنجبران" و... همه و همه در خدمت این هدف بودند. به زبان دیگر، یکی می برید، یکی می دوخت و دیگری تن می کرد. "رنجبر" فریاد می زد:

"... منطق مستبدین روس گرا در حکومت کنونی از نظر ماهوی فرق چندانی با منطق آریا - مهری ندارد..." (رنجبر - شماره ۱۵۰ - ۲۸ دی ۵۹)

و محمد مبلغی اسلامی، سخنگوی "دفتر هماهنگی" در شهر مسرا رهنمود (!) می داد که: "مردم بایستی از آزادی مانند حرم مقدس و پاک خانواده خود... دفاع کنند و یک لحظه از مسئولیت خطیر دفاع از آزادی غافل نباشند..." (۱۰ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

و مهندس بازگان می گفت: "... عمیقاً نگران تداخل و نفوذ افکار و برنامه های مارکسیستی و سیاست شوروی می باشیم... نگران جانشین شدن یک ابر قدرت به جای ابر قدرت دیگر هستیم..." (۱۰ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

و بنی صدر ادامه می داد:

"... بر من بود که هشدار بدهم و تجریف - های تاریخی را پیش چشم همه بیاورم، بر من است که در برابر جویانی که کشور را به سوی استبداد و وابسته به سلطه خارجی می برد، مقاومت کنم، چرا که این به معنای مرگ اسلام مرگ ایران و مرگ آرمان های یک انقلاب است..." (۱۱ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

و حسین نواب صفوی، که اینک در چنگال عدالت جمهوری اسلامی ایران گرفتار است، "شاعرانه" تقاضای کمک می کرد:

یار باز ابر هدایت برسان بارانی پیشتر زانکه جوگردی، زمین بر خیزیم (۱۴ اسفند ۵۹ - سرمقاله انقلاب اسلامی)

به این ترتیب بود که ضد انقلابیون، در میان گرد و خاکی که خود به پا کرده بودند، تا چشم چشم رانینند، به تشکیل جبهه متحد خود پرداختند، تا عملیات ضد انقلابی خویش را هم - آهنگ کنند. در این زمینه پیشگام، گروهک آمریکائی - چینی "رنجبران" بود.

۱۹ بهمن ۱۳۵۹، بدنبال اعلام نقشه ریگان مبنی بر روی کار آمدن یک "دولت میانه - رو" (بخوان: لیبرال)، "رنجبر" نقشه دیکته - شده از جانب "سیا" را چنین اعلام کرد:

"... در صحنه سیاسی کنونی ایران دو جریان سیاسی در مقابل هم در حال شکل گیری اند، جریان یک در برگیرنده اکثریت عظیم مردم، کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی و دیگر عناصر استقلال طلب می باشد... حزب رنجبران ایران، جبهه ملی ایران، حزب

ملت ایران، نهضت آزادی ایران، جاما، سازمان مجاهدین خلق و اکثریت سازمانهای چپ (بخوان: مائوئیست های آمریکائی) از جمله احزاب و سازمان های هستند که بطور عینی در این جریان قرار می گیرند، طرفداران رئیس جمهور بنی صدر هم که طیف وسیعی را تشکیل می دهند در این جریان قرار دارند..." (رنجبر، شماره ۱۵۹)

در این نقشه سپس جبهه مقابل متشکل از نیروهای پیرو خط امام، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، جنبش مسلمانان مبارز، حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و... معرفی میگردد، و آنگاه "رهنمود" داده میشود که:

"... در حمله به غاصبین قدرت سیاسی یعنی حاکمین مستبد باید آتش حمله را روی آن مشت کوچک سر سخت تمرکز داد..." (همان جا)

و این تمرکز "به چه منظور باید صورت گیرد؟ جواب گروهک مائوئیستی آمریکائی "رنجبران" این است:

"... آقای رئیس جمهور، مردم را به مبارزه و کسب پیروزی دعوت کنید. مردم حاضر - ندهم را شما قیام کنند..." (رنجبر ۱۵۸ - ۱۶ بهمن ۵۹)

زیرا: "... ملتی که استبداد کبیر را سرنگون کرد، استبداد دصغیر را هم سرنگون خواهد کرد..." (رنجبر ۱۶۰ - ۲۱ بهمن ۵۹)

احمد غضنفر پور، مائوئیست مسلمان نمام این "رهنمود" همپالکی خود را به گوش جان شنید و اعلام کرد که:

"... به این روش های زورمدارانه که نشانه بارزی است از افکار دیکتاتوری باید خاتمه داد..." (۲۰ اسفند - انقلاب اسلامی)

احمد سلامتیمان هم به جمع مقاومتین (!) پیوست و حرف یاران خود را تکمیل کرد:

"... در مقابل زور و اعمال فشار نایستادن یعنی، چون گوسفند به سلاح خانه رفتن..." (همان جا)

و آخر هم اینکه: "ای مردم آزاده کجا تید، کجا تید آزادگی افسرد، بیائید، بیائید" (سرمقاله انقلاب اسلامی - ۱۹ فروردین ۶۰)

بنی صدر هم که قبلاً فرمان "ایستادگی" را توشیح (!) کرده بود:

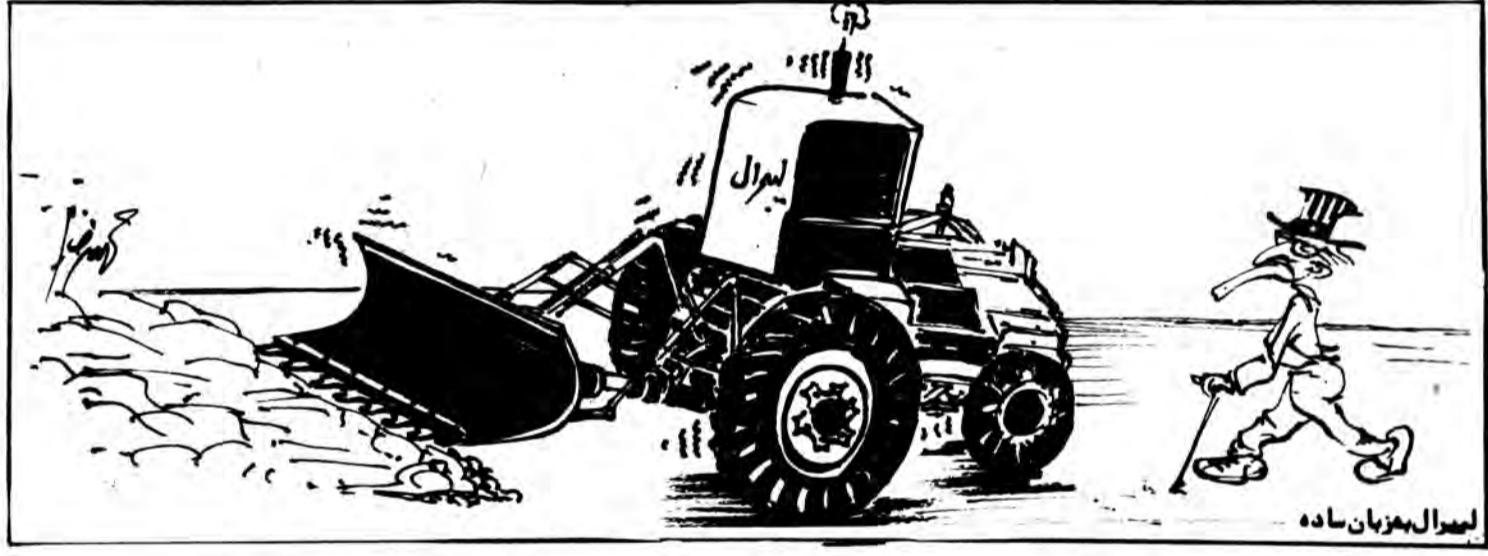
"... خودتان بایستید درست کنید..." (۱۴ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

حالات آنها تشکیل رسمی جبهه متحد ضد - انقلاب مطرح بود، که در روز ۱۴ اسفند ۵۹، در دانشگاه تهران، در برابر چشم همگان قرار گرفت.

حاضران در مراسم ۱۴ اسفند سال ۵۹ در دانشگاه تهران عبارت بودند از: جبهه ملی نهضت آزادی، حزب ملت ایران، جاما، سازمان مجاهدین خلق، رنجبران، پیکار و سایر ترپچه های پوک، ساواکی ها، سلطنت طلبان، بختیاری ها و... هواداران بنی صدر!

و به این ترتیب بود که از کستر ضد - انقلابیون، به رهبری ابوالحسن بنی صدر، روز ۱۴ اسفند ۵۹، برای تمرین نهائی وارد صحنه شد. صحنه ای که قرار بود سکوی جهش ضد - انقلابیون باشد، اما گورگاه آنان شد. (ادامه دارد)

بنی صدر، رهبر "جبهه براندازی"



های تاریخی را پیش چشم همه بیاورم، بر من است که در برابر جویانی که کشور را به سوی استبداد و وابسته به سلطه خارجی می برد، مقاومت کنم، چرا که این به معنای مرگ اسلام مرگ ایران و مرگ آرمان های یک انقلاب است..." (۱۱ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

و حسین نواب صفوی، که اینک در چنگال عدالت جمهوری اسلامی ایران گرفتار است، "شاعرانه" تقاضای کمک می کرد: یار باز ابر هدایت برسان بارانی پیشتر زانکه جوگردی، زمین بر خیزیم (۱۴ اسفند ۵۹ - سرمقاله انقلاب اسلامی)

مشکل اساسی کشور ما بعد از پیروزی انقلاب که تا به امروز هم ادامه دارد و منجر به بحران کنونی شده است، بحران در مدیریت مملکت و بیش مسئولان کنونی می باشد..." (۱۹ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی)

به پیشواز هفته سالگرد جنگ عادلانه بر ضد تجاوز آمریکائی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران

# تدارک رژیم صدام برای آغاز جنگ تجاوزکارانه و سکوت دولت موقت

**\* دولت موقت که، بر اساس نوشته‌های پرخارج‌هاش اطمینان داشت که عراق آماده حمله به ایران است، سعی کرد با اعلام اینکه عراق در خاک خودش مانور می‌کند، خطر را از مردم پنهان بدارد.**

جنگ برافروخته از جانب امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بدست رژیم جنایتکار صدام یکساله می‌شود. اکنون یک سال است که خلق‌های ایران با فداکاری و دلاوری کم نظیر علیه متجاوزان صدامی می‌رزمند و بهترین فرزندان خلق به‌پای خون خویش راه نفوذ بیشتر دشمن را به خاک میهن انقلابی سد کرده‌اند.

یک سال پیش در بغداد ظهر شوم ۲۸ شهریور ۱۳۵۹، با بمب‌های رژیم صدام، که بر چند فرودگاه مهم ایران، از جمله فرودگاه مهر-آباد تهران، فرودگاه دهبود، جنگ تحمیلی صدامیان علیه ایران انقلابی آغاز شد. در این روز، با نفوذ هواپیماهای متجاوز رژیم صدام تا پایتخت ایران، جنگی که از چند ماه پیش به شکل ایدایی آغاز شده بود، وسعت یک تجاوز تمام عیار را به خود گرفت.

نگاهی به رویدادهای یکساله پیش از حمله نظامی بسیار گسترده - ۱۸ لشکر - رژیم صدام به خاک ایران، نشان می‌دهد که چگونه صدام تکریتی، مطابق نقشه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، آماده اجرای توطئه ششم علیه انقلاب مشد و در همان حال وزیر خارجه دولت موقت این توطئه آمریکا-صدامی را - پوستانی می‌کرد. شواهد موجود حاکی است که رژیم صدام، بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب ایران، از آنجا که از تاثیر انقلاب ایران در خلق‌های عراق هراسان بود، علیه ایران انقلابی موضع گرفت. ابتدا حملات تبلیغاتی به ایران شروع شد و سپس از اردیبهست ۱۳۵۸ عملیات ایدایی رژیم بغداد علیه ایران آغاز گردید. این عملیات جنان وسعت گرفت که یک ماه بعد: "هواپیماهای عراقی در ۴ نوبت ۶ قریه در خاک ایران را مورد حمله قرار دادند." (۱۷ خرداد ۱۳۵۸ - کیهان)

ولی دولت موقت در این باره کاملاً سکوت کرد. هواپیماهای دشمن محدوداً در ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ به خاک ایران تجاوز کردند، و دولت موقت همچنان ساکت بود. مردم ایران در ۲۲ خرداد ۱۳۵۸ علیه جنایات رژیم بغداد راهپیمایی کردند و باره‌هم دولت موقت ساکت بود. البته دولت موقت نه تنها از عملیات ایدایی رژیم بغداد - خیر بود، بلکه به اعتراف دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه وقت، می‌دانست که رژیم صدام آماده یک جنگ تمام عیار با ایران می‌شود:

"... عراق با مرتجع‌ترین دولت‌های عربی، از جمله عربستان سعودی و اردن و یمن شمالی و عمان و مصر نزدیک شد. صدام حسین یک پیمان دوجانبه با عربستان سعودی منعقد نمود که متعاقب آن و متاثر از آن روابط عراق با یمن شمالی و اردن گسترش یافت. روابط عراق با یمن جنوبی به سردی گرفتار شد. چرا عراق و عربستان پیمان بستند؟ این پیمان‌های موسمی و فصلی برای هدف‌های مشخص و معین هستند. این پیمان علیه چه کشوری می‌باشد؟ اگر قرار بود که این پیمان علیه اسرائیل باشد، عراق می‌بایستی نیروهای خود را در مرزهای سرزمین‌های اشغال شده فلسطین متمرکز سازد، نه در مرزهای ایران، پیمان عراق و عربستان که در همان ماه‌های اول بعد از پیروزی انقلاب ایران منعقد شد، دقیقاً علیه ایران می‌باشد. برای ماهیچ‌شک و شبهه‌ای نبود. و ما متوجه شدیم که این پیمان‌ها بودند." (کیهان - ۵ مهر ۱۳۵۹)

از این اعترافات به تاخیر افتاده وزیر خارجه دولت موقت لیسرال، که یک سال ونیم بعد از حوادث یاد شده در بالا و چند روز بعد از تجاوز صدامیان به ایران منتشر شده، چند مستند بسیار روشن نتیجه می‌شود:

- ۱- عراق نیروهای خود را در مرزهای ایران، در همان ماه‌های اول بعد از پیروزی انقلاب متمرکز کرده است.
- ۲- رژیم صدام با کشورهای مرتجع منطقه قرار داد بسته است.
- ۳- دولت موقت لیسرال هیچ‌شک و شبهه - ای نداشته که این پیمان‌ها علیه ایران است و مترصد پیامدهای آن‌هم بوده است.
- و غالب این‌هاست که درباره این مسائل



نسلهای متفاوت ما مویخته‌اند که دوش به دوش یکدیگر، در سنگر دفاع از انقلاب و میهن انقلابی‌شان، با تجاوزات غدارانه و وحشیانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و ایادیش بچنگند.

خود به صراحت می‌نویسد:  
"... محورهای سوم و چهارمی که دولت انقلاب اسلامی در ایران تعقیب میکرد، برخورد قاطع نظامی در غرب و جنوب با تجاوزات و توطئه عراق بود. این برنامه مناسبانه آنطور که می‌باید صورت نگرفت." (۱۷ خرداد ۱۳۵۸ - کیهان)  
چرا دولت موقت با متجاوزان صدامی برخورد قاطع نظامی نکرد؟ دکتر یزدی جواب می‌دهد:

"... به علت درهم ریختگی عظیم و وسیعی که بعد از انقلاب در تمامی ارگان‌های مختلف کشور به وجود آمده بود." (همانجا)  
وزیر خارجه دولت موقت در پایان نوشته خود از "افتخارات" دولت موقت یکی هم این امر را می‌داند که: "مانع درگیری زودرس و وسیع ایران با عراق شد." (همانجا)  
عجبا! وزیر خارجه دولت موقت، که علاوه بر اعترافات یاد شده، می‌دانست که: "عراق تنها عمل نمی‌کرد، آمریکا‌ئی‌ها و صهیونیست‌ها در کنار او بودند. عراق عامل اجرای برنامه‌ها و طرح‌های آنها بوده است." (۱۷ خرداد ۱۳۵۸ - کیهان)

باین بهانه که: "ما قادر نبودیم برای مقابله نظامی در کردستان و خوزستان علیه عراق عمل کنیم" (همانجا)، نه تنها در برابر تجاوزات مکرر صدامیان (که روزنامه‌های آن دوران هر روز از آن خبر می‌دادند) سکوت کرد بلکه به لاپوشانی واقعیتهای که خود بر آن واقف بود و حتی مترصد آن بود، پرداخت و چنان تبلیغ کرد که گویا اصلاح‌طلبی به نام تجاوز رژیم صدام وجود ندارد. دکتر یزدی روز ۲۵ تیر ۱۳۵۸، پس از ملاقات با سفیر جدید عراق در ایران گفت:

"... به قول و حسن نیت مقامات عراقی اعتماد داریم... دولت عراق در خاک خود مانورهائی دارد و... برخی از سرزمین‌های مرزی خود را به باران می‌کند... در این شرایط امکان دارد کاشتاها برخی از نواحی مرزی ایران نیز مورد اصابت بمب عراق قرار گیرد. در گذشته که چنین اتفاقی افتاد، دولت عراق رسماً و کتبا ضمن پوزش خواهی اعلام کرد که این واقعه به سهو رخ داده است و آمادگی خود را

نیز برای جبران خسارت اعلام کرد." (کیهان)  
واقعا معلوم نیست که این سخنان را دکتر یزدی در مقام وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفته، یا وزیر دفاع رژیم صدام؟!  
ولایت بخاطر همین موضع دوستانه (!) - صدام بود که دکتر یزدی او را به ایران دعوت کرد:

"آشویتد پیرس از کویت گزارش داد که وزیر خارجه ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی القبس، که امروز منتشر شد، گفت صدام حسین رئیس‌جمهور عراق را به ایران دعوت کرده است... یزدی گفت من گفت وگویی صادقانه و مستقیمی با پرزیدنت حسین درباره مسائل موجود ایران و عراق داشتم، من از وی دعوت کردم به ایران بیاید و نتایج انقلاب ایران را شخصاً مشاهده کند." (۱۵ شهریور ۱۳۵۸ - کیهان)

وزیر خارجه دولت موقت، روز ۱۱ شهریور ۵۸، در هوانا با صدام، دیدار کرد و در یک دیدار خصوصی، که لایحه آنهم پروتکل ندارد، با صدام به گفت و گو نشست. گفت و گوئی که آنرا "رضایت بخش... و سازنده خواند." (۱۱ شهریور ۱۳۵۸ - کیهان)  
البته صدام جنایتکار برای ادامه این "مذاکرات سازنده" به ایران نیامد، ولی با فرصتی که ابتدا دولت موقت و سپس دولت شورای انقلاب، که اکثریت وزرا و اعضای آن لیسرال بودند، به او دادند، وقت کافی برای تجهیز بیشتر ارتش، عراق و آماده کردن مزدوران صدامی برای حمله به ایران به دست آورد.

در همان حال که دولت موقت در صدد فروش هواپیماهای اف - ۱۶ (یعنی همان هواپیماهایی که بعداً حملات هوایی صدام را سد کرد) به آمریکا بود، رژیم صدام، که می - دانست بعد از تجاوز به ایران نباید با سلحه شوروی امید داشته باشد، به تجهیز خود توسط کشورهای سرمایه‌داری پرداخت. در همین حال هم آمریکا بندر عقبه را با صرف چند میلیون دلار آماده کرد، تا از آن طریق به صدام اسلحه برساند.

و آنگاه... درست سربزنگاه، در حالی که متأسفانه بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی ایران به هشدارهای مکرر نیروهای انقلابی توجه نکردند و در نتیجه نیروهای نظامی ایران

اشغال دشمن درآمد. اما همینکه پاسداران، پرسنل ارتش و نیروهای مردمی به جبهه - ها سرازیر شدند، از مقاومت خلق سنگری بر پا شد که ابتدا دشمن را در پشت سیلابهای خون متوقف کرد و سپس راندن او را آغاز نمود.

## چرا رژیم صدام به ایران تجاوز کرد؟

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا از برای گریختن رژیم صدام به حمله به ایران انقلابی دوهدف را به موازات هم دنبال می‌کرد:

### ۱- زدن ضربه نهایی به انقلاب ایران

امپریالیست‌های آمریکایی که بعد از تبادل نظر با مهره‌های رسوای شاه‌ملعون، از قبیل پالیز - بان و اوپسی، به این نتیجه رسیدند که ایران قادر به دفاع نیست، قصد داشتند به طور "برقی آسا" خوزستان و بخشی از کردستان را به اصطلاح "آزاد" کنند. بر اساس این نقشه شوم، که خود قسمتی از "طرح لوئیز" برای تجزیه ایران است، قرار بود بعد از اعلام "ایران آزاد" و پشتیبانی امپریالیسم و کشور - های مرتجع منطقه از آن، "ایران آزاد" گذاشتی سربلای شود برای "آزاد کردن بقیه نقاط و نابود کردن انقلاب ایران. وقتی مقاومت دلیرانه خلق این نقشه را با شکست مواجه کرد، تجاوز صدامیان به آلت عمده فشار برای تضعیف انقلاب تبدیل شد، تا از آن رهگذر خلق مجبور به تسلیم شود و "دولت میانه‌رو" روی کار بیاید. بعد از شکست این نقشه هم امپریالیست‌ها جنگ را به عامل فرسایش انقلاب تبدیل کردند و اجرای این بخش از نقشه شوم آمریکایی اکنون ادامه دارد.

### ۲- تیره کردن روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی

رژیم بغداد در سالهایی که هنوز سیاست ضد امپریالیستی داشت، ارتش خود را توسط سلاح شوروی مجهز کرده بود. ماهیت قلب شده رژیم بغداد، که بعد از کودتای دارودسته صدام حسین آغاز شده و روند آن هنوز تا حمله به ایران کاملاً پایان نیافته بود، هنوز این توهم را در ذهن توده‌های منطقه باقی گذاشته بود که رژیم عراق دوست شوروی و کشورهای



این خلق ایران است که علیه تجاوز آمریکائی صدام می‌رزمند. زن و مرد، کودک و پیر، جان بر سر دست گرفته، یک سال است با خون خویشتن راه دشمن را سد کرده‌اند. عکس از آلفرد یعقوب زاده (از کتاب جنگ)

سوسیالیستی است و به این ترتیب در جبهه انقلاب جهانی قرار دارد. این گمان به ویژه در نزد مردم ایران بسیار نیرومند بود. در نتیجه وقتی که چنین رژیمی به ایران حمله می - کرد، زمینه این تبلیغ سوء وجود داشت که بقیه در صفحه ۱۳

آمادگی لازم راندا شدند، ششمین توطئه آمریکا در قالب حمله به ایران شکل گرفت. نیروهای غافلگیر شده ایران نتوانستند تجاوز را بلافاصله دفع کنند و تا نیروهای مردمی و پاسداران خود را به جبهه‌ها برسانند، قصر شیرین و خونین شهر و بخشی از آبادان به

# نظری به روستاها و زندگی رقت بار دهقانان

جامعه روستائی ایران در طول سالها ناز، جلودار فقر و محرومیت، ظلم و ستم و انواع نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی بوده است. علت اصلی این نابرابریها و نابسامانیهای موجود در جامعه روستائی ایران را باید در نظامات گوناگون و منسوخ شده است، که هر یک به نوبه خود، مدت زمان مدیدی مسلط و حاکم بر جامعه بودند. در ایران سه دهه پیشین نیز، رژیم کاهنسالار امپریالیسم آمریکا بر جان و مال مردم گمارده شد، و برانگیزی شئون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور از جمله در روستاها را آتین خود ساخت.

رژیم طاغوتی و مغرور پهلوی، جهت پیروی از "دروازه های تمدن بزرگ" و نیز انجام "ماوریت برای وطن" (درواقع برای وطن اصلی آمریکا)، دمی از سیاست غارت و به تاهی کشاندن روستاهای کشور روی بر نفاق و همواره سعی نمود "رهنمسود" های اربابان امپریالیست و غارت پیشه خویش را بگاورد.

اینک، در دوران تعمیق و پیشرفت انقلاب، که می خواهیم اوضاع کلی روستاهای میهنمان را در یک نمونه معین، یعنی روستاهای اطراف شهرستان مهاباد، مورد بررسی و پژوهش قرار دهیم. جای پای این سیاست های موم و ضد انسانی را در تک تک آنها مشاهده می کنیم.

وضع اسفبار روستاهای اطراف شهرستان مهاباد تنها بیانگر گوشه ای از تالانگری ها و جناب های رژیم وابسته و ضد مردمی پیشین است.

شهرستان مهاباد با جمعیت در حدود ۲۰۰ هزار نفر در استان آذربایجان غربی واقع است. از ۲ بخش و ۷ دهستان تشکیل می شود. در اطراف مهاباد روستاهایی قرار دارند که شغل اکثر اهالی آنها کشاورزی و دامپروری است. زبان روستائی همدوش با مردان در امر کشت و دامپروری شرکت فعال دارند. بصورت کار در کشتزارها و پرورش دام، زنان نقش چشمگیری در تولید صنایع دستی ندارند. معیشت در اوقات محدود فراغت به قالیبافی و دوک ریزی می پردازند.

اکثر ساکنین کرد روستاهای این منطقه سردسیر و کوهستانی را همچون خیراوا، قلعه جوغه، ده منصور، حاجی لک، ساری قامیش، کوخان، سرهولان، بنگوین، دول بهار، محمود آوا، سلوک، سرطان، لاجین، تالو، قم قلعه و... دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل می دهند، که گذشته از "ستم ملی" که بر آنها رفته است، سالیان سال تحت استثمار و ظلم بزرگ مالکان و فئودالها قرار داشته اند.

حماسه آفرینیها و مبارزات این دهقانان زحمتکش جهت واژگونی رژیم جنایتکار سابق و پیروزی انقلاب و تعمیق آن و نیز مقابله با توطئه های گروهکها و باندهای ضد انقلاب و تجاوز آمریکائی رژیم صدام، چه در جنبه و چه در پشت جبهه، فراموش ناشدنی است.

با این همه، استثمار، جنایات و ستمگری های بزرگ مالکان و فئودالها هنوز که هنوز است گریبانگیر این زحمتکشان روستاست. آنها انتظار ندارند که بعد از انقلاب نیز مشتی زانو صفت و جنایتکار بنام بزرگ مالک و فئودال تمام شریان های زندگانی آنها را در دست داشته باشند و جوان سابق آنها را برده خویش بدارند.

مثلا مالک روستای "حاجی لک" (واقع در شمال شرقی مهاباد با ۱۳۰ خانوار جمعیت) ۴۰۰ هکتار زمین و ۲ کارخانه آجر بزی دارد، ولی اکثر دهقانان این روستا بی زمین و کم زمین هستند. یا در روستای "بنگوین" واقع در ۴۵ کیلومتری غرب مهاباد، ۱۶ خانوار (۱۸۰ نفر) زندگی می کنند، که از این تعداد ۷ خانوار بی زمین هستند و بقیه (۹ خانوار) روی هم رفته ۱۵ هکتار زمین دارند در عوض، ۹ قطعه از وسیع ترین اراضی روستا

در دست سه بزرگ مالک است و آنهایی از اجاره دادن این اراضی به دهقانان خودداری می کنند.

نمونه دیگر: در روستای "کوسه کهریز" در ۲۰ کیلو متری شمال غربی مهاباد واقع است، حدود یک سوم کل اراضی آبی و دیم (۵۰۰ هکتار) در اختیار ۴ بزرگ مالک است. در این روستا از جمع ۲۰۰ خانوار، ۵۰ خانوار کم زمین و ۴۵ خانوار بی زمین هستند. البته مقداری از اراضی این روستا در دست شرکت سهامی زراعی بود که در پاییز ۱۳۵۸، بوسیله کمیونی که از جانب خود دهقانان تشکیل شد، به آنها واگذار گردید. بعد از انقلاب در حدود ۲۰ هکتار از اراضی روستا در اختیار دهقانان بی زمین قرار گرفت، ولی بعلت قلیائی بودن جنس اراضی، دهقانان نمی توانند از آنها بهره برداری کنند. برخی از اهالی روستا به کارگری در کوره یخخانه ها و یا کارگری در مزارع و یا خرید و فروش حیوانات مشغولند.

نمونه دیگر: روستای "ده منصور" ۶۰ خانوار جمعیت (۵۵۰ نفر) و ۵۰۰ هکتار اراضی مزروعی دارد که ۱۵۰ هکتار آن متعلق به مالک است. اکثر دهقانان کم زمین هستند. دهقانان بی زمین و کم زمین برای گذران زندگی خود و خانواده شان مجبورند در کوره های آجرپزی و مزارع این آن و با در شهر به کارگری تن بدهند تا قبل از انقلاب، دهقانان اجاره بها می برداختند، اما بعد از انقلاب از دادن اجاره بها خودداری کردند.

نمونه دیگر: ۳۰۰ هکتار از اراضی روستای "دارلک" (در ۱۵ کیلومتری شمال غربی مهاباد) متعلق به ۲ نفر مالک است. این روستا ۱۸۰ خانوار (۲۵۰ نفر) جمعیت دارد، که از این تعداد ۳۵ خانوار بی زمین و ۷۵ خانوار کم زمین هستند. مالکان، علاوه بر اراضی فوق، ۲۰ هکتار باغ میوه دارند. بعلت نبودن اراضی در اختیار دهقانان، بسیاری از آنها ناچارند برای درآوردن خرج خود و خانواده در کوره های آجرپزی به کارگری بپردازند.

از این نمونه ها بسیار است که متأسفانه ذکر آنها در این مقاله کوتاه نمی گنجد. اما با قاطعیت می توان بیان داشت که بزرگ مالکان

و فئودالها در اکثر این روستاها بیشترین اراضی را در اختیار خود دارند و سالها بر دهقانان زحمتکش اطراف مهاباد ظلم و ستم روا داشته اند. علت این امر از جهات مختلف قابل بررسی است. یکی از عمده ترین این جهات توطئه های پی در پی و گسترده ای است که از جانب بزرگ مالکان و فئودالها و ایادیشان با مشارکت روحانی نمایان ولیبرالها علیه قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و بویژه بندهای "ج" و "د" این قانون و اجرای آن بکار رفته و می رود.

دولت انقلاب موظف است که منافع توده های چند میلیونی روستا را در نظر گیرد و به خواست عمده آنان جامعه عمل پوشاند. خواست عمده آنان و از جمله دهقانان اطراف روستاهای مهاباد، بارها و بارها از طریق ارسال طومارها، شکایات دسته جمعی، راه پیمائی ها و تظاهرات و به انحاء گوناگون دیگر بگوش مقامات مسئول رسیده است و دیگر نیازی به توضیح اضافی ندارد که امروز این ارتش عظیم حل عمده ترین خواست خود را در گرو اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی و کوتاه کردن ایادی غارتگر بزرگ مالکان و فئودالها می داند. اما شهرستان مهاباد و روستاهای اطراف آن دارای ویژگی هایی است که حتما در صورت تحقق این امر، یعنی رفع توقف از بندهای "ج" و "د" اجرای آن را در برخی مناطق به تعویق می اندازد و یا آن را مشکل می کند.

همانطور که آگاهیم، دیربست این منطقه و دیگر مناطق اطراف آن دستخوش فعالیت های مخرب، آشوب آفرینی ها و تشنج زایی های ضد انقلاب است. بزرگ مالکان و ایادیشان، گروهک کومله، باندا قاسملو، زرگاری، سلطنت طلبان و غیره، سخت در این منطقه فعالیت و هر روز فاجعه های برای روستائیان زحمتکش می آفرینند. از سوی دیگر حل "مسئله ملی" و برقراری صلح و آرامش در این منطقه از دیگر خواسته های عمده و مهم روستائیان اطراف مهاباد است.

تمرکز بیشترین اراضی در دست بزرگ مالکان و فئودالها در روستاهای اطراف مهاباد مشکلات چندگانه ای برای روستائیان این سامان پدید آورده است. از آن جمله است

مهاجرت به شهرها و یا اشتغال در کوره های آجرپزی و دیگر موسسات. کمبود و نبود امکانات کشت، دامپروری و رفاهی در جای خود به امر مهاجرت روستا - ثیان اطراف مهاباد و با کار مزدوری آنان در کارخانه های کوره های آجرپزی اطراف یاری می کند.

برای نمونه در روستاهای سرچنار (کلب رضاخان سابق)، قره گول، فرجه سفلی، دریاس، لاجین، پیربله و دیگر روستاهای این منطقه، دهقانان احتیاج به امکانات کشت از قبیل ماشین آلات کشاورزی، سوخت، آب زراعی، کود، سموم برای دفع آفات، وام، بذر و غیره دارند.

دامپروری در روستاهای اطراف مهاباد بعلت کمبود امکانات از قبیل: نبودن دارو و دامپزشک و وجود بیماری های مختلف دامی، نبودن مرتع و غیره از رونق برخوردار نیست. برای آگاهی بهتر از وضع دامپروری در روستاهای اطراف شهرستان مهاباد و مشکلاتی که دامپروران با آن مواجه هستند گفته می شود که دامپروران روستای خیراوا واقع در ۴۵ کیلو متری شمال مهاباد را می آوریم. او می گفت:

"حتما باید بگذاریم یکی دوراس از حیوانات ما تلف شود، آنگاه وقتی حیوان مرد جگرش را در می آوریم و به شهر پیش دامپزشک می بریم تا دامپزشک از روی آن نوع مرضی که حیوان به آن دچار شده تشخیص دهد و برای ما نسخه بپیچد و یا دارو حواله دهد. ما ناچاریم برای جلوگیری از شیوع بیماریها بین احشام داروها را پنج برار قیمت اصلی بخریم تازه معلوم نیست دارو موجود باشد.

متأسفانه این مشکلات گریبانگیر دامپروری اطراف مهاباد و از جمله دامپروری روستاهای زیویه، خلیفه، رفته، سلیم ساغول، سرطان، کوثر، ملکه، سنک، قزقلا، تالو و دیگر روستاهای این منطقه است.

وظیفه دولت انقلاب و نهادهای انقلابی در این زمینه تامین کمک های موثر دامپزشکی و ارسال دارو و کنترل قیمت داروهای دامی و آموزش صحیح دامداران، واگذاری مرتع و دام واکنداری وام مورد احتیاج دامپروران برای رشد دامپروری در این روستاهاست.

از نظر امکانات اولیه معیشتی وضع روستاهای اطراف مهاباد تأسف بار است. اکثر این روستاها فاقد برق، آب لوله کشی آشامیدنی، مدرسه، حمام، درمانگاه، شرکت های تعاونی، سوخت و غیره هستند.

علاوه بعلت وجود ضد انقلاب، گرانی در این منطقه بیداد می کند. متأسفانه تعداد شرکت های تعاونی مصرف که قادرند در زمینه کاهش گرانی ازراق و مایحتاج نقش موثری عرضه کنند، از انگشتان دست تجاوز نمی کند. یا آن که شوراهای روستائی در رسیدگی به مسائل مختلف روستائیان و از جمله رسیدگی به مسئله زمین و دهقانان، نامین امکانات کشت و دامپروری و غیره نقش موثری دارند، اما در روستاهای مزبور به غیر از دو روستای قماربیه و سرطان، بطور کلی شورا وجود ندارد.

مسئله ای که اشاره بدان ضرور است، عدم همکاری لازم و دلسوزانه مقامات مسئول آن منطقه است. روستائیان اطراف مهاباد بارها از بانک کشاورزی منطقه درخواست وام جهت کشت و دامپروری کرده اند، اما متأسفانه مقامات مزبور آنچنان که شایسته است، حواست روستائیان را برآورده نکرده اند.

شرح کوتاه فوق از نحوه زندگی و کشت و کار روستائیان اطراف مهاباد، نموداری از زندگی سراسر در دور رخ این روستائیان زحمتکش و مبارز است.

از میزان درد و رنج این روستائیان زمانی کاسته می شود که مسئولین دولت انقلاب در حل مشکلات آنان و انجام خواسته های بحق شان نظیر اجرای بندهای "ج" و "د"، نامین امکانات کشت و دامپروری و رفع نیازهای اولیه معیشتی پیگیری و دلسوزی به خرج دهند.



این همکاری و مشاوره و نظر خواهی چگونه انجام خواهد شد، و آیا اصولا در غیبت سندیکاهای کارگری، کسب نظر مشورتی از کارگران میسر است؟ روشن است که شرکت چند کارگر در جلسات مربوطه نمی تواند بیانگر خواست و نظر طبقه کارگر باشد، که در صدها هزار واحد تولیدی و صنعتی کوچک و بزرگ در سراسر کشور پراکنده است.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازتاب خود را در

سندیکاها، وجود ندارد. این که با تشکیل سندیکاهای کارگری، جریانات گوناگونی از آغاز پیروزی انقلاب مخالفت داشته اند، امروزه بی نیست. اما وزارت کار و امور اجتماعی، که می خواهد وزارت کار کارگران باشد، چرا؟ برنامه وزارت کار و امور اجتماعی می خواهد بازسازی تشکیلات وزارت کار را با استفاده از نیروی کارگران بصورت همکاری و مشاوره انجام دهد، می خواهد قانون کار جدید را بنا نظر - خواهی از کارگران تدوین نماید. سؤال اینست که:

برنامه دولت باید، این برنامه ها باید به هیچ رو در مقابل با قانون اساسی جمهوری اسلامی و نادیده گرفتن بخشهایی از آن تدوین شود. تنها در این صورت است که می توان به این خواست امام خمینی پاسخ مثبت گفت که:

" شماها باید برای این ملت خدمت کنید و خودتان را خدمتکار مردم بدانید "

## برنامه...

بقیة صفحه ۲

تشکیل انجمن های صنفی (سندیکاها) و نیز انجمن های اسلامی سخن گفته است. نیمی از این اصل مهم را وزارت کار پذیرفته و نیمی دیگر رانه، انجمن های اسلامی را حمایت می کند و در مورد انجمن های صنفی ساکت می ماند. اصل ۱۰۴ را در مورد شوراهای قبول دارد، اما در سراسر برنامه سخنی هم درباره انجمن های صنفی، یعنی

# بیاد آن مجاهد نستوه...

بقیه از صفحه ۱



در طول سالهای خفقان رژیم پهلوی، که راه همه مبارزان انقلابی به شکنجهگاه‌های ساواک ختم می‌شد، آیت‌الله طالقانی هم هم‌پیمان همیشه "آقایان" بود. وقتی انقلاب با شکوه مردم ایران به رهبری امام خمینی سیل آسا به رویش بساط سلطنت پرداخت، مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی به همراه فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری از زندان آزاد شدند و در شانه‌های خلسق به خانه‌هایشان برده شدند. آیت‌الله طالقانی از همان لحظات آزادی در رهبری جنبش انقلابی ایران قرار گرفت و زیر رهبری امام خمینی با تأکید اینکه حفظ و تقویت رهبری امام خمینی شرط پیروزی انقلاب است، همراه اساتید مبارزان به سیخ و سارمانده‌ی مبارزات مردم پرداخت. او بود که در تاسوعای ۵۷، در حالیکه همه جا صحبت از قتل عام مردم توسط جلادان ناهب بود، اعلام کرد که اگر هیچکس هم نباشد، یکتنه راه سیمائی خواهد کرد، و چنین کرد، در حالیکه به دنبالش بیش از ۳ میلیون نفر دست به عظیم‌ترین تظاهرات سیاسی تاریخ ایران زدند.

بعذار پیروزی انقلاب هم، آیت‌الله طالقانی، که دارای جنان محبوبیتی در بین توده‌ها بود کدبایش از ۲ میلیون رای به عنوان وکیل اول تهران به مجلس خبرگان راه یافت. به مبارزات خود علیه توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا ادامه داد. او این مبارزه تا آخرین لحظه حیات‌وی ادامه داشت. مبارزه‌ای که برای پیروزی آن، آیت‌الله طالقانی بر دو شرط تأکید می‌کرد: اول، رهبری امام خمینی. دوم، اتحاد همه نیروهای خلق!

مجاهد نستوه، تا پایان حیات گرانقدر خویش، بر این اصول وفادار بود و "مجاهدین خلق" را هم تحت نفوذ خود، بر آن داشته بود تا سیاست سازمان را بر مبنای این دواصل استوار کنند.

وقتی آیت‌الله طالقانی چشم بر رویست، رهبری خائن "مجاهدین خلق" حالیکه در حرف خود را به عقاید آیت‌الله طالقانی وفادار نشان می‌داد، در عمل به آرمان‌های "پدر" پشت کرد. رهبری "مجاهدین خلق" چنانکه بعداً اعضای فریب خورده آن اعتراف کردند، حتی اعضا و هواداران سازمان را از خواندن مجدد نظریات آیت‌الله طالقانی باز می‌داشت. و به این ترتیب رهبری خائن مجاهدین خلق، سازمان را ابتدا قدم به قدم و سپس شتاب فراوان بجائی برده که، اگر آیت‌الله طالقانی زنده بود، بیگانه با همه نیرو علیه آن سیاست می‌رزمید.

اکنون در سالگشت وفات مجاهد نستوه، ما ضمن تقدیم تسلیت خود به مردم فهرا مان ایران به رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و به خانواده آن بزرگوار، از هواداران و اعضای "سازمان مجاهدین خلق" می‌خواهیم که باردیگر نظریات آن فقید سعید را مرور کنند، نادر یابند که چگونه برخلاف وصایای آن مرد بزرگ عمل می‌کنند و چگونه برخلاف او، که همیشه یاور انقلاب بود، به دشمن انقلاب مبدل شده‌اند.

# دوران معاصر و مبارزه بخاطر صلح (۳)

به هم گره خورده‌اند. این وضع مقتضیات تازه‌ای را در مبارزه بخاطر صلح مطرح میکند و ایجاد میکند که این مبارزه هم‌زمان در بسیاری از مناطق جهان جریان داشته باشد. مبارزه در راه صلح و امنیت خلق‌ها ایجاد میکند که در راستای حل و فصل مسالمت‌آمیز تمامی مناقشات بین المللی بدون استثنا فعالانه مبارزه شود. در مبارزه در راه صلح توجه به قاره اروپا مانند گذشته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این قاره دو اتحاد بزرگ نظامی و سیاسی بلاواسطه در مقابل هم قرار دارند و نیروهای مسلح عظیمی در این قاره متمرکز شده‌اند.

وقوع جنگ‌ها همواره با تدارکات گسترده و همه‌جانبه‌ای از پیش هم‌راست است. برای مبارزه موثر و موفقیت‌آمیز در راه جلوگیری از وقوع جنگ لازم است که محتوای این تدارکات و مکانیسم به راه انداختن جنگ جهانی و جنگ‌های منطقه‌ای و همچنین مکانیسم مداخله نظامی امپریالیستی علیه روندهای انقلابی و صدور ضدانقلاب کاملاً شناخته شده باشند.

چنانکه معلوم است شیوه‌های بر راه انداختن جنگ مستقیماً به مسائل و تجهیزات جنگی بستگی دارد. به همین علت، زمانی که دول امپریالیستی به سلاح جدیدی دست می‌یابند و یا سلاح‌های موجود را تکامل می‌بخشند باید دید که سلاح جدید چه تأثیری در مکانیسم به راه انداختن جنگ از جانب امپریالیسم دارد.

به عنوان مثال، در حال حاضر به این مطلب باید توجه شود که سیاست امپریالیستی استقرار موشک‌های میان برد و سلاح نوترونی از جانب آمریکا در سرزمین‌های کشورهای اروپایی چه خطرات عظیمی برای سرنوشت صلح دارد. علاوه بر این، تجاری که از تدارکات و به راه انداختن جنگ‌های تجاوزی به دست آمده است باید همه جانبه مورد تحلیل قرار داده شود، زیرا این تحلیل به شناخت مکانیسم تدارکات تبلیغاتی جنگ، مکانیسم عوام‌فریبی‌ها و اشاعه افسانه‌های گوناگون ضد شوروی و ضد سوسیالیستی که هدف آنها اغوا و گمراهی افکار عمومی است مساعدت خواهد کرد.

## گسترش پایگاه نیروهای اجتماعی صلح‌جو

در دوران معاصر پایگاه اجتماعی جنبش نیروهای صلح‌جو گسترش می‌یابد. نه تنها کارگران، دهقانان و قشار روشنفکر بلکه پاره‌ای از لایه‌های بورژوازی نیز با جنگ جهانی هسته‌ای به مخالفت برخاسته‌اند.

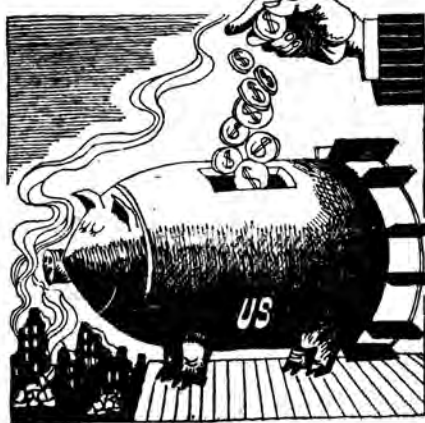
گسترش پایگاه اجتماعی جنبش هواداران صلح و پیوستن نیروها و سازمان‌های سیاسی مختلف به این جنبش ایجاد میکند که مبارزه در راه صلح سازمان یافته‌تر و با هم‌آهنگی بیشتری انجام داده شود. در دوران معاصر نفوذ نیروهای صلح‌جو در کلیه مناطق جهان گسترش می‌یابد و این امر برای نیروهای ترقیخواه جهان کامیابی چشمگیری است.

در حال حاضر مبارزه در راه صلح در جمیع جهات پیچیده‌تر می‌شود و این امر با اشکال گوناگون تضادهای آنتاگونیستی (آشتی‌ناپذیر) در سیاره ماکه موجب ایجاد درگیری‌های مسلحانه متنوعی از جانب امپریالیسم میشود، مربوط است. این وضع از تمام نیروهای صلح‌جو می‌طلبد که در ابتکارات صلح‌خواهانه و مبارزات خود از مجموعه امکانات متنوع چهار لحاظ شکل و چه از لحاظ محتوا به موقع بهره‌برداری کنند. خصلت جامع مبارزه در راه صلح در دوران معاصر قانونمندی روند تکامل مرحله‌کنونی یعنی گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را در بر می‌گیرد. از این رو، مبارزه علیه دگرترین‌های نظامی امپریالیستی، علیه میلیتاریستی کردن اقتصاد فرهنگ، علیه جنگ جهانی و همه جنگ‌های اشغالگرانه منطقه‌ای امپریالیسم، و علیه همه نیروهای تجاوزگرو ارتجاعی، شرکت فعال متنوع‌ترین نیروهای سیاسی، از جمله آن نیروهایی را که برای محور منشاء جنگ‌ها یعنی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید تمایلی ندارند ضروری سازد و با توجه به همه اشکال ممکن به راه انداختن جنگ، استفاده از ابتکارات صلح‌جویانه در کلیه حیطه‌های روابط بین‌المللی، گسترش کامیابی‌های تشددی در همه قاره‌ها و مناطق جهان، و بهره‌گیری از تمام ابتکارات صلح‌جویانه کلیه جنبش‌های ترقیخواه سیاسی برای جلوگیری از جنگ، را شامل میشود.

سوسیالیستی است که با جلوگیری از جنگ جهانی هشتمی، تمدن جامعه بشری را از خطر نابودی نجات داده‌اند. با صراحت باید گفت که اگر قدرت سوسیالیسم و سیاست خارجی صلح‌جویانه و انعطاف‌پذیر آن وجود نداشت، کشورهای سرمایه‌داری دارای سلاح‌هسته‌ای مدت‌ها بود که از این سلاح برای هدف‌های سیاسی خود استفاده میکردند. استحکام هر چه بیشتر مواضع سیستم سوسیالیسم جهانی، فعال‌تر شدن مبارزه‌هواداران صلح، تعمیق هر چه بیشتر بحران عمومی سرمایه‌داری امکان میدهند که نه تنها از جنگ جهانی هسته‌ای اجتناب شود بلکه همچنین از جنگ‌های غیر عادلانه منطقه‌ای که امپریالیسم به راه می‌اندازد جلوگیری به عمل آید.

اجتناب از جنگ جهانی هسته‌ای و جلوگیری از جنگ‌های منطقه‌ای امپریالیستی خودبه‌خود عملی نیست. برای تحقق این امر مبارزه فعالانه و پیگیر به خاطر صلح ضرورت دارد. فعالیت در زمینه جلوگیری از جنگ، مبارزه با سیاست مستلزم کوشش فراوان و حساسیت و کاردانی سیاسی است. این مبارزه که به خاطر صلح و در راه تأمین امنیت خلق‌ها انجام میشود در دوران معاصر دارای خصائل ویژه‌ای است.

خطر جنگ در حال حاضر نه تنها از ناحیه امپریالیسم که منشاء جنگ‌هاست بلکه همچنین از جانب رهبری پکن نشأت می‌گیرد. به همین علت بدون مبارزه علیه خط مشی میلیتاریستی پکن نمی‌توان مسائل مربوط به تأمین صلح را در دهه هشتاد حل و فصل نمود. وجود دو منبع خطر وقوع جنگ، مسئله جلوگیری از جنگ جهانی هسته‌ای و نیز جنگ‌های غیر عادلانه منطقه‌ای در نواحی مختلف جهان را از جهات بسیاری بصورت نوینی مطرح میکند. اتحاد امپریالیسم و ماوتسینگ احتمال اقدام



به ماجرا حوثی‌های جنگی از جانب آنها را می‌افزاید. منافع صلح و ترقی ایجاد میکند که هم‌زمان در دو جنبه در راه صلح مبارزه شود و این امر از ویژگی‌های دوران معاصر است. این وضع از نیروهای صلح‌جو می‌طلبد که در مبارزه انعطاف‌پذیر باشند، اشکال و شیوه‌های مبارزه را با خصوصیات فعالیت ارتجاع تطبیق دهند و به ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و ویژگی‌های نظامی آن آگاهی داشته باشند. وجود این دو کانون خطر جنگ ایجاد میکند که تمامی نیروهای صلح در تمام مناطق جهان علیه جنگ‌افروزان فعالیت‌های مشخصی را انجام دهند. همه مبارزان راه صلح در تشریک مساعی خود علیه امپریالیسم و برتری‌طلبان پکن باید علاوه بر اشکال حاضر مبارزه اشکال ویژه خود را نیز بیکار نبندند.

آزمون‌های تاریخی جنگ جهانی دوم از جمله گواهی بر آن است که نیروهای تجاوزکار چنانکه از جانب محافل سیاسی پشتیبانی و ترغیب شوند، آسانتر میتوانند آتش جنگ را برافروزند. به همین علت مبارزه در راه صلح میتواند کارآتر باشد هرگاه، نه تنها علیه جنگ‌افروزان، بلکه همچنین علیه محافل که در لباس "منادیان صلح" آنانرا تشویق میکنند، اصول انترناسیونالیستی را نقض و احساسات ملی‌گرائی را جان‌نشین آن میکنند. افزایش و گسترش کانون‌های تشدید تشنجات بین‌المللی که در آنها مقادیر فراوانی تسلیحات انباشته شده است برای وقوع جنگ جهانی هسته‌ای منع خطر بزرگی را تشکیل می‌دهد. پاره‌ای از این کانون‌ها میتواند به کانون جنگ جهانی تبدیل شوند. اگر در آستانه جنگ جهانی اول تنها در اروپا کانون خطر جنگ جهانی وجود داشت و در آستانه جنگ جهانی دوم دو کانون خطر جنگ وجود داشت، در حال حاضر کانون‌های خطر فوق‌العاده بیشتری وجود دارد که برخی از آنها میتوانند موجب وقوع جنگ جهانی گردد. در هر یک از این کانون‌های خطر جنگ منافع بسیاری از کشورهای آن جمله قدرت‌های بزرگ

دوران معاصر، دوران تشدید مبارزه به خاطر صلح، براندازی کانون‌های جنگ، مهار کردن نیروهای جنگ طلب، جلوگیری از تجاوز کشورهای سرمایه‌داری علیه جهان سوسیالیسم و دیگر گردان‌های انقلابی جهان، جلوگیری از جنگ هسته‌ای جهانی و در نهایت حذف جنگ از زندگی خلق‌های جهان. پیدایش انواع سلاح‌ها کیفیت نو، گسترش و تعمیق تضاد عمده دوران معاصر، تلاش‌های امپریالیسم برای حل سرنوشت پیکار دو سیستم اجتماعی موجود در جهان با نیروی اسلحه، موجب آن گردیده که جلوگیری از جنگ هسته‌ای به نحوی قانونمند به مهمترین مشکل دوران معاصر تبدیل شود. زیرا که موجودیت خود بشریت و سرنوشت تکامل آتی تمدن بشری به طور کلی مستقیماً به حل این مشکل وابسته است. مسئله بدین شکل مطرح است: جنگ هسته‌ای میان دو سیستم اجتماعی موجود روی خواهد داد یا نه؟ تضاد عمده دوران معاصر به چه شکلی حل خواهد شد. از راه جنگ جهانی هسته‌ای یا همزیستی مسالمت‌آمیز؟ تنها صلح پایدار و همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای دارای نظام اجتماعی متفاوت میتواند در برابر ساکنان کره ارضای حقوق‌های روشن آینده را بگشاید و امکان دهد که گذار بشریت از نظام سرمایه‌داری به نظام سوسیالیستی و ساختن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی تحقق یابد و مسائل عام آینده بشریت حل و فصل شود. و به همین علت است که مبارزه در راه اجتناب از جنگ جهانی هسته‌ای سمت عمده استراتژی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگر در کشورهای سرمایه‌داری و تمامی نیروهای سیاسی ترقیخواه را تشکیل میدهد. روشن است که مالکیت خصوصی و روابط اقتصادی استثمارگرانه منبع وقوع جنگ هستند. اما عوامل اقتصادی خود به خود ناگزیر موجب وقوع جنگ نمی‌شوند. بدین ترتیب از جنگ با وجود مالکیت خصوصی در نظام‌های سیستم سرمایه‌داری میتوان احتراز کرد. مطلب بر سر آن است که در مسائل وقوع جنگ و یا اجتناب از آن عوامل ذهنی از آنجمله عوامل سیاسی نقش موثری دارند. بر پایه روابط اقتصادی، مکانیسم سیاسی تدارک جنگ و اقدام به آن عمل میکند. بر پایه منافع اقتصادی و خواست‌های طبقات استثمارگر، هدف‌های سیاسی آنان، یعنی هدف‌های سیاسی طبقات استثمارگر شکل می‌گیرد. این طبقات برای دستیابی به منافع و خواست‌های اقتصادی خود الزاماً کشور را در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و نظامی برای جنگ آماده میکنند. این اقدام را نمیتوان تنها با نیروهای طبقات استثمارگر برای تدارکات جنگ‌های تجاوزی و اشغالگرانه انجام داد. لازم است که از دیگر طبقات و اقشار اجتماعی که سعی دارند از جنگ‌های غیر عادلانه اجتناب شود، یاری گرفته شود در عین حال در عرصه جهانی مبارزه به خاطر صلح جریان دارد. مبارزه علیه نیروهای جنگ طلب و ارتجاع در جنبه‌های دورنی و بیرونی میتواند نیروهای تجاوزگر را ناگزیر کند که از جنگ به عنوان وسیله اعمال سیاست برای همیشه و یا در دوران عینی اجتناب ورزند.

جلوگیری از جنگ جهانی از جهات بسیاری به تناسب نیرو میان نیروهای هوادار صلح و نیروهای جنگ طلب بستگی دارد. در آستانه جنگ دوم جهانی در شرایطی که یگانگی کشور سوسیالیستی در جهان در محاصره جهان سرمایه‌داری بود، تضمین پایدار ماندن صلح دشوار بود. در آن زمان تناسب نیرو میان نیروهای جنگ طلب و نیروهای صلح‌جو برابر نبود و این تناسب به نفع نیروهای جنگ طلب بود. در حال حاضر این وضع بطور بنیادی دگرگون شده است. احزاب مارکسیستی - لنینیستی با تحلیل همه جانبه محتوای دوران کنونی به این نتیجه‌گیری جبری جنگ وجود ندارد. حتی با ادامه وجود منبع جنگ یعنی سیستم سرمایه‌داری در شرایط تناسب کنونی نیروها در عرصه جهانی، رشد و توسعه توانائی کشورهای جامعه سوسیالیستی و وحدت روزافزون تمامی نیروهای ترقیخواه و هواداران صلح، افزایش نفوذ کشورهایی که علیه امپریالیسم مبارزه میکنند امکان عینی برای حذف جنگ از حیات جامعه بشری وجود دارد.

متجاوز از ۳۶ سال است که بشریت فارغ از جنگ جهانی به سر می‌برد. این واقعیت از عظیم‌ترین خدمات اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها...

هفته گذشته بدنبال شهادت آقای محمدعلی رجائی رئیس‌جمهور و آقای دکتر جواد باهنر نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران و دو تن از همکاران آنها، احزاب، گروه‌ها، سازمان‌ها و جمعیت‌های سیاسی، این جنایت وحشیانه، عمال امپریالیسم آمریکا را محکوم کردند. "اتحاد مردم" تا آنجا که به این اعلامیه‌ها دسترسی داشته، آنها را از نظر خوانندگان گرامی می‌گذراند:

جامعه روحانیت مبارز تهران:

جنایت‌یادی خون‌آشام  
امپریالیسم جهان‌خوار

دربخشی از اعلامیه "جامعه روحانیت مبارز تهران" آمده است: "یادی خون‌آشام امپریالیسم جهان‌خوار، رئیس‌جمهور مکتبی و منتخب مردم، نخست‌وزیر محبوب و متعهد را از ما گرفت. جامعه روحانیت مبارز تهران تردید ندارد که این بار نیز ملت قهرمان ما با شکیبایی و صلابتی که از امام امت فرا گرفته است، با حضور فعال در صحنه شکست‌ناپذیری خود را به ثبوت رسانیده و دشمن را در تمام چهره‌ها و مواضع رسوا و مایوس خواهد نمود."

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

ستون پنجم آمریکا را شناسایی کنید

دربخشی از پیام "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" آمده است: "انقلاب اسلامی ما که هدفش استقرار عدل و قسط اسلامی و پیاده شدن احکام آسمانی قرآن است، بزرگترین لطمه را بر امپریالیسم جهان‌خوار صهیونیسم بین‌المللی وارد آورده... طبیعی است امپریالیسم صهیونیسم جهانی تمام نیروی شیطانی خود را در مقابل با آن به کار خواهند گرفت... ملت ما از نیروهای انتظامی انتظار دارد که در حفاظت مسئولین و شخصیت‌های اسلامی با درایت بیشتر عمل نموده و با قیام‌نده‌پوسیده و ستون پنجم آمریکا را شناسایی و به دادگاه‌های انقلاب تسلیم سازند."

حزب جمهوری اسلامی:

نبرد ایران و آمریکا

وارد مرحله تازه‌ای شده است.

دربخشی از اعلامیه "حزب جمهوری اسلامی" آمده است:

"امپریالیسم آمریکا با سقوط بنی‌صدر تمام رویاهای طرابلسی خویش را نقش بر آب می‌بیند و اینک بعنوان انتقام از ملتی که علیه استکبار جهانی قیام کرده است، تمام کوشش و تلاش خود را صرف مبارزه‌ای بی‌مان‌بان نظام جمهوری اسلامی ایران نموده است. ما همان‌طور که اعلام کرده‌ایم، نبرد ایران و آمریکا کاملاً وارد مرحله جدیدی شده است و الزاماً ملت قهرمان و بیدار ما باید هوشیاری خود را در تمام زمینه‌ها و در همه جبهه‌ها کاملاً بکار گیرد و توجه داشته باشد که همان‌گونه که امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی فرمودند: این توطئه‌ها نمی‌تواند در اراده تاریخ سازامت کوچکترین خللی وارد آورد و با حضور گسترده توده‌های میلیونی در صحنه مبارزه آخرین ریشه‌های فساد توطئه نیز قطع خواهد شد."

وزارت امور خارجه  
جمهوری اسلامی ایران:

آمریکا باید بدانند  
رستاخیز واقعی فرارسیده

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دربخشی از اعلامیه خود به این مناسبت آورده است:

"امپریالیسم جنا پیکار آمریکا با ردیگر چنگالهای خون‌آشام خود را به خون دوانسان صالح‌دوانسان انقلابی از یک میلیاردمسلمان جهان آلود و آمریکا برای آنکه بتواند این جنایت هولناک را انجام دهد، مقدمه‌ای را با تبلیغات خود به همراه صهیونیسم فراهم آورده بود. ملت‌های جهان باید از خود بپرسند که آیا این اتفاقی است که یک باره مسئله ایران توسط سران آژانس یهود مسئله روز آمریکا می‌شود؟ مسلماً این جنایت در عزم ملت ما برای نبرد با آمریکا و نبرد با صهیونیسم اثر نخواهد داشت و اراده ملت ما را در این مبارزه سرنوشت‌ساز محکم تر خواهد ساخت... آمریکا باید بدانند که رستاخیز واقعی فرارسیده و گسترش روزافزون پیام انقلاب اسلامی می‌رود تا یک میلیاردمشیریت مظلوم مسلمان را بر علیه منافع امپریالیسم در سراسر جهان بسیج نماید... نمایندگان‌های جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان به نشانه استمرار این انقلاب به جای نیمه‌فراشته کردن پرچمها، پرچم سرخ شهادت برخواهند افراخت. ما خوب میدانیم که معنای این حرکت ما را نه صهیونیست‌ها و نه حقوق‌بشری‌های خواب‌آلوده، بلکه تنها میلیاردها خلق مستضعف جهان بخوبی خواهند فهمید ما متعجب نخواهیم شد کسانی که تحت عنوان دفاع از حقوق بشریت جانیانی چون رجوی‌ها، بنی‌صدرها و دزدان دریایی را با آغوش باز می‌پذیرند، سعی کنند جنایات آمریکا و نوکران آن همچنان پوشیده بمانند ولی وجدان‌های پاک بشری روز به روز عمق توطئه‌های گسترده استکبار جهانی را بر علیه خودشان بیشتر احساس خواهند کرد و این مقدمه‌نا بودی امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین‌المللی است."

جنبش مسلمانان مبارز ایران:

توطئه براندازی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا

جنبش مسلمانان مبارز ایران در اعلامیه خود از جمله گفته است: "بار دیگر در روزیکشنبه به دنبال سلسله توطئه‌های براندازی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و جبهه متحدان انقلاب دو نفر دیگر از مقامات مملکتی، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر کشور، به شهادت رسیدند. این جنایت در تعقیب سلسله ترورها و انفجاراتی صورت می‌گیرد که هدفشان، متزلزل کردن روحیه، گسستن زنجیر وحدت‌شکستن سد مقاومت و اعتماد به نفس ملتی است که برای آزادی خود تا کنون دهها هزار شهید در راه خدا تقدیم

کرده، و آماده هر نوع فداکاری است هیئات که دشمنان قسم خورده بتوانند با این اقدامات مذبح‌خانه اراده آهنین ملت مسلمان و دلیر را ضعیف سازند، یا در تصمیمشان به ادا نامه نبرد حق‌طلبانه تا پیروزی نهایی، یعنی نابودی قطعی امپریالیست‌ها و تفوق کامل مستضعفان خللی وارد آورند... امروز دست زدن به هر عملی که بروح و یکپارچگی صفوف مردم لطمه وارد آورد یا آنها را از حضور فعال در صحنه و انجام وظایف انقلابی و میهنی و اسلامیشان باز دارد، خیانت به انقلاب و مردم و دشمنی با خداست. همچنانکه بارها تاکید کرده‌ایم، یکدلی و اتحاد مردم تحت رهبری امام خمینی، در مبارزه با دشمنان خلق و دفاع از کبنا انقلاب و اسلام، ضامن بقا و دوام انقلاب و شکست توطئه‌های دشمن است."

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران:

باطمینان قاطع به پیروزی انقلاب

زنان و مادران ایران، فاجعه‌ای بزرگ، مصیبتی سترگ بر ملت ایران وارد آمده است. رئیس‌جمهور محبوب رجائی و نخست‌وزیر عزیز با هنر هردو در راه ملت و جمهوری اسلامی ایران شهید شدند. ملتی عزادار و همه‌زنان و مادران داغ‌دار شده‌اند. عزادار این شرد بزرگ علیه امپریالیسم آمریکا بصورت گریه و شیون نیست، بلکه همه بانیروشی بیشتر، آگاهی عمیق‌تر، آماده پاسداری از انقلاب و مبارزه با دشمن خونخوار هستند.

مرگ دلخراش عزیزان به دست نابکاران عمق مبارزه را نام‌یا نتر ساخته و وظایفی که در این نبرد بر عهده مردم است، روشن تر می‌سازد. دیگر مادران گریه را از یاد برده‌اند. مگر می‌توان با اشک جای خالی این رادمردان را پر کرد؟ مگر ممکن است بازاری مرهم بر درد - ها گذاشت؟ نه، هرگز نه!

خاطره همیشه زنده آنها از ما چیز دیگری خواهد بود. دست آرام گرفته آنها راه پرشکوه مبارزه را به ما نشان می‌دهد.

امروز وظیفه بسیار بزرگی داریم. ما باید در هر جا که هستیم گوشه‌ای از کار را بگیریم. ما باید شب و روز با همه جان و دل از انقلاب پاسداری کنیم، ما آرامش و آسایش را باید بر خود حرام کنیم.

زنان ایران اگشته داده‌اید آسیب خورده‌اید، دل‌هایتان به درد آمده، اما ایستاده‌اید پرشکوه و نیرومند، به خود هراس و ضعف راه نداده‌اید. مادر هستید به تمام معنای واقعی این کلمه و این مقام ارجمند.

ما همه از جان و دل از صمیم قلب به امام امت، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تسلیم گفته و خود را برای انجام هر وظیفه آماده اعلام می‌کنیم. و از همه زنان دعوت می‌کنیم که با هشیاری بیشتر در تشکیلات انقلاب شکوهمند کوشا بوده و نگذارند دشمن در هیچ زمینه و در هیچ جا کوچکترین موقعیتی بدست آورد. در درامیدل به نیرو، اشک را به هشیاری و ماتم را به ایستادگی بسازید.

با اطمینان قاطع به پیروزی انقلاب.

شورای کارکنان برق منطقه‌ای

تهران بخش نارمک:

بسمه تعالی  
با ردیگر امپریالیسم جنا پیکار جهانی به سرکردگی آمریکا در استان آلوده‌اش را با خون هموطنان ما رنگین کرد و رئیس‌جمهور منتخب مردم ایران و نخست‌وزیر دولت

انقلابی را به فجیع‌ترین وضع به شهادت رسانید. آمریکا این سردهسته تروریسم بین‌المللی کوردلان می‌پندارد که با توسل به شیوه‌های ترور و ایجاد رعب خواهد توانست با ردیگر سلطه شوم خود را بر میهن انقلابی و توده‌های جان‌برکف و وطن‌مان بگستراند، و چندصباحی دیگر با مکیدن خون هم‌میهنان ما به حیات ننگین خویش ادامه دهد.

غافل از این که چرخ‌های انقلاب ما هر چه محکم‌تر و قاطعانه‌تر از پیش بچلخول خواهد شتافت و خوان یغمای همه غارتگران را برخواهد چید. شورای کارکنان برق نارمک این شیوه‌های ردیلانسه تروریسم کور را محکوم کرده و از کلیه همکاران تقاضا دارد با هشیاری مواظب توطئه‌های امپریالیسم و ایادی داخلی آن باشند.

اطلاعیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران:

بمب‌گذاری جنایتکارانه در نخست وزیری را به شدت محکوم می‌کنیم. و شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

هم‌میهنان گرامی!

هنگامی که اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، حاوی "تحلیلی از اوضاع کشور" چاپ شده بود، با کمال تأسف و تأثر از فاجعه بمب‌گذاری در نخست‌وزیری و شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر اطلاع یافتیم.

بمب‌گذاری جنایتکارانه در نخست‌وزیری، که منجر به شهادت آقای محمدعلی رجائی رئیس‌جمهور و آقای دکتر محمد جواد باهنر نخست‌وزیر گردید، امپریالیسم آمریکا و تقاله‌هایش در توطئه شوم خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فاجعه تازه‌ای آفریدند. این جنایت فجیع با ردیگر این حقیقت را به ثبوت می‌رساند که سرکرده امپریالیسم جهانی با انقلاب ایران آشتی‌ناپذیر است و از جنگ تجا و زکارانه تا تروریسم کور، تمام نیروی جهنمی خود را به کار برده و می‌برد تا انقلاب ضد-امپریالیستی و مردمی ایران را در هم شکند. امپریالیسم آمریکا، همراه با این جنایت‌ها، می‌کوشد به وسیله اعمال ناشناخته‌اش در تمام نهادهای دولتی و انقلابی، با طرح مسائل فرعی، انحرافی و تفرقه‌افکنانه، با نفاق افکنی میان نیروهای انقلابی، با تراشیدن دشمنان با موهوم، با منحرف ساختن مردم از مبارزه بر ضد شیطان بزرگ - آمریکا، دشمن اصلی مردم و انقلاب ایران، جبهه انقلاب را تضعیف و سپس سرکوب کند.

این جنایت فجیع با ردیگر می‌آموزد که در برابر توطئه‌های دشمن اصلی مردم ایران و خلق‌های سراسر جهان - امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی آمریکا - می‌باید بر هشیاری فزود و تداوم جدی‌تری برای حفظ جان مسئولان کشور و امنیت نهادهای دولتی و انقلابی اتخاذ کرد، می‌باید با تفرقه‌افکنی میان نیروهای انقلابی به هر شکل و در هر لباس که در آید، قاطعانه مبارزه کرده، می‌باید از اتحاد نیروهای انقلابی را، صرف‌نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی، برای دفاع قاطع تر و موثرتر از انقلاب تحقق بخشید، زیرا فقط در این صورت است که می‌توان امپریالیسم جنایتکار آمریکا و تقاله‌هایش را به زانو در آورد. حزب توده ایران بمب‌گذاری جنایتکارانه در نخست‌وزیری را به بقیه در صفحه ۸

### احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها...

### سی و ششمین سال تأسیس حزب دموکرات کردستان ایران

— های ما چرا جوجزو وظایف عمده ما قرار می‌گیرند .  
 درسی و ششمین سالگرد حزب، دوش بدوش مدافعین را ستین انقلاب سعی کنیم کردستان را از نقطه امید صدا انقلاب، از حلقه ضعیف انقلاب و از پایگاه کلیه تیرو- های واپسگرا به پایگاه انقلاب به دژ راستین انقلابیون ایران مبدل سازیم .

\* \* \*

در اعلامیه دیگری که این حزب در باره عمل پیروزمندان مشترک نیروهای مدافع انقلاب در کردستان در سوم شهریور ۶۰ انتشار داد می- خوانیم:

"سلطنت طلبان و شاپوربختیاری - ها به رهبری آریانا نوکر سر- سپرده امپریالیسم، ما ثوئیست‌ها، فتودال‌های ترک و کرد مرزترکیه و باندوا بسته و مزدور قاسملو و سایر ضد انقلابیون اخیرا دست به اقدامات نازهای به منظور تصرف بخشی از نوار مرزی در منطقه سلما سزده اند تا از این طریق امیال پلید خود را تحقق بخشند. از آن جاشی که پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) در این منطقه سدها امیال پلید اینان بودند به تاریخ ۶۰/۵/۲۴ مورد حمله وسیع و ناخواستمدانه، ضد انقلاب به رهبری باند قاسملو قرار گرفته که در نتیجه ۱۳ نفر از اعضا و هواداران ما را می‌ربایند و یکی از مسئولین به نام ملا رضا را به طرز فجیعی به شهادت می‌رسانند. در مقابل پیشمرگان ما برای دفاع از خود دست به مقاومت می‌زنند و ۸ تن از مهاجمین را به هلاکت می- رسانند. در گرما گرم درگیری برادران پاسدار و سرباز به یاری پیشمرگان ما شتافته و با عمل مشترک در یک درگیری شدید تیرو- های ضد انقلاب را تا روم و متواری می‌سازند.

شکست و فرار نیروهای ضد- انقلابی در چند روز اخیر از روستا- های بین سلما س و سوما و شپیران با استقبال پرشوراها لای روستا های اطراف سلما س و سوما مواجه گردید." سپس اعلامیه می‌افزاید:  
 "ما اقدام مشترک اخیر را که در آن پیشمرگ و پاسدار و سرباز دوشادوش هم در تار و مار کوردن باندهای وابسته و ضد انقلاب و برای حفظ موجودیت انقلاب و جمهوری اسلامی جانبازی می‌کنند، آغا فضل نویسی در تحکیم اعتماد متقابل نیروهای مدافع انقلاب و همکاری عملی آنها به شما آورده و انتظار داریم بین همکاران ما که در یک مورد، بلکه در کلیه موارد بیش از پیش ادا ما و گسترش یابد."

کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران پیروکنگره چهارم به مناسبت سی و ششمین سالگرد تأسیس آن حزب (۲۵ مرداد ۱۳۲۴) طی اعلامیه‌ای از همه هموطنان و مردم مبارز کردستان دعوت نموده است که "برای دفاع از میهن انقلابی مبارزه با امپریالیسم، ارتجاع و ضد انقلاب را تشدید کنیم!"

اعلامیه ضمن اشاره به تاریخ تأسیس این حزب و ضربات سنگینی که ارتجاع و امپریالیسم به دست محمد رضای ملعون در یورش سرکوبگرانه ۱۳۲۵ و کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به آن وارد نمود و منجر به کشتار بیرحمانه رهبران و اعضای حزب شد یاد آور می‌شود که "پیروزی انقلاب مردمی ۲۲ بهمن ۵۷... سبب شد که حزب دموکرات کردستان ایران پس از سالها فعالیت مخفی، فعالیت علنی خود را شروع نماید... استقبال از حزب و عدم امکان بررسی سوابق هزاران داوطلب عضویت و فقدان شناخت درست افراد و نبودن ملاکهای مشخص و صحیح در پذیرش اعضا، وضعی پیش آورد که افراد ناب و بد سابقه... با صحنه سازی و پشت هم اندازی... به پست- های حساس ارتقاء داده شوند."

بر این اساس، "کنگره چهارم حزب در اوایل اسفند ۵۸ نقطه نظرها و دوخط، دو موضع و دو بینش متفاوت بود. بعد از کنگره مبارزه بین دوخط طرفدار انقلاب و مخالف آن شد یافت" و سرانجام "اعلام مواضع و نظریات بخشی از کادر رهبری در ۲۵ خرداد ۵۹ نقطه پایان همزیستی دومی ناممکن به شمار می‌آید."  
 "قاسملو و همفکرانش بعد از اعلام مواضع بخش سالم حزب با شتاب فراوان به سراشیب خیانت سقوط کردند... با ندقا سلمو دیگر مانع و رادعی در سر راه همکاری تا درجه وابستگی به رژیم‌های ضد- خلقی و ارتجاعی منطقه برای خود نمی‌بینند."

درسی و ششمین سالگرد تأسیس حزب، فرزندان راستین خلق ما ضمن تحلیل از شهدای زنده یاد: قاضی‌ها، شریف زاده‌ها، معینی‌ها، آواره‌ها، وردی‌ها، مصطفی زاده‌ها، کروی‌ها، و صدها شهید به خون خفته دیگر، ضمن احترام به پایمردی صدها عضو و هواداری که در برابر زورگویان سرتسلیم فرود نیامده و بهترین ایام عمر خود را در سیاهچال - ها بسر برده‌اند... تلاش جهت تحکیم وحدت نیروهای مدافع انقلاب در جنبه متحد و ضد امپریالیستی، تحکیم صفوف حزب و منزوی کردن و افشای هر چه بیشتر راد و دست- خیانت پیشه قاسملو و دیگر گروهک

### جمعیت ایرانی هواداران صلح

سرنگون با دایمیریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی آمریکا، مسئول همه جنایات ضد مردمی در سراسر جهان!

انفجار جنایتکارانه بمب آتش‌زا در محل نخست وزیری که متاسفانه به مرگ جانگداز آقای محمد علی رجائی رئیس جمهور و دکتر محمد جواد باهنر نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران منتهی شد موجی از خشم و انزجار در هر گوشه میهن انقلابی ما برانگیخت. خود فروختگانی که به دستور امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا، و در پیوند با حبه خیانته فراریان وارده دست به این جنایت هولناک زدند، باید اکنون به دیدن جوش انقلابی مستضعفان به پا خاسته ایران یقین حاصل کرده باشند که تا چه حد در محاسبات خود بیخطا رفته‌اند. هر ضربتی که از سوی دشمنان بر پیکر انقلاب ضدامپریا- لیستی، مردمی و اسلامی ایران وارد آید، هر قدر که سنگین و سهمگین باشد، به درختان برنیر و منسدی انقلاب و بر آما دگی هشیارانه و فعال توده‌های میلیونی مستضعف می‌افزاید و همدردی و یاری موثر اردوی جهانی ضد امپریالیستی، یعنی جنبش‌های رهایی بخش ملی، جنبشهای کارگری، کشورهای حبه خیانته پایداری عرب، کشورهای غیر متعهد و کوشش‌ورهای سوسیالیستی را، به سوی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ما جلب می‌کند.

جمعیت ایرانی هواداران صلح حمایت روز یکشنبه هشتم شهریور ۱۳۶۰ را بعنوان نمونه رسوای دیگری از توطئه‌های آمریکایی جها نخوار و همدستان و مزدوران آن برای ایجاد بی‌ثباتی و زمینه چینی بازگشت نظام غارت و ستم نواستعماری در ایران محکوم می‌کند و همگان را به پایداری با زهم بیشتر در راه دفاع از انقلاب و سرزمین مقدس میهن فرا می‌خواند.

جا ویدیا د خا طره گرامی شهیدان انقلاب!

پیروز باد انقلاب ضد- امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران به رهبری امام خمینی!

پیروزی و جنبش‌های انقلابی و رهایی بخش ملت‌های جهان، ضامن صلح و آزادی و پیشرفت!

سرنگون با دایمیریالیسم و صهیونیسم، به سرکردگی آمریکا، مسئول همه جنایات ضد مردمی در سراسر جهان!

جمعیت ایرانی هواداران صلح

۶۰/۶/۹

شدت محکوم می‌کند و شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر را به مردم ایران و امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و بازماندگان شهدا صمیمانه تسلیت می‌گوید.

حزب توده ایران همگان را به حفظ آرامش، به تشدید پیکار در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و به اتحاد همه نیروهای انقلابی برای تضمین پیروزی قطعی و نهائی این پیکار فرا می- خواند.

حزب توده ایران اطمینان دارد که مردم انقلابی ما، با هشیاری استواری و اتحاد خود خواهند توانست بر توطئه‌های امپریالیسم ددمنش آمریکا و تقاله‌های فاشی آید و ایران مستقل، آزاد و آباد خود را بسازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۶۰/۶/۹

### شورای نویسندگان و هنرمندان ایران:

نابود همه دشمنان دور و نزدیک انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی

و اسلامی ایران!

هم میهنان!

دست حمایت پیشه‌ای که به فرمان سارماندنیای شیپکار امپری- یالیستی و صهیونیستی و در ارتباط با فراریان ضد انقلابی عالی‌ترین مقامات اجرائی جمهوری اسلامی ایران، یعنی آقایان محمد علی رجائی رئیس جمهور و دکتر محمد جواد باهنر نخست وزیر را با انفجار بمب آتش‌زاه شتصادت رسانید، بر آن بود تا میهن انقلابی ما را در بحبوحه جنگ با تجاوزگران صدامی و مقابل به با خرابکاری‌های خائسانه گروهک‌های ورتکسته دچار بی‌ثباتی کند و توده‌های مستضعف را سرگشته و نومید و از حرکت انقلابی جدا سازد. این همان چیزی است که امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و همه نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی از همان فردای ۲۲ بهمن ۵۷ خواستند و با انواع توطئه‌ها و جنایات‌ها برای آن زمینه سازی کرده‌اند و می‌کنند. ولی انقلابی که از اراده آهنین توده‌های سیاخاسته ما به می‌گیرد، انقلابی که در حرکت تکاملی بر توان خویش عمده‌های بر خطری را تا اکنون پشت سر گذاشته است، انقلابی که با خون دهها هزار شهید پاکباز خنثی‌سازی شده توده مستضعف ایرانی شده قادر است لطماتی از این دست را تا آب آورده و با نیروی زاینده و هردم فزاینده خویش جبران کند و با حضور آگاهانه و فعال میلیونها زحمتکش و مستضعف همچنان تا پیروزی نهائی پیش برود.

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران شهادت محمد علی رجائی و دکتر محمد جواد باهنر را به توده‌های انقلابی ایران و به امام خمینی، رهبر بزرگوار انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تسلیت می- گوید و بر لزوم قطع دست جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم و عمال خیانت پیشه داخلی شان تاکید می‌نماید.

نابود همه دشمنان دور و نزدیک انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران!

هیئت اجرایی شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

تهران - ۶۰/۶/۹

### اعتراض به تولید بمب نوترونی

### اعلامیه انجمن ایرانی حفاظت در برابر تشعشع

انجمن ایرانی حفاظت در برابر تشعشع با توجه به وظایف و رسالت علمی خود شدیداً به تهیه این جنگ - افزار وحشتناک اعتراض نموده و از کلیه همکاران، دانشمندان و دست اندرکاران امور حفاظت در برابر اشعه در سراسر دنیا تقاضا می‌کند اعتراض شدید و یکپارچه خود را به منظور جلوگیری از ادا ما، تولید این چنین سلاح‌های نابودکننده نسل بشر و موجودات زنده به نرحوو صور ممکن ابراز دارند.

انجمن ایرانی حفاظت در برابر تشعشع در اعتراض به تولید بمب نوترونی می‌نویسد:

در روز ۱۵ مرداد ۱۳۶۰ شمسی برابر با ششم اوت ۱۹۸۱ ریگان رئیس جمهور آمریکا دستور تولید سلاح مرگبار نوترونی را صادر کرد. ششم اوت روزی است که آمریکا ۳۶ سال قبل با بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی حدود یکصد هزار نفر از مردم بیگناه را دچار فاجعه بزرگ شیطان‌ی خود نمود و هنوز هم نسل‌های بعدی ساکنین این مناطق کفاره گناهان دولت آمریکا را پس می‌دهند و رنج میکشند

انجمن ایرانی حفاظت در برابر تشعشع



احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و ...

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

یگانه راه رویارویی بادشواری‌ها، اتحاد میان نیروهای راستین هواداران انقلاب است

برکناری بنی‌صدر

با برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری، که به فرار تنگین او از آمدن تغییرات پرآمنه‌ای در حاکمیت سیاسی کشور هموار گردید. هماکنون می‌دانیم، بنی‌صدر گذشته از ضعف‌های ناشی از خودمحوری غیر قابل تصور، که به تنهایی کافی برای نابودنا شایستگی او برای احراز چنین مقامی بود. از لحاظ موضوع گیری سیاسی و اجتماعی نماینده، سخنگو و سردمدار گرایش خطرناکی بود، که هدفش، نه کم‌و‌بیش، هموار کردن راه سازش و تسلیم تنگین به امپریالیسم آمریکا و ناکام ساختن انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و مردمی ایران و تجدید حیات رژیم ضربه خورده کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم بود.

به این ترتیب، برکناری بنی‌صدر و ضربه‌ای که با این برکناری بر طیف نیروهای ضد انقلابی و سازشکار و خادمانه‌جو، که به دور او گرد آمده بودند، وارد شد، تنها جنبه شخصی و محدود نداشت، بلکه ضربه‌ای بود بسیار جدی به گرایش تهدیدآمیز و خائنه‌سازش با امپریالیسم جهانی، به رهبری آمریکا، دشمن شماره یک همه خلق‌ها و محرومان جهان، به همین علت برکناری بنی‌صدر را باید یکی از دستاوردهای بسیار با اهمیت انقلاب آزادی‌یابی کرد. به همین علت هم این برکناری با پیامدهای بسیار مهمی در میدان عروج مبارزات نیروهای انقلابی با مدافعان درونی و جهانی همراه بود.

تغییرات قابل توجه در حاکمیت سیاسی

تحکیم مواضع پیروان خط امام خمینی

با بیرون انداختن بنی‌صدر و بارانش از بخش مهمی از سنگرهای بااهمیتی که اشغال کرده و از آن سنگرها دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار داده بودند، شرایط مساعدی برای تحول جسدی در حاکمیت سیاسی کشور به سوی سمت کیری پیگیر ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی بوجود آمد.

پیروان راستین خط امام خمینی امکان یافتند که مواضع خود را در حاکمیت سیاسی کشور به طور چشمگیری تحکیم بخشند.

برای غیرممکن ساختن این تحول، که کامیابی‌اش ضربه محکم و دردناک تازه‌ای به نقشه‌های جنایت بار امپریالیسم و ارتجاع جهانی می‌بود، توطئه سراسری جبهه متحد ضد انقلاب و براندازی به مرحله اجرا درآمد. هدف نزدیک این توطئه جلوگیری از تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شرایط برای روشن ساختن جنگ داخلی در کشور بود. در این توطئه تمام طیف خیانت به انقلاب، از ساواک‌ها و ستون پنجم تا ثوابت‌های پیکاری رنجبری - گولم‌های - قاسملویی گرفته، تا تمام نیروهای لیبرال و ملی‌گرای قلابی آمریکا زده و گروه‌های چپ روی بازی خورده و همراه شده، وارد میدان گردید.

با جنایت در تاریخ بی‌سابقه انفجار مرکز حزب جمهوری اسلامی که طی آن ۷۴ نفر از موثرترین و فعال‌ترین افراد هسته مرکزی جناح پیروان خط امام خمینی، و در میان آنان ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در حاکمیت سیاسی جان سپردند، این توطئه به نقطه اوج خود رسید. ولی نه این توطئه

حنایت‌بار و نه ترورهای پی‌در پی دیگر شخصیت‌های سیاسی در سراسر کشور نتوانستند جریان انجام یافتن تحول بااهمیتی را که در حاکمیت سیاسی راهش باز شده بود، متوقف سازند. علیرغم این توطئه‌ها، با تکیه و با بهره‌گیری از پشتیبانی توده‌های میلیونی محرومان شهر و روستا، پیروان خط امام خمینی توانستند تحول در حاکمیت را عملی سازند.

انتخاب رئیس جمهوری اسلامی ایران با شرکت وسیع مردم انجام شد و آقای محمدعلی رجایی، که از طرف همه پیروان و پشتیبانان خط امام خمینی مورد حمایت قرار گرفت، با بیش از سیزده میلیون رای به این مقام برگزیده شد. توده‌های انقلابی میهن ما با این عمل خود افسانه بنی‌صدر ساخته و آمریکا پرداخته ۱۰۰/۷ میلیون رای بنی‌صدر را، مانند سایر ادعاهایش با مهر "باطل شد" مزین ساختند و به زباله‌دان تاریخ فرستادند.

به موازات انتخابات رئیس جمهور، انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی عملی گردید. گرچه در جریان این انتخابات نکات قابل ایراد جدی وجود آمد، که مهمترین آنها تصمیم شورای نگهبان به حذف کاندیداهای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود، با این که در بعضی از حوزه‌های انتخابیه اعمال نفوذهای جدی وجود داشت، معذالک هم جریان شرکت مردم و هم نتیجه انتخابات را می‌توان رضایت بخش ارزیابی کرد. در مجموع خود، این کامیابی‌در

تثبیت و تحکیم نهادهای قانونی جمهوری اسلامی ایران، سبلی محکمی بود بر گونه جبهه متحد ضد انقلاب، فرار تنگین ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی و عده‌ای دیگر از یاران بنی‌صدر، با کمک خلبان ویژه شاه ملعون، که در سرپرده گیش به نظام سرنگون شده و امپریالیسم نمی‌توان تردیدی داشت، بی‌انگیز تاثیر همین سبلی دردناک توده‌های میلیونی جامعه ماست. این

رویداد در عین اینکه این "مدعیان" دروغین رهبری مبارزه و مقاومت خلق‌های میلیونی را رسوا ساخت، این را هم نشان داد که جبهه متحد ضد انقلاب از کامیابی توطئه هفتم خود ناامید شده است و با آرزوی ضربه بیرون کشیدن مهره‌های اصلی توطئه هفتم، به تدارک توطئه هشتم خواهد پرداخت.

با انتخاب رئیس جمهور و کسری نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شرایط برای انتخاب دولت جدید دولتی که بتواند تعهدات پیروان خط امام خمینی را در همه زمینه‌های اجتماعی پیاده کند، آماده گردید.

برگزینی آقای دکتر محمد جواد باهنر به نخست‌وزیری و تشکیل دولت ایشان را، علیرغم مخالفت گروه افراطیون راست‌گرا و دارو دسته دچار سکوت شده "نهضت آزادی" - نمایندگان جناح لیبرال - می‌توان آخرین مرحله تحول اخیر به سود تحکیم مواضع پیروان خط امام خمینی ارزیابی کرد.

این تحکیم بدون تردید نسبت به سه دوره پیش، یعنی دوران دولت موقت لیبرال‌ها، دوران ادامه دولت لیبرال‌ها به موازات شورای انقلاب و دوران دو حکومتی در زمان ریاست جمهوری بنی‌صدر، دگرگونی ژرفی در حاکمیت سیاسی کشور است.

این دگرگونی بطور بارزی در جهت تقویت عنصر مردمی انقلاب و ناتوان تر شدن عنصر لیبرالی (بورژوا - مالکی) در حاکمیت سیاسی است.

برنامه دولت جدید

برنامه‌های که دولت آقای دکتر باهنر به مجلس داد و در اختیار مردم گذاشت، با زتاب همسان تحولی است که در حاکمیت سیاسی کشور پدید آمده است. در این برنامه گوش شده است که سمت گیری‌های اساسی خط ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی امام خمینی، که با زتاب مبرم‌ترین خواست‌های وسیع ترین اقشار جامعه ما، یعنی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا است، اگرچه در مواردی با ابهام و ناروشتی، تدوین گردد، همه نیروهای هواداران انقلاب و پیشرفت اجتماعی در کشور ما و از آن جمله حزب توده ایران، که در تکوین و پیروزی این دگرگونی در حاکمیت سیاسی سهم بوده و آن را با امید به انجام دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی کشور به سود محرومان استقبال کرده‌اند با خوش بینی برنامه دولت آقای باهنر را ارزیابی کرده‌اند.

ولی همان طور که ما هم خمینی در گفتار خود با رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء با روشنی و بدون ابهام یادآور شدند، توده‌های رنج کشیده و محروم جامعه ما، که بقول امام وظایف انقلابی خود را در صدمانجام داده‌اند، دیگر تنها به برنامه نمی‌توانند دلخوش کنند، آنها در انتظار عملکرد انقلابی دولت و مجلس، یعنی برگزیدگان خود هستند. خواست‌های مبرم اقتصادی و اجتماعی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان که عبارتند از:

- سرکوب قاطع بقایای ضد انقلاب در همه میدان‌های زندگی اجتماعی و طرد عنا صر ضدا انقلابی و لیبرال‌های سازشکار از مواضع کلیدی در دستگاه دولتی و نیروهای مسلح و انتظامی کشور،

- تامین آزادی‌های تضمین شده در قانون اساسی برای همه مردم و همه احزاب و گروه‌های سیاسی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را محترم می‌شمارند، و اجرای هر چه سریع تر اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب،

- ریشه کن کردن پایه‌های اقتصادی خط سازش و تسلیم به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، از راه اجرای بی‌چون و چرای اصل ۴۹ قانون اساسی و محدود کردن مالکیت و امکان غارتگری برای بخش خصوصی،

- انجام اصلاحات ارضی قاطع و پیگیر به سود دهقانان بی‌زمین و کم زمین و شکوفاتر کردن اقتصاد کشاورزی و دامپروری،

- به راه انداختن چرخ‌های اقتصاد، بویژه در بخش تولید صنعتی و ساختمان، و ایجاد کار برای خیل بیکاران،

- جان دانه کردن بخش دولتی اقتصاد، از راه ملی‌کردن بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه بازرگانی دولتی و تعاونی مردمی برای تدارک و توزیع در درون کشور و زنده کردن صنایع دولتی و قطع وابستگی آنان به کشورهای امپریالیستی، - پی‌ریزی اقتصاد ملی خودکفا بر پایه علمی و ایجاد صنایع سنگین ذوب فلزات، ماشین سازی و پترو

- شیمی و بهره‌گیری همه جانبه از منابع طبیعی کشور. برای انجام سریع این خواست‌های مبرم، دولت کنونی از امکانات گسترده‌ای برخوردار است.

توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و همه نمایندگان آنان و همه نیروهای فعال سیاسی هواداران انقلاب، بدون کوچک ترین تردید، آماده‌اند که از دولت در زمینه پیاده کردن هر یک از این خواست‌ها، همه جانبه و ناپای جان پشتیبانی کنند.

دولت بطور بی‌سابقه‌ای مورد اعتماد و پشتیبانی رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است، که مصرا نه اجرای این خواست‌ها را می‌طلبند.

از نتیجه رای گیری برای بران اعتماد به دولت چنین بر می‌آید که دولت می‌تواند برای انجام برنامه خود بر حمایت اکثریت چشمگیری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تکیه کند. امام خمینی بدرستی یادآور شدند که دیگر هیچ‌گونه بهانه - ای برای انجام خدمات به سود مردم از دولت پذیرفته نیست.

دشواری‌ها و موانع

برای اجرای برنامه‌های یاد آور شده، البته در برابر دولت دشواری‌هایی هم وجود دارد، که نباید آنها را ناچیز شمرد. بخشی از این دشواری‌ها از سوی امپریالیسم لیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به کشور ما تحمیل شده‌اند، مانند تها و زنی می‌آمریکایی - صدامی و پیا مدهای گرانبار آن، مانند پیا مدهای محاصره اقتصادی و انواع دیگر فشارهای سیاسی و اقتصادی، که از سوی دشمنان جهانی انقلاب بر ما وارد می‌آیند، مانند بخشی از گران و تورم، که ناشی از وابستگی هنوز بر دامنه اقتصاد کشور ما به اقتصاد امپریالیستی است. ... بخش دیگر از این دشواری‌ها بطور عمدتاً همان بقایای نظام سرنگون شده و خط سازش و تسلیم در اقتصاد کشور، در حاکمیت سیاسی و در سطح جامعه است که با تمام نیرو در جهت جلوگیری از اجرای برنامه‌های مردمی دولت عمل خواهند کرد.

در اقتصاد کشور کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و وابسته به امپریالیسم و بخش سرمایه داران لیبرال هنوز بسیاری از اهرم‌های تعیین کننده را در مجموعه اقتصاد کشور، بویژه در میدان مبادلات اقتصادی در دست دارند و از این اهرم‌ها، تا وقتی که دست‌هایشان کوتاه نشده برای نقشه‌های پلید و خائنه جبهه متحد ضد انقلاب بهره‌گیری می‌کنند. هواداران این گرایش در مجلس شورای اسلامی فراکسیون قابل توجهی دارند، که بدون تردید با جنگ و دندان در انجام برنامه‌های اصلاحاتی دولت، که منافع طبقاتیشان را مورد تهدید قرار دهد، خرابکاری و کار شکنی خواهند کرد.

وابستگان به این گرایش طبقاتی در همه جا و بویژه در بخشی از روحانیت سنتی ایران جای گرفته و از این مواضع سودنقشه‌های براندازی و مانع‌سازیدشواری تراشی عمل می‌کنند. همان طور که حجت الاسلام ری شهری، رئیس دادگاه - های ارتش، در توضیح درباره

### احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و ...

بقیماز صفحه ۹

کودتای نافرجام نوزده اعلام کرد از این کودتا ۵ نفر از شخصیت‌های روحانی مشهور در تهران، قم و مشهد اطلاع داده شده و آنرا مورد تأیید قرار داده اند. تردیدی نمی‌توان کرد که این جریان، یعنی حاکمان نظام کهنه، سرنگون شده، آریا مهری بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران به جز این پنج نفر، هواداران دیگری هم در مقامات حساس اجتماعی در اختیار دارد.

گروه دیگر افراطیون مذهبی هستند که در مبارزه برای کوتاه کردن دست امپریالیسم و از بین بردن بقایای رژیم سرنگون شده و ایجاد دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی با سایر نیروهای مردمی هم‌راهی دارند، ولی در زمینه تا مین آزادی‌های سیاسی و فرهنگی تضمین شده در قانون اساسی، از مواضع انحصارگرانه، که هیچ‌گونه حقی را برای دیگر اندیشان قائل نیست، دفاع می‌کنند و بدون تردید، همان طور که در جریان بحث درباره برنامه دولت و در موضع گیری نسبت به خود رئیس دولت و برخی از وزراء دیده شد، در مقابل اجرای برنامه دولت سنگ اندازی خواهند کرد.

و سرانجام گروهی راهم آن عده عناصر مذهبی تشکیل می‌دهند که خود را پیرو خط امام می‌دانند و با لاقبل سمت گیری ضد امپریالیستی انقلاب را مورد تأیید قرار می‌دهند، ولی به نام اسلام یا هرگونه تعرض به حریم مقدس مالکیت بی‌بند و بارویی جد و حصر خصوصی دشمنی می‌ورزند.

بدون تردید زبان این "دوستان" انقلاب از دشمنان سوگند خورده اش کم تر نیست. این "دوستان" یا چنگ و دندان مانع اجرای دگرگونی‌های بنیادی هستند که می‌توانند توده‌های وسیع مردم رنج دیده را در اردوی انقلاب نگهدارد. آنها از این راه عملاً راه را برای تبلیغات گمراه کننده و منحرف سازنده ضد انقلاب هموار می‌کنند.

دولت کنونی تنها از راه مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیر با پایگاه‌های نیروهای دشمن انقلاب و با این گرایش‌های منحرف و زیان بخش "دوستان" ادعائی خواهد توانست وظایف تاریخی خود را انجام دهد. نبرد در این جبهه دشوار است، ولی با تکیه به نیروی عظیم خلق و پشتیبانی امام خمینی و همه پیروان و پشتیبانان راستین راه ایشان، می‌توان به پیروزی در این نبرد اطمینان داشت.

### توطئه هشتم آمریکا در جریان تکوین است

اشتباهی نابخشودنی است اگر تصور شود که دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا، و تفاله‌هایشان در منطق و در خود ایران دست از توطئه بر اندازی حاکمیت پیروان خط امام خمینی در کشور ما برخواهند داشت. هم نتیجه گیری منطقی از رویدادهای چند سال گذشته و هم یک رشته واقعیات مسلم بر این حکم می‌کنند که هم اکنون آمریکا، به نمایندگی و سرکردگی از تمام جبهه دشمنان انقلاب ایران و همه انقلاب‌ها و جنبش‌های رها نشی بخش در سراسر جهان، با تمام نیرو در صدد تدارک هشتمین توطئه براندازی خویش است. امپریالیسم یکی از "امیدبخش‌ترین" سرمایه‌گذاری‌های خود را که تشکیل "جبهه متحد

ضد انقلاب و براندازی" بود و موفق شده بود که در کنفرانس‌های سنتی و وابسته به خویش، یعنی وابستگان رژیم گذشته و ما نوثیست‌ها و لیبرال‌ها - یعنی صدر، اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران، و رهبری "سازمان مجاهدین خلق" را به این جبهه بکشاند از دست داد. شکست "جبهه متحد ضد انقلاب" سبب دزدناکی برای امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا است. این دشمنان هم اکنون دست اندرکاران دهه تمام مکانات خود را در درون و بیرون از مرزهای ایران دوباره گرد آورند و توطئه جدیدی را تدارک ببینند.

تاریخ پر از رنج انقلاب، پر است از درس‌های گرانبها، یکبار دیگر رویدادهای میان ۹ اسفند ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را از جلوی چشم بگذرانیم: پس از شکست توطئه براندازی دولت ضد امپریالیستی دکتر مصدق در ۹ اسفند، تمام نیروهای وابسته به امپریالیسم، همه عناصر ماسکدار رومی ماسک به میدان آمدند، تا توطئه کودتای ۲۵-۲۸ مرداد را، هم از لحاظ ایجاد "جونسب" و هم از لحاظ اقدامات عملی، تدارک ببینند.

بقایبها، مکی‌ها و شمس قنات آبادی‌ها از یکسو، و بسیاری از رهبران آمریکا زده جبهه ملی، که اعتماد دکتر مصدق را بخود جلب کرده بودند، ولی در بحران‌های ترین لحظات به او خیانت کردند، از سوی دیگر، راه را برای تیمسار های شاه خائن هموار کردند.

عمده ترین سلاح ایجاد تشنج این عناصر دشمن از یک سو تشدید تبلیغات افترا آمیز علیه حزب توده ایران، یعنی یگان سازمان سیاسی پشتیبان دکتر مصدق در درون ایران بود، و از سوی دیگر ایجاد جو دشمنی با اتحاد شوروی بود، که در صحنه جهانی از دکتر مصدق پشتیبانی می‌کرد.

امروز هم با زمانندگان خلف بقایبها، که خود را در نهادهای انقلابی جا زده اند، علی‌رغم اینکه امام خمینی و پیروان راستین هر روز خطر آمریکا و تفاله‌هایش را مورد تأیید قرار می‌دهند، هیچ وظیفه‌ای برای خود جز افترا زنی به حزب توده ایران و ایجاد جو دشمنی با کشورهای سوسیالیستی قائل نیستند.

حزب توده ایران را مطرح می‌کنند، برای آنکه ضد انقلاب فراموش شود. کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی را بعنوان دشمن انقلاب ایران جا می‌زنند، برای آن که فشار از روی آمریکا برداشته شود.

این نمونه‌ها بصورت کلاهی‌ها، مادی‌ها، مدنی‌ها، قطب زاده‌ها، امیرانتظام‌ها و بینی‌مدرها و دهها نمونه شناخته نشده دیگر، یعنی همان تفاله‌های امروزی آمریکا، خود را به انقلاب جا زدند و در نهاد‌های انقلاب جا گرفتند و تاکنون زبان‌های جبران ناپذیر به انقلاب وارد ساخته اند و به گفته امام خمینی "هنوز هم هستند".

واقعیت این است که اقشار و گروه‌های سازشکار و تسلیم طلب که مهم‌ترین پایگاه سیاسی و اقتصادی امپریالیسم را تشکیل می‌دهند، دست نخورده باقی مانده اند. مبارزه با این نیروهای بالقوه هوادار امپریالیسم تنها از راه ریشه کن کردن پایگاه اقتصادی آنان، یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داران، امکان پذیر است.

در کنفرانس مکانات داخلی، امپریالیسم آمریکا و همدستانش مکانات جهانی خود را نیز برای

تدارک توطئه تازه، توطئه هشتم، برای براندازی حاکمیت خط امام خمینی در جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته اند.

واقعیت اینست که مهم‌ترین کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی جهان، حتی کشورهای دور افتاده امپریالیستی و ارتجاعی، امروزه پایگاه فعالیت ضد انقلاب ایران هستند. دولت‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، و تمام کشورهای اتحاد شوروی و افغانستان، از ترکیه گرفته تا پاکستان، و حتی کشورهای غیرمجاور مانند اردن، مصر و اسرائیل و مراکش و آفریقای جنوبی و کره جنوبی، مستقیم و فعال علیه انقلاب ایران عمل می‌کنند.

تلاش برای درهم شکستن انقلاب ایران بخشی از تلاش عملی امپریالیسم در سراسر جهان برای تثبیت مواضع غارتگرانه خود، و در صورت امکان، برای دوباره بدست آوردن مواضع از دست رفته است.

توطئه‌های جنون آمیز آمریکا و همدستانش علیه انقلاب ایران، علیه انقلاب افغانستان، علیه خلق فلسطین، علیه لیبی علیه آنگولا و اتیوپی، با کمک چین، علیه ویتنام و کامبوج و لائوس، حتی تحریکات پراکنده در کشورهای سوسیالیستی لهستان هم اجزای یک استراتژی جهانی امپریالیستی است. پیروزی توطئه‌های امپریالیستی در هر یک از این میدان‌های نبرد پیروزی مستقیمی است علیه انقلاب و جنبش ضد امپریالیستی در سراسر جهان و از آن جمله علیه انقلاب ایران، اشتباه بزرگی است اگر تصور شود که می‌توان در یک جبهه علیه امپریالیسم جهانی جنگید و در جبهه دیگر دوش به دوش آن امپریالیسم جهانی علیه یک جنبش ضد امپریالیستی موضع گرفت چنین سیاستی فاجعه آمیز است.

دولت کنونی ایران وظیفه دارد که با این توطئه جهانی دشمنان انقلاب در ایران و در سراسر جهان، با بهره گیری همه جانبه و عقلایی از همه مکانات و دورا ز پیشداوی‌هایی که تنها در دوران کودکی انقلاب می‌توانند بعنوان اشتباه تا حدی مجاز پذیرفته شوند، روبرو شود.

از طرف دیگر بسیار رساله بینانه و برای سرنوشت انقلاب بسیار خطرناک است، اگر این تصور شود که چون دشمنان انقلاب ایران تاکنون در توطئه‌ها پیشان با ناکامی روبرو شده اند، دیگر جرئت به راه انداختن توطئه جدیدی را ندارند، و یا اینکه توطئه‌های آیننده امپریالیسم و ارتجاع تهدید جدی برای موجودیت انقلاب ایران نیستند. امپریالیسم در خونخوار، نیرومند و زخم خورده و بسیار ریحله‌گر و خطرناکی است، که با انقلاب ایران دشمنی آشتی ناپذیر دارد و تشبیه و تحکیم و گسترش آن را تهدید عظیمی برای مقاصد جا برانه و غارتگرانه خود در منطقه و حتی در سراسر دنیا زیر فرمانروایی خود می‌داند. خنثی کردن توطئه‌های رنگارنگ این دشمن تنها با بکار گرفتن همه مکانات که انقلاب ایران می‌تواند از آن برخوردار شود، امکان پذیر است.

انقلاب ایران از نیروی عظیم بالقوه پشتیبانان در سراسر جهان برخوردار است. جبهه جهانی ضد امپریالیستی، یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های رهایی بخش ملی، کشورهای آزاد شده از یوغ استعمار و جنبش نیرومند انقلابی کارگری و همه هواداران صلح و آزادی و پیشرفت اجتماعی در سراسر جهان، از انقلاب ایران و از آماج‌های ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی آن پشتیبانی می‌کنند.

همین نیروی جهانی است که می‌تواند، با همبستگی خود در

سراسر جهان، به تجا و زات جنایت - بار آمریکا و همدستانش لجام زند و استقلال و آزادی خلق‌هایی مانند خلق‌های قهرمان ویتنام، کوبا، آنگولا و موزامبیک و یمن دمکراتیک و لیبی و سوریه و افغانستان و دهها خلق مبارز دیگر را در برابر خطر تجا و زبندی بندوبار امپریالیسم جهانی تضمین کند و جلوی ما جراحی‌های امپریالیسم را بگیرد.

این جبهه عظیم، که عالی ترین محصول اجتماعی دوران ما، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است، یک واقعیت انکارناپذیر، یک واقعیت تجزیه ناپذیر و یک واقعیت تجزیه ناپذیر است. تمام رویدادهای سیاسی در صحنه جهانی ده سال اخیر چنین شهادت می‌دهند که هر نیرویی که با این جبهه عظیم ضد امپریالیستی در افتاد، بالاخره سر و کله اش در جبهه سازش و تسلیم تنگ آور با امپریالیسم جهانی و دشمنان سوگند خورده، خلق‌ها پیدا شد. نمونه رهبری جمهوری خلق چین، با آن همه ادعاهای ماوراء انقلابی، نمونه مصر و اندونزی و پاکستان، که ظاهراً با ادعاهای خلقی و انقلابی کودتا‌های نظامی سیاسی خود را به پیروزی رساندند، همه و همه مویدا بین واقعیت است.

مهمترین تلاش امپریالیسم جهانی در دست در همین جهت است که این جبهه متحد ضد امپریالیستی جهانی را منفرج سازد، و یا به سخن دیگر، مناسبات کشورهای تازه از بندرسته و جنبش‌های رهایی بخش ضد امپریالیستی را از مهمترین پشتیبانان، یعنی خانواده کشور-های سوسیالیستی و بویژه از اتحاد شوروی جدا کند. تلاش برای پاره کردن همبستگی درونی جبهه جهانی ضد امپریالیستی، زیر هر پوشش و با هر انگیزه‌ای باشد، آبی است که به آسیا امپریالیسم ریخته میشود.

دولت کنونی، که پس از گذار دو سال و نیمه انقلاب ایران از رنجها سکان اداره کشور را در دست گرفته است، تنها و تنها از راه شناخت این واقعیت تاریخی جهانی و بهره گیری همه جانبه از امکانات عظیم و همه جانبه‌ای که این جبهه نیرومند ضد امپریالیستی می‌تواند در اختیار انقلاب ایران بگذارد، تنها از راه تحکیم همبستگی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران با جبهه ضد امپریالیستی و مردمی جهان می‌تواند تمام توطئه‌های دشمنان انقلاب ایران را نقش بر آب سازد و پیروزی انقلاب را با زگشت ناپذیر کند و راه پیشرفت اجتماعی را در جهت تا مین حقوق حقه توده‌های ده‌ها میلیون زحمتکش شهر و روستا هموار سازد.

### تحکیم اتحاد همه نیروهای راستین

### هوادار انقلاب در درون کشور

بسیار رساله بینا نه است، اگر تصور شود که انقلاب ایران دشوارترین دوران نخست خود را گذرانده است. مسلم این است که، علی‌رغم دستاورد های بسیار ارزشمند، هنوز انقلاب ایران بخش‌های مهمی از وظایف خود را انجام نداده و در راه انجام آنها با دشواری‌های بسیار بزرگی که می‌توانند برای انقلاب سرنوشت ساز باشند، روبرو خواهد شد. نیروهای ارتجاعی جامعه میهن ما، که با ماسک‌های رنگارنگ در میدان اند، می‌توانند هر روز دشواری‌های تازه‌ای بیافرینند.

یگانه راه برای رویارویی با این دشواری‌ها، اتحاد میان همه نیروهای راستین هوادار استقلال ملی، آزادی برای توده‌های ده‌ها میلیون خلق‌های میهن ما و دگرگونی



# عادی کردن روابط ایران و افغانستان

## مسئله مبرم

### دربار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است

آقای مهندس میرحسین موسوی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ای که روز دوشنبه ۲۴ مرداد ۶۰ با بیرون اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عمل آورد از جمله بر این نکته تأکید نمود که:

"ما به هیچ وجه در جهت قطع رابطه خود با جهان خارج حرکت نمی‌کنیم" "از سیاست داشتن ارتباطهای وسیعی با جهان خارج با حفظ اصل سازش - ناپذیری پیروی خواهیم کرد."

نخست وزیر شهید دکتر باهنر نیز در مصاحبه خود در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت:

"اساس روابط ما با دنیا روابط خصمانه نیست."

از سوی دیگر، فعل و انفعالات سیاسی هفته‌های اخیر در منطقه گسترش توطئه‌ها و تحریکات نظامی آمریکا علیه لیبی، توسعه تحولات نظامی اسرائیل در لبنان، توافق‌های جدید رژیم خانت بیسه سادات با دولت آمریکا در مورد استقرار نیروهای مسلح آمریکا در خاک مصر و صحرای سینا موجب گردید که کشورهای ضد امپریالیست منطقه در راه انسجام و گسترش جنبه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه دست به ابتکارات و اقدامات مشخص و موثر تازهای بزنند. خوشبختانه این ابتکارات از همه از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل جنبه اسلامی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی انجام گرفته است.

تشکیل چنین جنبه‌های قتل ار هر چیز احباب می‌گردد که جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با کشورهای منطقه و بویژه کشورهای همجوار بر پایه اصول جدید و مشخص که از جانب دولت و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی عنوان گردیده برقرار سارد و میان دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منطقه مرز بندی روشنی داشته باشد.

جمهوری دمکراتیک افغانستان همسایه دیوار به دیوار همین ماکه خود از نخستین روز پیروزی انقلاب دمکراتیک در آن کشور مانند جمهوری اسلامی ایران همواره آماج توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم آمریکا، رژیم صهیونیستی اسرائیل، چین و رژیم‌های ضد خلقی منطقه وابسته به امپریالیسم آمریکا قرار گرفته طبعاً در جنبه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی کشورهای این منطقه جای دارد. جمهوری دمکراتیک افغانستان تا کنون بارها بطور رسمی اعلام داشته است که با جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه اختلاف و مناقشه‌ای که نتوان از راه مذاکرات آن راحل و فصل نمود ندارد. جمهوری دمکراتیک افغانستان همواره بر آمادگی خود برای مذاکرات مستقیم با دولت جمهوری اسلامی ایران در تمام سطوح جهت رفع اختلافات و برقراری روابط دوستانه تأکید نموده است.

در هفته گذشته، شاه محمد دوست وزیر امور خارجه افغانستان، بار دیگر اظهار داشت که دولت افغانستان آماده است که برای حل مسائل منطقه و روابط با کشورهای همجوار با دولت پاکستان و

جمهوری اسلامی ایران مذاکره هستند. نخست وزیر افغانستان سلطان علی گشتمند طی مصاحبه‌ای اظهار داشت که افغانستان حاضر است با ایران و پاکستان بر پایه دو جانبه، سه جانبه و همه جانبه یعنی با شرکت دسرکل و یا با میزبانی سازمان ملل متحد جهت رفع اختلافات و عادی کردن روابط خود با این دو کشور مذاکره بپردازد.

بدین ترتیب جمهوری دمکراتیک افغانستان جهت عادی کردن روابط خود با جمهوری اسلامی ایران، که مسافع انقلاب و رژیم‌های انقلابی دو کشور و مبارزه مشترک آنان علیه امپریالیسم و صهیونیسم توافق کامل دارد، آمادگی و حسن نظر کامل از خود نشان داده است.

ایک با دولت جمهوری اسلامی ایران است که از این حسن نیت و ابتکار کشور همسایه ما افغانستان استقبال نماید.

از سوی دیگر وجود مهاجران و فراریان افعالی در ایران، که شمار آنان طبق اظهارات رسمی مقامات مسئول به نزدیک میلیون و پانصد هزار نفر می‌رسد، علاوه بر بودجه‌ای که برای آنان صرف می‌شود و آشکالاتی که از نظر اشتغال بوجود می‌آورد، عناصری از آنان می‌توانند به نیروی ذخیره ضد انقلاب و ابزار اجرای توطئه‌ها و خرابکاری‌ها و عملیات تروریستی تبدیل شوند. چنان که بارها ارجحان مقامات رسمی اعلام گردیده و در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب یافته است، جمعیت هاوانهضت های "اسلامی" افعالی، که مرکز و یا شعب آن در ایران فعالیت دارند، به طور عمده مورد حمایت امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه هستند و با اگر حاسوسی خرابکاری آنان از ناطق دارند. مسلم است که این عناصر همچنانکه علیه جمهوری اسلامی ایران نیز برای همس اقدامات ضد انقلابی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در شرایطی که نیروهای متحد ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران به عملیات تخریبی، سم‌گذاری، تروریستی و سعی در سطح کشور پرداخته اند. و با توجه به این واقعیت که مهاجران و فراریان افعالی در سطح کشور پراکنده اند و فعالیت‌های متکوکی که در میان آنان جریان دارد و چنان که مباد ارجحان دولت و نهاد های انقلابی جمهوری اسلامی ایران تحت کنترل نیست با احتمال قوی نیروهای ضد انقلاب خارج و درون کشور و مراکز حاسوسی آمریکا، اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و پاکستان می‌توانند از این عناصر بهره برداری کنند و در شرایط همین اشکالات بزرگ و خطرناکی برای جمهوری اسلامی ایران بوجود آورند.

با توجه به این واقعیت مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران حکم می‌کند که از پیشنهاد های مکرر دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان استقبال شود، روابط میان دو کشور بحال عادی باز گردد و از این راه، ضمن مساعدت به تشکیل جنبه گسترده ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه و انسجام و استحکام چنین جنبه‌های، مشکل مهاجران افعالی مقیم ایران نیز بطور بنیادی حل و فصل گردد.

### در جلسات علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته گفته شد:

# ضد انقلاب می خواهد جامعه را بی ثبات کند

\* اعتقاد مطرح نیست، آنچه که آمده التزام به قانون اساسی است، یعنی اگر گروهی ولو معتقد به هیچ یک از ادیان آسمانی نیست، ولی ملتزم هست به قانون اساسی عمل کند، ما این التزام را قبول کردیم.

می‌توانند معتقد به هیچ یک از ادیان الهی نباشند، اعتقاد مطرح نیست، آنچه که آمده التزام به قانون اساسی است، یعنی اگر گروهی ولو معتقد به هیچ یک از ادیان آسمانی نیست، ولی ملتزم هست به قانون اساسی عمل کند، ما این التزام را قبول کردیم. چه معنادار که در آنجا ما اینطور گروهی را رسمی و قانونی بشناسیم و آنوقت در این لایحه با سازی بگوئیم این آدم چون عضو این گروه هست، مجازات می‌شود، ولو ضعیف مثل توبیخ باشد، به نظر من درست نیست.

این پیشنهاد به دلیل نیاوردن رای کافی رد شد. در جلسه چهارشنبه ۶/۱۱/۶۰ که در ساعت ۸/۵ صبح به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل گردید، قبل از این که مجلس وارد دستور شود، رئیس مجلس با اشاره به پیروزی های "بسیار بجا و موثر" رزمندگان جبهه های جنگ با صدامیان از جمله گفت:

"... مخصوصاً پیروزی دیروز که پس از فاجعه شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر آنهم (با عملیاتی که به نام این دو شهید نامگذاری شده بود، خیلی گویا و شورانگیز بود." رئیس مجلس همچنین افزود:

"سربازی که در جبهه جنگ احساس میکند که رئیس جمهور و نخست وزیرش در جبهه های دیگر مثل او جانفش در خطر است و هم این فداکار است و هم او، وقتی همراه شهیدای خود، شهدائی از مسئولان سطح بالا را می بیند و قبر سرباز شهید جبهه و نماینده مجلس و رئیس دیوان عالی کشور و رئیس جمهور و نخست وزیر را می بیند که با هم در یک قبرستان و در یک شرایط قرار میگیرند. برای آن سرباز جنگیدن معنای پیدا می کند."

آنگاه در مورد نخست وزیر آقای مهدوی کنی رای گیری به عمل آمد که در نتیجه از ۱۹۶ نفر نماینده حاضر در جلسه ۱۷۸ نفر به نخست وزیر ایشان رای تمایل داد.

در همین جلسه اعتبارنامه آقای دهقانی نماینده تربت جام و تایید مطرح شد که مورد تصویب مجلس قرار گرفت.

در جلسه علنی بعد از ظهر چهارشنبه ۶/۱۱/۶۰ مراسم پس از بحث ها و اصلاحاتی که در جلسات گذشته در مورد مواد "لایحه باز سازی نیروی انسانی وزارت خانه ها و موسسات وابسته به دولت" صورت گرفت، این لایحه با ۱۴۲ رای موافق از تصویب نهائی گذشت.

در این جلسه همچنین اعضاء کابینه آیت اله مهدوی کنی معرفی شدند. وزیرای جدید این کابینه، محمد هادی نژاد حسینیان، وزیر راه و ترابری و سید کمال الدین نیکروش (شهردار سابق تهران) وزیر کشور هستند.

در جلسه روز پنجشنبه ۱۲ مرداد نمایندگان موافق و مخالف درباره وزیرای کابینه بحث کردند. موحدی ساوجی، فواد کربیمی، سید محمد خان نمای و تاجگردون از جمله نمایندگان بودند که در مخالفت با دولت آیت اله مهدوی کنی سخنرانی کردند.

هراتی از نمایندگان موافق دولت بود، که در سخنان خود از جمله بر ملی کردن تجارت خارجی، رشد تقویت صنایع تولیدی و اتخاذ سیاست های مالی در جهت گرفتن مالیات هر چه بیشتر از طبقات پردرآمد، تأکید کرد. وی هم چنین ضمن بر شماری مشکلات موجود، گفت: "ما دورا به بیشتر نداریم، یا اینکه دوباره تسلط آمریکا را بپذیریم و یا چند سالی مشکلات را تحمل کنیم."

در پایان جلسه پنجشنبه هفته گذشته پس از بیان نظرات نمایندگان موافق و مخالف درباره دولت آقای مهدوی کنی بطور علنی و با ورقه رای گیری شد و در نتیجه، کابینه آقای مهدوی کنی با اکثریت آرا نمایندگان مجلس رای اعتماد گرفت.

مجلس شورای اسلامی هفته گذشته در جلسات علنی خود لایحه باز سازی نیروی انسانی را از تصویب نهائی گذراند. همچنین پس از شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر به دست عوامل آمریکا، در جلسه روز چهارشنبه ۱۱ شهریور ۶۰، مجلس با ۱۷۸ رای موافق، به نخست وزیر آیت الله مهدوی کنی رای تمایل داد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه روز سه شنبه ۱۰ شهریور ماه ۶۰، با اشاره به فاجعه انفجار در نخست وزیر و حضور میلیونی توده ها در مراسم تشییع حمزه شهید محمد علی رجائی رئیس جمهور و شهید دکتر باهنر نخست وزیر و بقیه شهیدای این فاجعه، گفت:

"مجموعه حرکت ضد انقلاب در این مرحله نشانگر یاس مطلق آنها است. نشانگر این است که آنها فهمیده اند که دیگر به صورت یک جریان سیاسی در جامعه انقلابی ما حضور ندارند و این از اعمال و حرکاتشان روشن است." رئیس مجلس در بخش دیگری از سخنانش گفت:

"(ضدانقلابیون) اکنون دارند از مردم انتقام می‌گیرند نه از مسئولان، البته فهمیده اند که مردم هر چه محرومتر باشند بیشتر با انقلاب هستند، چون امروز قشر محروم با انقلاب است، آنهائی که شهید داده اند و خانه ندارند ضد انقلاب می‌خواهد از این خلق محروم انتقام بگیرد که چرا انقلاب حمایتی می‌کند."

رئیس مجلس همچنین گفت:

"اینها می‌خواهند از مردم انتقام بگیرند. انتقامشان هم این است که جامعه را بی ثبات کنند و نگذارند استقلال سیاسی بوجود آید و نگذارند خدمات برای مردم عرضه شود و دولت نتواند بر نامه اجرا کند و اکنون حرکتشان تماما کار شکنی است."

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با اشاره به تجمع ضدانقلابیون در فرانسه افزود:

"دولت فرانسه الان چه دلیلی دارد و با چه منطقی تروریست هائی را که نخست وزیر و رئیس جمهور یک کشور را شهید می‌کنند، نگه میدارد؟ غرب که بعلت گرفتن چند جاسوس در دنیا بر علیه ما هیاهو برپا انداخته بود که اینها وحشی هستند و نظامات بین المللی را رعایت نمی‌کنند، چه دلیلی دارند برای جنایتکارانی که زیر حمایتشان هستند؟"

لازم به تذکر است که هفته گذشته به علت بحث درباره "لایحه باز سازی نیروی انسانی"، نطق پیش از دستور نمایندگان مجلس به پس از تصویب این لایحه موکول شد. بر اساس مواد این لایحه کسانی که در روز آخر خانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت به نحوی در تحکیم پایه های رژیم گذشته شرکت داشته اند، به مجازات های مختلف از قبیل باز نشستی، باز خرید، اخراج و انفصال دائم از خدمات دولتی و... محکوم می‌شوند. همچنین بر اساس ماده ۱۸ این لایحه "عضویت در سازمان هائی که اساسنامه آنها بر نفی ادیان الهی مبتنی باشد"، "حرم اداری محسوب و طبق ماده ۲۶ آن موجب انفصال دائم از خدمات دولتی می‌شود.

هنگام بحث در مورد ماده ۱۸، آقای خوشنویس پیشنهاد کرد که بجای جمله "عضویت در سازمان هائی که اساسنامه آنها بر نفی ادیان الهی مبتنی باشد"، نوشته شود: "عضویت در سازمان هائی که اساسنامه آنها بر نفی ادیان الهی مبتنی باشد"، "حرم اداری محسوب و طبق ماده ۲۶ آن موجب انفصال دائم از خدمات دولتی می‌شود.

محمد مجتهد شستری، دکتر هادی واحد توکل ای این پیشنهاد مخالفت کردند. حجت الاسلام موحدی کرمانی در موافقت با این پیشنهاد گفت:

"با توجه به قانون احزاب، ما برای بعضی از گروه ها در آن قانون فائل شدیم که می‌توانند رسمی باشند در مملکت، و در مانا ما آنها هم (در قانون) قید نشده که معتقد باشند به اسلام. حتی

### امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان دست به تجاوز زده است

امپریالیسم جهانخواه آمریکا در تلاش های مداوم خود برای تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی به سود خود و با هدف بازگرداندن مواضع سیاسی و نظامی اقتصادی از دست رفته خویش در مناطق مختلف جهان در هفته های اخیر عملیات توطئه گرانه و تجاوزات نظامی آشکاری را علیه جنبش های رهایی بخش ملی، رژیم های انقلابی و مستقل ملی و کشورهای جامعه سوسیالیستی آغاز کرده است.

امپریالیسم آمریکا با تجاوز آشکار و گستاخانه نیروی هوایی آمریکا به حرم هوایی لیبی و سرنگون ساختن دو هواپیمای لیبیایی، با اعزام هواپیمای جاسوسی برفراز جمهوری دموکراتیک خلق کوبا با قصد تحریک نظامی، با پشتیبانی از تجاوز نظامی گسترده ارتش رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به خاک آنگولا، با فعالیت های برتب و تاب و گسترده در زمینه تولید سلاح نوترونی و کوشش برای استقرار این سلاح در کشورهای اروپای غربی عضو پیمان نظامی تجاوزکار "ناتو"، با پشتیبانی از گسترش دامنه تجاوزات نظامی رژیم صهیونیستی اسرائیل در لبنان و با افزایش کمک های نظامی و تسلیحاتی به رژیم های وابسته و ضد خلقی موجب تشدید تنشحات بین المللی در قاره های مختلف جهان و پیدایش کانون های خطرناک در گری های مسلحانه ای گردیده، که صلح و امنیت همه خلق های جهان را تهدید میکند.

### تجاوز هواپیماهای آمریکایی به حرم هوایی لیبی

در هفته گذشته هواپیماهای گشتی لیبی، هنگامیکه برفراز سواحل لیبی در پرواز بودند مورد حمله جنگنده های شکاری نیروی هوایی آمریکا قرار گرفتند، که از عرشه "ناو هواپیما بر آمریکایی" "تیمپتس" بلند شده بودند.

علت این اقدام تجاوزکارانه تحریک آمر آمریکا علیه کشور مستقل لیبی چیست؟ و امپریالیسم آمریکا از دست زدن به این اقدام چه مدعی را دنبال میکند؟

لیبی با اجرای سیاست خارجی مستقل و قرار گرفتن در حیطه جهانی مبارزه علیه تجاوز-کاری و سلطه خوئی امپریالیسم جهانی به سر-کردگی آمریکا، همواره با تحریکات و توطئه های سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا روبرو بوده است. در بهار سال جاری وزارت امور خارجه آمریکا، با بریزان گذاشتن تمام موازین حقوق بین-المللی، اعلام نمود که لیبی باید نمایندگی سیاسی خود در واشنگتن را ببندد. بهانه ساختگی این روش خصمانه "واشنگتن آن بوده که گویا رفتار لیبی برای آمریکا نامطلوب است! پس از آن دستگاه تبلیغاتی آمریکا شانتاژ و تهدید پر دامنه ای را علیه رژیم انقلابی لیبی و رهبران آن کشور آغاز نمود.

هفته نامه آمریکایی نیوزویک در این باره نوشت که کاسپارو این برگر، وزیر دفاع آمریکا، به دستور رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا، به ناوگان ششم آمریکا فرمان داده است که در نزدیکی سواحل لیبی یک مانور دریائی انجام دهند. بدین ترتیب روشن است که پرواز جنگنده های آمریکایی برفراز سواحل لیبی و حمله آنها به هواپیماهای گشتی لیبی امری تصادفی نبوده و برنامه آن به قصد تهدید تحریک نظامی علیه جمهوری مستقل لیبی از پیش تنظیم شده بوده است.

# تفسیر وقایع مهم جهان

های اروپای غربی روبرو شده است. در پی دکترین های نظامی رنگارنگ وزارت دفاع آمریکا در مورد "سلاح هسته ای تاکتیکی" و "شیوه های استفاده از سلاح هسته ای در جنگ های منطقه ای"، کاخ سفید همواره تلاش داشته است زیر پوشش این "دکترین ها"، استفاده از سلاح هسته ای را در افکار عمومی مردم جهان امری عادی جلوه دهد و بدین وسیله مسأله تسلیحاتی در زمینه انواع سلاح های ترمی و هسته ای را تشدید نماید.

ماجرای تولید بمب نوترونی و استقرار آن در کشورهای اروپای باختری عضو پیمان "ناتو" در دوران ریاست جمهوری کارتر در آمریکا آغاز گردید. در آلمان این تصمیم دولت آمریکا با چنان اعتراضی در کشورهای اروپای غربی و سایر کشورهای جهان روبرو گردید، که کارتر ناگزیر شد فرمان خود را در مورد تولید سلاح نوترونی معلق سازد. پس از روی کار آمدن ریگان، کاخ سفید در همه زمینه های سیاسی و نظامی گرایش های تجاوزکارانه و تشنه فریبی در سیاست خود را تشدید نمود و تصمیم گرفت که با شتاب بخشیدن به مسأله تسلیحاتی، روند نشر دانه ای را متوقف سازد و جهان را به دوران "جنگ سرد" و "بر لبه پرتگاه جنگ" بارگرداند. تصمیم دولت ریگان به تولید سلاح نوترونی و استقرار این سلاح در خاک اروپای غربی، خطرناک ترین گرایشی است که در خط مشی سیاسی - نظامی دولت جدید آمریکا مشاهده میشود. تصمیم ریگان در مورد تولید سلاح نوترونی و استقرار این سلاح در اروپای غربی، بار دیگر جهان را به ورطه جنگ هسته ای، که تمامی بشریت را با خطر نابودی روبرو میکند، نزدیک میسازد. ادعای کاخ سفید و ژنرال های وزارت دفاع آمریکا، که میخواهند با گمراه ساختن افکار عمومی، سلاح نوترونی را یک سلاح "معمولی" قلمداد کنند، در حقیقت سلاح نوترونی نوع جدیدی از سلاح هسته ای است که آمریکا به وسیله آن قصد دارد استراتژی جنگ اتمی محدود یا منطقه ای خود را پیاده کند.

اکنون در سراسر جهان، به ویژه در کشور های اروپای غربی جنبش اعتراضی علیه تصمیم دولت آمریکا در مورد تولید سلاح نوترونی روز به روز گسترده تر میشود. ملل کشورهای اروپای غربی عضو "ناتو" از دولت های خود مصرا نه میخواهند که در برابر سیاست ماجراجویانه تحمیلی آمریکا برای استقرار سلاح نوترونی در خاک اروپای غربی مقاومت کنند و زیر بار این ماجراجویی خطرناک آمریکا نروند.

محافل اجتماعی اروپا به درستی به این واقعیت پی برده اند که آمریکا با استقرار سلاح نوترونی در خاک اروپای غربی قصد دارد اروپا را به میدان جنگ هسته ای تبدیل سازد و خود گردن ناپذیر بماند.

وادیم زاگلادین از مسئولان برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی در این باره خاطر نشان میکند که تصمیم ریگان در باره آغاز تولید بمب نوترونی، خطر جنگ هسته ای را افزایش میدهد. زاگلادین در محاسبه تلویزیونی خود در شبکه تلویزیونی سراسری اتحاد شوروی اظهار داشت که این سلاح، که بنایه ادعای دولت آمریکا، گویا تنها برای اروپا در نظر گرفته شده است، به آسانی میتواند در مناطق دیگر جهان بکار برده شود. وی افزود که این تصمیم دولت آمریکا بر پایه پندارگرایی جهت دستیابی به برتری نظامی بر اتحاد شوروی مبتنی است.

ولی آمریکا هیچگاه به این هدف نخواهد رسید. اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی در برابر شانتاژ تسلیم نخواهند شد و به اجرای سیاست دفاع از صلح خود هم چنان ادامه خواهند داد.

پرست آفریقای جنوبی به آنگولا، اتحاد شوروی همبستگی خود را با آنگولا تأیید نمود و پیمان دوستی و همکاری میان اتحاد شوروی و آنگولا را یادآور شد. اعلام این همبستگی و خاطر نشان ساختن وجود پیمان دوستی و همکاری با آنگولا، یک اخطار جدی به تجاوزکار و حامیان امپریالیستی آنست.

بسیاری دیگر از کشورهای جهان، از جمله روسای جمهوری نیجریه و کنیا طی اعلامیه مشترکی تجاوز علیه آنگولا را محکوم کردند و همبستگی خود را با آنگولا اعلام داشتند.

معمردقذافی رهبر لیبی اعلام نمود که کشور وی آماده است هرگونه کمکی را برای دفع تجاوز در اختیار آنگولا قرار دهد.

### ماجرای جنگی آمریکا علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوبا

در هفته گذشته امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوبا به یک ماجراجویی نظامی دست زد. هواپیمای جاسوسی آمریکا حرم هوایی این جمهوری را نقض کرد و برفراز خاک کوبا به فعالیت جاسوسی پرداخت، که این تجاوز با مقاومت نیروهای دفاعی کوبا در مقابل دفع گردید.

جمهوری دموکراتیک خلق کوبا از آماج های دائمی تحریکات و تجاوزات نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور دور است. استقرار یک رژیم فاشیستی از جانب آمریکا در کره جنوبی منبع تهدید دائمی و کانون تشنج و تجاوز نظامی علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوبا است. کمتر هفته و ماهی است که در مرز میان کره جنوبی و جمهوری دموکراتیک خلق کوبا هر یک برخورد مسلحانه تحریک آمیز روی ندهد. ایالات متحد آمریکا سرزمین کره جنوبی را به پایگاه نظامی گسترده نیروهای زمینی و هوایی و دریائی خود در این منطقه تبدیل ساخته و کره جنوبی را سرپل تجاوز نظامی علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوبا بدل کرده است.

براندازی نظام سوسیالیستی در کره شمالی یکی از هدف های نظامی - استراتژیکی امپریالیسم آمریکا را تشکیل می دهد. پشتیبانی همه جانبه جمهوری دموکراتیک خلق کوبا از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر تشدید توطئه و تحریک امپریالیسم آمریکا علیه نظام سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک خلق کوبا، که از پشتیبانی همه جانبه و همبستگی کامل جهان سوسیالیسم و همه خلق ها و جنبش های رهایی بخش ملی سر-خوردار است، تاکنون همه تحریکات و تجاوزات امپریالیسم آمریکا را عقیم ساخته و بدون تردید در آینده نیز محکوم به شکست خواهد کرد.

### تولید بمب نوترونی خطر جنگ هسته ای را تشدید می کند

تصمیم رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در باره تولید سلاح نوترونی و استقرار این سلاح در اروپای غربی با موجی از اعتراض و توفانی از خشم و انزجار محافل اجتماعی کشور-

اقدام تجاوزکارانه و تحریک آمیز آمریکا علیه لیبی بر زمینه تدارکات جنگی و توطئه های نظامی آمریکا، اسرائیل و رژیم های ضد خلقی و وابسته آمریکا در منطقه علیه کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادی بخش فلسطین و تهدید و ارعاب جنبش های رهایی بخش خلق های این منطقه، از جمله انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، انجام گرفته است.

همزمانی تجاوز هوایی آمریکا علیه لیبی با پیاده کردن دستجات کماندو از ناو هواپیما بر دیگر آمریکا در دریای کارائیب، در پایگاه نظامی گوانتانامو در خاک کوبا، و پیاده کردن طرح توطئه "سیا" در بودن ناوچه موشک انداز جمهوری سلاهی ایران به وسیله دزدان دریایی گروه بندی نیروهای ضد انقلابی فراری ایرانی نمودار بر حسن تک برنامه گسترده و به هم پیوسته تحریکات و توطئه های نظامی امپریالیسم آمریکا علیه همه نیروهای انقلابی و ضد-امپریالیستی در قاره های مختلف جهان است.

مفسران سیاسی و نظامی، از جمله عده ای از مفسران آمریکائی، بر این عقیده اند که حمله جنگنده های آمریکائی به هواپیماهای لیبی یک اقدام تحریک آمیز به منظور تهدید و ارعاب رژیم لیبی بوده است. روزنامه نیویورک تایمز "میوسد که دستور این مانور دریائی تحریک آمیز در نزدیکی سواحل لیبی از جانب ریگان رئیس جمهور آمریکا صادر گردیده، که قذافی رهبر لیبی، را در فهرست دشمنان آمریکا قید کرده است. این روزنامه می افزاید که این اقدام تحریک آمیز ریگان علیه لیبی، ماجرای توطئه تنگه تانکن در ویتنام را به خاطر می آورد که آمریکا به بهانه ساختگی حمله به گشتی گارد ساحلی آمریکائی در این تنگه، تجاوز نظامی خود در ویتنام را توجیه کرد.

### تجاوز نظامی گسترده آفریقای جنوبی علیه آنگولا

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بار دیگر با تجاوز نظامی گسترده علیه آنگولا، کشورهای مستقل آفریقا و سراسر جامعه قرقیخواه جهان را به مبارز میطلبد. هدف این رژیم نژادپرست تخریب در دستاوردهای انقلابی خلق آنگولا و تضعیف مواضع رژیم انقلابی آنگولا، جلوگیری از استقلال نامی یا و ضربه زدن به جنبش های رهایی بخش خلق ها در این ناحیه از آفریقا است. نماینده ناظر "کنگره ملی آفریقا" در سازمان ملل متحد یاد آور شد که تجاوز رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی به آنگولا از حمایت ایالات متحده آمریکا، که در تمام مناطق جهان به تشنج فریبی و تحریکات نظامی دست زده است - خوردار است.

موضع نماینده ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت، که به پیروی از سیاست تروریسم بین المللی ریگان اعلامیه شورای امنیت را در محکوم کردن تجاوز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به آنگولا، و توجیه و موید این واقعیت است که امپریالیسم آمریکا محرک اصلی اینگونه تجاوزات و توطئه ها علیه رژیم های مردمی و انقلابی در تمام مناطق جهان است.

از جانب دیگر این جنگ عزم خلق قهرمان ایران را برای ادامه مبارزه با دشمن تجاوز و محرک اصلی آن امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، جزم تر کرده و اتحاد و یک پارچگی آنرا در این مبارزه تقویت نموده است.

بدون تردید، مردم قهرمان ایران، همچنان که تاکنون نشان داده اند، تا آخرین قطره خون خود برای دفاع از میهن انقلابی خواهند رزمید و توطئه تجاوز صدامی را همراه با دیگر توطئه های امپریالیسم آمریکا درهم خواهند شکست.

وسعت کم نظیری ادامه دارد، و تجاوزان صدامی هنوز در خاک میهن انقلابی ما هستند. و هنوز نیروی عظیمی از امکانات مادی و معنوی ایران، که باید صرف سازندگی شود، در جبهه ها خرج میشود. و این بغیر از قربانیان بی شماری است که جنگ تحمیلی از مردم قهرمان ایران گرفته است و صدها و صدها جوان رزمنده را در جبهه ها به خاک و خون کشیده است.

حاصل این جنگ تاکنون برای ایران، علاوه بر هزاران شهید و مجروح و مصدوم، دهها شهر ویران شده، صدها روستای درهم کوبیده شده و بیش از ۱/۵ میلیون جنگ زده است، که در شهرهای مختلف کشور پراکنده اند.

عربستان، اردن و مصر آشکارا، و سپس شیوخ مرتجع عرب، برخی آشکارا و بعضی تلویحا حمایت خود را از صدام اعلام کردند. وزیر خارجه عراق هم که برای دریافت اسلحه به اتحاد شوروی رفته بود، وقتی نا امید شد، مستقیما به سراغ کشورهای سرمایه داری رفت.

ابتدا اروپای غربی و سپس آمریکا بدون تردید به کمک رژیم صدام پرداختند و سیل سلاح های آمریکائی، چینی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی برای رژیم بغداد ارسال شد و هنوز هم میشود. دامنه این کمک آنقدر وسعت یافت که آواکس های آمریکائی در عربستان به کار گرفته شدند، تا مستقیما به عراق کمک کنند.

واکنش، در یک سالگی این تجاوز شوم در حالیکه نقشه ها و توطئه های دیگر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، علیه انقلاب ما با

### تدارک رژیم...

بقیاض صفحه ۴

گویا اتحاد شوروی، در حالیکه از انقلاب ایران در حرف پشتیبانی می کند، در عمل به آن از پشت خنجر میزند. و با این تبلیغ سو، میشد روابط ایران و شوروی را تیره کرد. این نقشه هم با کمال دقت اجرا شد، ولی واقعیات به سرعت آنرا افشا و رسوا کرد. (مادر مقاله هفته بعد به آن خواهیم پرداخت)

با این دو هدف شوم بود که ایران آماج حملات متجاوزان صدامی قرار گرفت. بلافاصله بعد از این حمله بود که ابتدا دوستان و دست نشاندهگان آمریکا از قبیل

# قانون "بازسازی، به شکل کنونی، به سود انقلاب نیست"

## "قانون بازسازی" انقلاب را از بخش بزرگی از نیروهای کارآمد و وفادارش محروم می کند و موجد دشواریهای اقتصادی جدید می شود.

لایحه‌ای تحت عنوان "لایحه قانونی بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت" در ۶ مه ماهه از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ایران ارائه گشت و پس از بحث و بررسی، با تغییرات اندکی به تصویب رسید.

هدف لایحه مصوب در مقدمه آن، ایجاد "انقلاب و دگرگونی در سیستم و مهره‌های اداری، که یکی از مهمترین ارکان سلطه رژیم طاغوت بوده‌اند"، عنوان شده است. به این دلیل که "تغییر نظام با وجود عوامل افرادی که از ارزش‌های منحظر رژیم گذشته تغذیه می‌شوند، امری غیرممکن و محال می‌باشد".

ناگفته پیداست که ارائه لایحه "بازسازی" از اهمیت بسیار برخوردار بود. زیرا برای اولین بار پس از انقلاب، در قوه مجریه و مقننه جمهوری اسلامی ایران درصددیربی-آمدند، تا دستگاه بوسیده دولتی رژیم طاغوت را، که در جهت تحکیم و گسترش وابستگی و حفظ دوام غارتگری‌های بی‌پندوبار، شکل گرفته بود و ماهیتی ضد مردمی داشت، بر اساس قانونی و در جهت پایان بخشیدن به عملکردهای متفاوت و ای بسا متناقض در این زمینه بازسازی کنند.

هدف از این "بازسازی" نیز همانگونه که واضح است، بایزیری یک دستگاه دولتی در جهت اهداف انقلاب بزرگ مردم ایران، در جهت بازسازی اجتماعی و اقتصادی جامعه به سود محرومان و علیه غارتگران، در جهت گسستن پیوندهای وابستگی و نامین استقلال کشور است. برای نیل به چنین هدفی لایحه مذکور می‌بایست از یکسوی روابط و معیارهای اصولی و دقیقی برای "یاکسازی" دستگاه دولتی از تفاله‌های آمریکا و رژیم طاغوتی، که چهره به هزاران نقاب پوشیده‌اند و دو سال و نیم است با تمام قوا از حرکت جرح این دستگاه عریض و طویل در جهت اهداف انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران ممانعت کرده و خود منشأ نوظهورهای خطرناک علیه مصالح انقلاب و مردم گشته‌اند، تعیین نماید.

از سوی دیگر با تعیین ضوابط اصولی و صحیحی کلیه نیروهای ممکن را، که به انقلاب و اهداف آن وفادارند، در جهت استقرار نظام مردمی نوین، بکارگیرد. دولت و مجلس برای انجام این مهم، مصالح حاضر و آماده و منابع معتبر و قابل اتکائی در اختیار داشتند که اگر بدان‌ها توجه لازم وحدی میکردند و آنها را نصب -العین خود قرار میدادند، به سهولت و به بهترین وجه، از عهده تدوین و تصویب لایحه -ای درخور انقلاب و وظایف عظیم کنونی بر می‌آمدند. این منابع عبارت بودند از:

۱- قانون اساسی ۲- رهنمودهای رهبران انقلاب و توصیه‌های آیت‌الله منتظری ۳- تحارب دو سال و نیمه انقلاب ۴- وظایف عظیم بازسازی اقتصادی اجتماعی جامعه و مقابله با دشواری‌های عظیم موجود.

اما متأسفانه دولت و مجلس شورای اسلامی، در تدوین و تصویب قانون مذکور، به این موارد توجه لازم وحدی مبذول نداشتند و در نتیجه قانون "بازسازی" قانونی از کار درآمد که روح آن با روح قانون اساسی در تضاد جدی است، به تجارب گرانقدری که از دو سال و نیم مبارزه خونین و بی‌امان با دشمنان استقلال و آزادی مدنی ایران بدست آمده است، توجه لازم و جدی ندارد، بارهنمودهای امام خمینی و توصیه‌های آیت‌الله منتظری مغایر است و بالاخره اصول و وظایف عظیم و دشواری را که پیش روی انقلاب قرار دارد، نادیده گرفته است و در نتیجه خود موجد دشواری‌ها و معضلات تازه‌تری خواهد شد.

### روح انحصارطلبی

#### بر "قانون بازسازی" حاکم است

هر چند قانون "بازسازی"، برای اولین بار قانون نانوشته خشم و نفرت مردم از مزدوران ساواک و مسئولان رژیم سابق را به روی کاغذ آورد و پس از دو سال و نیم تلاش خرابکارانه لیبرال‌ها و عوامل آمریکا برای حفظ این مزدوران در دستگاه دولتی، رسماً بخش بزرگی از آنان را از دستگاه دولتی خارج اعلام کرد (با اینکه در کمال شگفتی و تأسف بخشی از عوامل موثر رژیم در سالهای ۳۲ تا ۴۲ تیره کرده و نسبت به بخشی از عوامل ساواک اغماض

رواداشته است) اما بیشترین تلاش وسیعی ارائه دهندگان لایحه و تصویب کنندگان آن معطوف بدان بود که دستگاه دولتی را از بخشی از نیروهای دگراندیش انقلابی خالی کنند و به جز گروهی خاص، که طرز تفکر و برداشت معنی دارند، کلیه دگراندیشان را از مشارکت و کار در دستگاه دولتی محروم سازند. آن هم دستگاهی که به حکم قانون اساسی مهمترین و اساسی‌ترین نقش را به‌ویژه در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند و طبیعتاً باید کلیه نیروهای کارآمد و وفادار آن را، که به انقلاب وفادارند جذب کند و در نوسازی سرپای حامی به‌کارگیرد. حتی درست زمانی که نوظهورهای خطرناک امپریالیسم آمریکا برای کشتار مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی بدست کلاهی‌هایی به‌کار می‌آید و در آستانه فاجعه شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر به دست آمریکا و تفاله‌هایش، بحث‌های "داغی" در مجلس در مورد "آرایش" و "شکل یقه" جریان داشت، که موجب نهایت تأسف و تاسر همه هواداران انقلاب گردید.

شاید اگر چنین لایحه‌ای با چنین بحث‌های دور از شان انقلابی، دو سال و نیم پیش مطرح میگردید، چندان مایه شگفتی نبود. ولی اکنون که بی‌شماری از انحصارطلبی بیش از پیش آشکار شده است و معیار انحصارطلبان، بی‌اعتباری و نادرستی خود را بیش نشان داده است، طرح دوباره مطالبی که در تجربه انقلاب ایران، بی‌اعتبار شده‌اند، نخست حرمت آور و تأسف‌انگیز است.

ارائه دهندگان و تصویب کنندگان قانون "بازسازی"، معیار اساسی خود را "اسلامی" بودن قرار داده‌اند. ولی با کمال تأسف، در واقع و در عمل این معیار به "نظائر به اسلامی بودن" تعبیر می‌یابد. بنابراین قانون "بازسازی" با این معیار، آن دسته از دگراندیشان را، که از اعلام عقاید خود ابائی ندارند و صادقانه و صریح، عقاید مسلکی خویش را ابراز می‌دارند، حذف میکند و برعکس به آن دسته از عناصری که تظاهر به اسلام را پیشه ساخته‌اند و با مقاصد معینی به داخل دستگاه دولتی رسوخ کرده‌اند، امکان می‌دهد، تا زیر پوشش و نقاب "اسلامی"، نیات شوم خویش را از پیش ببرند.

مگر لیبرال‌های دولت موقت، که بهترین فرصت برای سرکوب ضدانقلاب و انجام اقدامات بنیادی به سود محرومان را به تلاش در حفظ رشته‌های وابستگی پیشین و بازگذاشتن دست ضدانقلاب گذاراندند، "مسلمان نبودند؟"، مگر خلق مسلمانی‌ها، که علیه جمهوری اسلامی ایران قیام کردند، ادعای پیروی از "اسلام" نداشتند؟ مگر بنی صدر، که خود را تنها معتقد جامع -الشرایط می‌دانست، دست در دست امپریالیسم آمریکا و تفاله‌های آن برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران نوظهور نکرد؟ مگر معزی‌ها "توبه" نکردند و مگر کلاهی‌ها صادق‌ها، مدنی‌ها، قطب زاده‌ها، امیرانتظام‌ها، با مسلمان‌نمایی به انقلاب اسلامی لطمه نزدند؟

بازگذاشتن راه برای خائنین و جنایت‌کارانی که به سهولت خود را زیر هر نقابی پنهان می‌سازند و مسلماً برای فریب مسئولان بهتر از دیگران فرایض مذهبی را بجا خواهند آورد و خود را زیر قشری‌ترین نظریات پنهان خواهند ساخت، از یک طرف، و بیرون راندن دگراندیشانی که صادقانه و با تمام شور و نیرو، بدون کتمان نظریات مسلکی خویش، به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده‌اند و میکنند و علیه امپریالیسم آمریکا و تفاله‌های آن علیه هر نوع خرابکاری، کم‌کاری و کار شکنی مبارزه کرده‌اند و می‌کنند از طرف دیگر، آری... این آن حاصل تلخ و خطرناکی است که از قانون "بازسازی" به بار خواهد آمد.

فکر این نکته در همینجا لازمست که قانون "بازسازی" - که چنین بر روی بخش بزرگی از نیروهای کارآمد و انقلابی، که مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند، شمشیر کشیده است، حداقل در صورتی که رانست به اعضای حزب رستاخیز (عضویت در حزب رستاخیز به تنهایی موجب مجازات نخواهد بود!) و گروهی از اعضای ساواک (ماورین منابع ساواک که گزارش علیه مردم داده‌اند و یا در فعالیت‌های ضد مردمی شرکت داشته‌اند، محکوم به انفصال دائم از خدمات دولتی و بقیه ماورین و منابع

ساواک بر حسب مدارک و تشخیص هیئت‌ها به یکی از مجازات‌های مندرج در ماده ۱۹ تا بند ۸ (حد اکثر بازنشستگی یا بازخرید کمتر از ۱۵ سال) محکوم میشوند! رعایت کرده و حتی گروهی از مزدوران و حیانتکاران رژیم منفور پهلوی (نمایندگان مجلس شورای ملی و سنای سابق از ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۱۵ خرداد ۴۲ و وزیران، معاونین وزیران، سفیران و استانداران رژیم پهلوی از ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۱۵ خرداد ۴۲ را مشمول مجازات ندانسته است!

با چنین برخوردی، قانون "بازسازی" بخش بزرگی از نیروهای انقلابی را، که با تمام وجود آماده خدمت به انقلاب و نوسازی جامعه - به سود محرومان هستند، از کار در دستگاه دولتی محروم می‌سازد، ولی گروهی از خراب -کاران سوگند خورده را به "خدمت" می‌گیرد و به‌ویژه به آن تفاله‌های امپریالیسم آمریکا، که سوابق معین و شناخته شده ندارند، امکان می‌دهد تا بانقاب "اسلام"، نوظهورهای خطرناک آینده را - نوظهورهایی از آن دست، که کلاهی‌ها و قاتلان نخست وزیر و رئیس جمهوری پیاپی کرده‌اند - تدارک ببینند.

این نتیجه طبیعی قانونی است که به تصویب رسیده، و به میزان حسن نیت تصویب کنندگان آن بستگی ندارد.

### برخی مواد "قانون بازسازی"

#### مخالف قانون اساسی است

عجیب است، ولی واقعیت دارد که برخی از مواد لایحه "بازسازی" درست مخالف قانون اساسی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که برای قاطع اکثریت مطلق مردم ایران به تصویب رسید، تصریح میکند که:

"اصل بیست و سوم - تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس رانمی‌تواند به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد."

"اصل بیست و دوم - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند."

"اصل بیست و هشتم - هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند."

دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال بکار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید."

اما طبق قانون "بازسازی"، تحت عنوان مهم و قابل تفسیر "عضویت در سازمان‌هایی که مرامنامه و اساسنامه آنها بر بنی ادیان الهی مبتنی باشد"، "فعالیت...، بنبغ...، مسلک... های ضد اسلام"، "تبلیغ به نفع مکاتب ضد -اسلامی" و... دگراندیشانی که هواداران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند و صادقانه به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و نوسازی اقتصاد جامعه خدمت میکنند، تنها "بجرم" دگراندیشی، مجازات و اخراج میشوند.

این تبیین آشکار راحتی چندتن از نمایندگان مجلس متذکر شدند، ولی انحصار -طلبی حتی به قانون اساسی نیز باقی‌نماند.

### برخی مواد قانون بازسازی

#### مخالف رهنمودهای امام خمینی

#### و توصیه‌های آیت‌الله منتظری است

یکی از آماج‌های اصلی امپریالیسم آمریکا و تفاله‌های داخلی آن، ایجاد شکاف میان صفوف نیروهای مدافع انقلاب، تحریک یک بخش انقلابی علیه بخش انقلابی دیگر و به ویژه ایجاد مقابله میان نیروهای دارای عقاید مسلکی و مذهبی مختلف، به منظور تضعیف انقلاب و خارج ساختن عوامل امپریالیسم از زیر ضربه خشم مردم است.

امام خمینی رهبر روشن بین انقلاب، بارها و بارها این توطئه را افشاکرده و از ضرورت اتحاد کلیه نیروهای انقلابی، صرف نظر از عقاید مسلکی و مذهبی، در جهت مبارزه با توطئه‌های ضد -انقلاب و نوسازی جامعه، سخن گفته‌اند. فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری نیز بارها و بارها

ضرورت اتحاد را یادآور شده و مسئولین جمهوری اسلامی ایران را از میدان دادن به گرایش‌های انحصارطلبانه بر حذر داشته است. آیت الله منتظری در پیام اخیر خود به نخست وزیر شهید دکتر باهنر، تأکید کرد که:

"اگر ملاک به کار گرفتن افراد، ایمان، تقوا و ولایت شد، هیچگاه زمینه تعارض و درگیری و نصب و عزل‌های بیمورد پیش نخواهد آمد. به نظراین جانب خط امام بهترین و اصل ترین محوری است که می‌توان در تقسیم مسئولیت‌ها ملاک قرارداد و بنیاد هیچ گروه و جمعیتی انقلاب را میراث انحصاری خود بدانند."

آیت‌الله منتظری همچنین تأکید کرد که دولت جدید باید دشمنان را خلع سلاح کرده و "انگیزه‌های راکه آنان با فریب و استفاده از ناراضی‌تی‌ها و عملکرد گذشته در افراد بی تجربه و ساده لوح به وجود آورده‌اند، به نحو احسن از آنان بگیرد."

اما متأسفانه بر قانون "بازسازی" روح انحصارطلبی حاکم است، یعنی درست بر خلاف این رهنمود و توصیه‌های صائب و ارزشمند، تنظیم شده است.

"میراث انحصاری" دانستن انقلاب برای گروهی خاص، عدم توجه به خط امام، ایجاد ناراضی گسترده میان نیروهایی که با تمام نیرو در خدمت انقلاب قرار دارند، نتیجه‌ای است که متأسفانه از این قانون حاصل میشود. اما بزرگترین زیانی که از اجرای قانون بازسازی عاید جمهوری اسلامی ایران میشود، ایجاد دشواری‌های اقتصادی جدید و محروم کردن انقلاب از حداکثر نیروهایی است که باید در رفع معضلات کنونی اقتصادی جامعه، آنها را به خدمت گرفت.

### "قانون بازسازی" مانع بازسازی

#### صحیح و سریع اقتصاد کشور و

#### موجد دشواریهای اقتصادی است

صاحب نظران و مسئولان تأکید دارند که برای بازسازی اقتصاد ایران و سرپایا وابسته‌ای که میراث شوم رژیم منفور و سرسپرده پهلوی است، علاوه بر استفاده از حداکثر امکانات انسانی موجود به دهها هزار نیروی کارآمده متبحر و لایق، نیاز جدی وجود دارد. انتظار میرفت که تدوین و تصویب کنندگان این قانون این وظیفه و ضرورت حیاتی را در نظر داشته باشند و قانون "بازسازی" را، که می‌بایست دستگاه دولتی را به تحریک بی‌سابقه در این جهت وادارند، منطبق بر این نیازها تدوین و تصویب کنند.

اما متأسفانه قانون "بازسازی" انقلاب را از بخش بزرگی از نیروهای کارآمد، که شاید به چندین برابر آنها نیاز جدی وجود داشته باشد، محروم می‌سازد و آنها را به ورطه بی‌کاری و بی‌کاری پنهان که خود از دشواری‌های بزرگ انقلاب است - میراند. این واقعیت نگران کننده و خطرناک، بزرگترین نقطه ضعف وزیران آور -ترین وجه این قانون است و به همین دلیل آنرا از اهداف اصلی اش یکلی بدور می‌اندازد.

مسئله تنها این نیست که برخی مواد قانون "بازسازی" با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تضاد کامل است. مسئله همچنین فقط این نیست که این قانون، تنها تا مین انحصار گروهی خاص را بر ادارات و دوائر دولتی مدنظر دارد و بخش بزرگی از نیروهای صدیق مدافع انقلاب را از مشارکت در آنها محروم میکند.

مسئله اساسی آنست که قانون "بازسازی"، اگر به همین شکل به مرحله اجرا درآید و در آن تصمیمات جدی صورت نگیرد، در واقع دستگاه دولتی را، که باید به حکم قانون اساسی اداره کننده "مهمترین بخش از سه بخش اقتصاد جامعه باشد، از انجام وظایف عظیم خویش در این زمینه عاجز می‌سازد و دشواری‌های عظیم موجود را، که برای مقابله با آنها به کوششی عظیم و سریع و همگانی، با مشارکت کلیه نیروهای مدافع انقلاب قطع نظر از عقاید مذهبی، مساکینی آنها نیاز است، ابعاد وسیع تری می‌بخشد.

ما از تصویب قانون "بازسازی" به شکل موجود، توسط مجلس شورای اسلامی عمیقاً متأسفیم و امیدواریم که با اقباعات موجود، هر چه سریع تر، این اشتباه بزرگ را بر مسئولین جمهوری اسلامی ایران آشکار سازد و ضروریات انقلاب، آنها را به تصحیح جدی آن وادارد.

### پیش بسوی ...

بقیماز صفحه ۱

نشانه‌ها و گوشه‌ها به فرمان همسایه ایران، مرکز نیروی دریایی و نیروی "واکنش سریع" در منطقه و به ویژه نزدیک ایران، ساختن "اسلام" آمریکایی و گروهک های "مارکسیست" آمریکایی و تحریک آنها به آتوب و خرابکاری و ترور و بمب گذاری، چون گذاردن لای چرخ انقلاب به کمک لبرال ها، کودتا سازی و تهاجم مستقیم نظامی، تراشیدن دشمنان موهوم و معرفی دوستان انقلاب به عنوان دشمن، کوشش در حفظ کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان - این دو خواستگاه عمده - ضد انقلاب - ناراضی تراشی با بهره گیری از گرانی مصنوعی، بیکاری، مصائب طبیعی و غیره، شایعه سازی های رنگارنگ و مداوم،

کوشش در ایجاد نفاق میان شیعو ستی و مان خلق های مختلف ساکن ایران، کوشش در ایجاد نفاق و خصومت بین نیروهای انقلابی دارای عقاید مسلکی متفاوت ... چنین است فهرست ناقصی از توطئه های آمریکایی جنایتکار، که انقلاب ایران را به هیچ وجه نمیتواند تحمل کند و شب و روز در کار طرح و اجرای انواع نقشه های شیطانی برای براندازی است. ما دو سال و نیم است که با انواع این توطئه ها روبرو هستیم. هیچیک از آنها تا کنون به ثمری که دلخواه آمریکا باشد، ننشسته است. خلق بیباخته - ایثارگرها، به رهبری مدبرانه و قاطعانه امام خمینی، سد سدی است که آمریکا نتوانسته است آرایش کند. در مبارزه با این توطئه ها، انقلاب تجربه آموخته، ریشه گرفته، آیدیده شده، دشمن و شکردهایش را شناخته است و پیوسته تعمیق و گسترش میابد. ولی آمریکا دشمنی است توانا، غدار

خده گر. ما باید همواره هشیار و هشیارتر باشیم. صفوف نیروهای انقلابی راستین را قطع نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی آنها، فشرده تر سازیم، با قاطعیت پایگاه های اقتصادی - اجتماعی ضد - انقلاب: کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را براندازیم، ثمرات انقلاب را به توده های میلیونی زحمتکش و مستضعفان بچسانیم، باندارک تمام وسائل و نیروی انسانی لازم، تهاجم نظامی صدام را درهم شکنیم و خاک کشور را لوث و جود دشمن متجاوز پاک کنیم.

در کوبا بارها کوشیده است که فیدل کاسترو را به قتل برساند. همین چندی پیش نقشه ترور قذافی فاش شد. ترور شخصیت ها "خط ۳ آمریکا به هنگام یاس است. ما باید صد چندان برهشباری خود بیفزائیم، دست جنایتکار آمریکا و تفاله هایش را باید چنان قطع کرد که دیگر توان ترور و بمب گذاری و آشوبگری نداشته باشد. حفظ جان شخصیت های مسئول، وظیفه انقلابی است. انجام آن را باید بر عهده ارگان های معین با مسئولین معین گذاشت و از آنها جدا نمود. خواست که این مسئولیت را دقیقاً انجام دهند.

ما تنها نیستیم. نیروی بالفعل و بالقوه ای که میخواهد و میتواند از انقلاب و استقلال ما پشتیبانی کند، عظیم است. هر خلقی که در شرایط امروزی جهان، متحد و یکپارچه برای استقلال و آزادی خود و برای نوسازی کشور بسوزد، حمتکش و مستضعفان قیام کند، میتواند آمریکا - این دشمن غدار همه - خلق ها و همه انقلاب های آزادی بخش را دچار شکست کند و پیروز شود.

### دیوانه سری ...

بقیماز صفحه ۱

امیرالایم آمریکا، از زمان دولتمداری ناکام جیمس کارتر، "حمله متقابل" خود را در برابر تعریف نیروهای صلح جهانی آغاز کرده بود. ولی کارتر "با یافته دم، دو گوش کم کرد". یک سلسله تحولات در جهان و از آن جمله انقلاب کشور ما که تا پیش از این دارای مقیاس جهانی - تاریخی است - سبب جانانای بزرگوش وی نخواست.

کهنورم، گرانی، بیکاری، افت تولید و ضعف "تقدیرنگی" مشخصات آنست. برای نظامی که مدعی است قلمت تمدن و دمکراسی و عدالت و یک نظام صدمه در صدمه طبیعی انسانی است (!) این وضع، در رقابت با جهان سوسیالیستی، بیش از حد، نه فقط ننگین، بلکه اضطراب انگیز است. آن روز که آمریکا ثبات - که تازه کمابیش شروع کرده اند در مطلقیت ارزشهای پیرامون خود تردید کنند - اعتماد خود را نسبت به نظام "ایتکار آزاد" و "کارفرمایی آزاد" از دست بدهند، چه خواهد شد؟ با همه بی باوری کاغذ نشینان، بسیاری رویدادها حاکی از آن است که چنین روزی می تواند برسد و مسلما خواهد رسید.

### ۱۷ شهریور ...

بقیماز صفحه ۱

بعدش که دژخیمان با همه جنایات و کشتارهای خود نتوانستند فریاد "مرگ پرتشاه" را خاموش کنند و چنان شد که شاه در امواج خون توده ها غرق شد، اکنون هدف خاموش کردن فریاد "مرگ بر آمریکا" است. این فریاد که در میدان شهدا از خون بیش از ۴ هزار شهید قهرمان برخاست، در خود همه خشم زحمتکشان ایران را متبلور کرده است. هم از اینروست که توطئه های پیاپی امیرالایم جهانی، به سرکردگی آمریکا، نتوانسته است آن فریاد را خاموش کند. اگر سه سال پیش جوخه های اعدام با لباس رسمی، در میدان شهدا، خلق را به مسلسل می بستند، امسال، در سومین سالروز این جنایت ضد بشری، اسلاف همان دژخیمان در کوچه و خیابان مردم قهرمان ایران رانکه تکه می کنند. جنایتکاران آمریکایی اکنون با ترور و انفجار، با سوزاندن مقامات جمهوری اسلامی ایران، بر آنند که داستان ناتمام ۱۷ شهریور را به پایان برند و طوفانی را که بعد از ۲۵۰۰ سال ایران را در می نوردد، فرو نشانند. اما تاریخ سخن دیگری دارد. خلق فرمان خویش را به تاریخ اعلام کرده است. اگر هر روز ۱۷ شهریور شود، اگر جوی خون در خیابانها سرازیر شود، مردم قهرمان ایران، به رهبری امام خمینی، تا آخرین نفر و آخرین نفس

خواهند در میدان و ریشه سلطه امیرالایم جهانی، به سرکردگی آمریکا از خاک وطن خواهند کند.

بگذارید، در آستانه این روز خونین، که لاله های استقلال و آزادی ایران در سینه دم آن بر میدان شهرداری، در مقابل شهدای آن روز سر تعظیم فرود می آوریم و گرمترین درودهای خود را نثار ارواح شعله و آتینان کنیم.

بگذارید، با خواهران، برادران، پدران، مادران و کودکانمان، که در "جمعه خونین" در خون غلتیدند، میثاق ببندیم که راه آنها را تا پیروزی کامل ادامه خواهیم داد.

بگذار دشمن بدانند که، اگر همه جمعه ها خونین و همه روزها از جمعه ها خونین تر شود، ما که از سلاله شهیدان قهرمان ۱۷ شهریوریم، از پای نخواهیم نشست.

بگذار آمریکا جنایتکار بدانند که، برای بازپس گرفتن ایران، باید از همه میدان های ایران، که میدان شهدا خواهند بود، بگذرد.

بگذارید، صدا در صدای شهیدان "جمعه خونین" بیاندازیم و فریاد خونین آنها را تکرار کنیم:

- مرگ بر آمریکا!
- مرگ بر آمریکا!
- مرگ بر آمریکا!

زیادی است، ولی دولت های قلی در این زمینه کوتاهی کرده اند. فاشیسم متفرع آمریکایی، که علاوه بر متحدین کلاسیک سرمایه داری خود، به سطره جویان یک نوا نیز امید بسته است، حاضر نیست واقفیت را بپذیرد و هر شکست ضرورت تاریخی خود را نتیجه یک اشتباه و قصور سیاسی می شمرد و لذا کار را بسوی فاجعه می برد. امیرالایم های آمریکا، سیاست "مذاکره" را کنار گذاشته اند و به سیاست "مقابله" بازگشته اند و این کار را ریگان، علی رغم برخی لندلندهای متحدین اروپایی خود، انجام می دهد.

اگر خودداری و متانت فوق العاده دیپلماسی صلح طلبانه کشورهای سوسیالیستی نبود و اگر این کشورها، که دارای قدرتی عظیمند، با همان تفرعن و آتش مزاحی امیرالایم آمریکا عمل می کردند، اینک کره، مادر دوزخ رادیواکتیف سوخته بود و بقایای تمدن - اگر بقایایی وجود می داشت - در عواقب "بیماری تشعشع" عذابهای موحشی را می گذارند. ولی نظام نوینی که در جهان پدید آمده است، از جنگ بیزار است، عطشان صلح است. صلح برای آن مسئله مرکزی، مسئله حیاتی، مسئله دارای اولویت است.

کسانی که سیاست جهانی را بر پایه بررسی - های دقیق علمی تحلیل می کنند، بر آنند که در مجموع نیروهای صلح ترقی در جهان ما از نیروهای جنگ و ارتجاع، نیرومندترند و در صورتی که آنها نیز با هشیاری تمام قدرت مادی و معنوی خود را تجهیز کنند و آن را خریدند و نه کاربند، قادر خواهند بود دیوانه سران کاخ سفید را گام زنند. این روند می تواند بسیار دشوار و حتی طولانی باشد ولی روندی است تاریخی ضرور و ممکن.

اکنون میهن مادر عدا دین نیروهاست. اگر سیاست خارجی و داخلی کشور انقلابی ما که هم اکنون در حال تبلور است ( و متأسفانه این تبلور همیشه در آن سمتی نیست که عدالت و ترقی می طلبد ) بتواند سرانجام این تبلور را ( و لولوی عمده و اساسی ) بسود صلح و ترقی اجتماعی انجام دهد، خواهد توانست در این دوران نقش مثبتی بازی کند. درباره "تکنه" اخیر، تنها پند می تواند به ما پاسخ دهد. هم جهان و هم کشور مادر گذرگاه است: گذرگاهی شگرف! و در این شرایط پیش بینی جزئیات برای دورانی کوتاه مدت عملاً محال است.

به آن نیاز حیاتی دارند، دشوار نیست، منتها نه علق تحمیلی از طرف دشمن، بلکه صلح برابر حقوق. درست برای چنین صلحی سرمایه داری جهانی حاضر نیست. تمام سرشت چرکینش او را بسوی اعمال ابلهسی و تخریبی و امیدارد، روش محکومین تاریخ هرگز جز این نیست.

۲- هدف دیگر سیاست دولت ریگان تثبیت وضع سیاسی بسود استعمار سرمایه داری "جهان سوم" است. شما در نمونه وطن ما ببینید که انقلاب استقلال طلبانه مردمی کشور ما برهبری امام خمینی تا چه حد آمریکا را دیوانه کرده است. این "اریاب" از فضولی "رعایا"، که از "حق" خویش دم می زنند، سخت عصبانی است. این "اریاب" حتی فضولی کارکنان هواپیمای آمریکا را نیز بر نمی تابد و اعتصابیون را زنجیر بندست به زندان می افکند. این "اریابان" حتی "فضولی" همشهریان ایران را بر لندی خود را تحمل نمی کنند. تمام مساعی آمریکا اکنون صرف آن می شود که آفریقا و خاورمیانه را مهار کند. آفریقا از جهت مواد اولیه معدنی و کشاورزی و خاورمیانه از جهت انرژی (نفت) منبع ثروت و رفاه جهان سرمایه داری است. غارت این نواحی، تنها طای سی سال پس از جنگ دوم جهانی، ده برابر تمام دوران قریب دو قرن استعمار کلاسیک بوده است!

بقول برژنفسکی، ایالات متحد به برای احیاء قدرت مجدد خود در این دونا حیه، نقشه پانزده ساله ای دارد. هنری کیسینجر، عامل درجه یک صهیونیسم بین المللی، از رهبران ارکستر سیاسی امیرالایم در این ناحیه است. اسرائیل صهیونیست و آفریقای جنوبی نژادپرست دو تکیه گاه اساسی تجاوز در این ناحیه جهانند. همانطور که مهار کردن بحران اقتصادی برای سرمایه داری حیاتی است، مهار کردن بحران سیاسی در این نواحی جهان نیز برایش حیاتی است. ایران، لیبی، فلسطین، لبنان، سوریه، افغانستان، آنگولا، اتیوپی، یمن دمکراتیک هدفهای اساسی اولیه آمریکا در این ناحیه است. آمریکا، به همراه چین، در جستجوی یک "تثبیت سیاسی" مورد علاقه خود در آسیای جنوب خاوری است و در اینجا ضربه در درجه اول متوجه کامیونیاست. حساب دولت کنونی آمریکا آن است که "خیره" اقدامات ممکن در جهت این دوسوع تثبیت، از طریق حدا علایم سیخ نیروها، ذخیره

واما تثبیت وضع اقتصادی آمریکا به چه بها؟ به بهای صلح با بهای تشنج فزانی بین المللی و غلظت دادن جهان بسوی یرنگاه مخوف جنگ هسته ای؟ دولت آمریکا، در کنفرانس اتاوا، به خواهش متحدان امیرالایستی خود دانه کاستن از نرخ بهره در بانکهای آمریکا (که موجب جلب سرمایه های اروپایی و ژاپنی به آمریکا می شود) پاسخ رد داد. دولت آمریکا برودجه "نظامی نجومی" خود مرتباً تاریخ قریب به ۸% در سال (بدون احتساب تورم) می افزاید و بطرف رقم ۳۷۰ میلیارد دلار، در اواسط دهه ۸۰ کنونی، با سرعت گام برمی دارد. بودجه نظامی، که تا همین کنده آن مالیات پردازان های عادی هستند، و نه کلان سرمایه داران (که با سیاست مالیاتی ریگان از مالیات معاف می شوند) باید "بازار موهوم" تعادل آوری ایجاد کند، تا بتواند اقتصاد آمریکا را سرپا نگاه دارد. ریگان با بیشتر می خاص خود، بودجه مخارج اجتماعی را قطع کرد، از مالیات کلان سرمایه داران کاست و بمنظور دادن مخارج جنگی، مانورهای نظامی و دریایی بی سابقه ای را در سراسر جهان به همراه متحدان "نا تو" ترتیب داد.

ریگان بر آهنگ مسلح کردن اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان سعودی و عمان افزود، ساختن بمب نوترونی که "گودکرامی" کشد، ولی کالسکه را باقی می گذارد "آغاز نمود، برای حل مسئله بفریح "گرنیدیری" (Vulnerability) جایگاه های ثابت موشکهای قاره پیما (؟) (که اخیراً مطبوعات امیرالایستی درباره آن جنجال می کنند) نیز تولید یک سلسله موشکهای جدید (از آن جمله MX) آغاز شده است. موشک "MX" که دارای مختصات موشکهای قاره پیما است، قابل انتقال است. همه این اقدامات جنایتکارانه با این "استدلال" مستور می شود که گویا اتحاد شوروی در تسلیحات جلو افتاده و خطر این کشور "دمکراسی غربی" را تهدید می کند!

ولی اتحاد شوروی شصت سال است طرح پشت طرح تقدیم می کند که با همه نوع سلاح زدانی، از سلاح عادی تا هسته ای، و نیز با کنترل بر تسلیحات و دادن همه گونه تضمین ها، آماده است. اتحاد شوروی در جایی "پایگاه" ندارد و سیستم نظامی او دفاعی است و دائماً تکرار کرده است که هرگز نخستین حمله کننده نخواهد بود. اتحاد شوروی، هرگاه آمریکا روی موافق نشان داد، در امضا "پیمان" سالت "دره ای تردید نکرد. هر آدم عادی نیز حس می کند که مخارج نظامی، که برای اقتصاد بحران زده سرمایه داری "اکسیر اعظم" است و وثیقه ای است برای آن که سطره سیاسی اش را در قبال جنبش های ضد - امیرالایستی حفظ کند، برای اقتصاد نیازمند رشد کشورهای سوسیالیستی "زهر قاتل" است و از جلا، نظام نوین اجتماعی می گاهد و نمی گذارد که این نظام، که در محیط های اجتماعی عقب مانده - تر از اروپای غربی و آمریکا پیروز شده، با سرعت لازم جلو برود و رفاه ضرور و مطلوب را تا همین نماید.

درک این که اتحاد شوروی و همه دیگر نیروهای مخالف سرمایه داری صلح می خواهند و

وضع اقتصادی از هم بدتر شد. نرخ تورم و تعداد بیکاری افزایش یافت. به گفته خود ریگان اکنون صف بیکاران آمریکا (بیش از ۸ میلیون) از اقیانوس تا اقیانوس است. کارتر، علی رغم براه انداختن بقول خودش "۱۴ نوع سلاح جدید"، نتوانست به آن برتری نظامی دست یابد، که به نمایندگان امیرالایم امکان دهد، در پس میز مذاکره نظریات خود را "دیکت کنند". رقابت با اروپای غربی و ژاپن بر سر بازار تشدید شد.

برفوسر زان - ماری لوگه (Legay) دبیر کل انجمن کارکنان علمی جهان، در کتاب خود: "چه کسانی اردانش هراس دارند؟" بدرستی متذکر می شود که جامعه سرمایه داری "جامعه مصرفی" نیست، زیرا ای چه سا چیزها که در بازار سرمایه داری به ضرب رگلا م به فروخته جا زده می شود که، بازار مصرف است، یا کم مصرف است و بانی دوام. جامعه سرمایه داری "جامعه فروش" است، و با همان اصطلاح خوبی که در کشور ما مرسوم شده بود. "جامعه بساز و بفروش!" و مهم نیست که چه چیز ساخته و چه چیز فروخته میشود. مهم اینست که بفروش برسد و سود آور باشد.

بازرگانان این سوی اقیانوس اطلس و اقیانوس کبیر یعنی "بازار مشترک" اروپای غربی و ژاپن، با رقیب حریف و پرورمند و زورگویی میان دو اقیانوس، یعنی "ایالات متحده آمریکا شمالی" بر سر این بساز و بفروش نبرد مرگبار دارند.

مساعی ریگان ریگشوراهای اقتصادی دولت کارتر برای رو بره کردن وضع اقتصادی بحالی نرسید. ریگان (البته با قرار مدارهای پس برده "سرمداران اقتصاد آمریکا) برای آن سرکار آمد کمه اقدامات "وقیحانه" (به شیوه "مارکارت تاجر) برای تثبیت وضع دست بزند، زیرا ریگان، که معروف است با محافل "فانیا" نیز دارای سرسوری است، تنها "وطن ستاره ها و نوارها"، یعنی وطن میلیاردرهای یانکی را دوست دارد. گور پدر همه کاشفات!

عمل نشان داد که ارزیابی های اولیه درباره عمل کرد کابینه ریگان درست بوده است. در همین مدت کوتاه که از زمانداری این مرد گذشته چهره او ظاهر شد، است. به توصیه اندیشه پردازان امیرالایستی، چون هر "پرزیدنت" آمریکا، برای احراز رسالت خاصی در تاریخ گام در صحنه می گذارد، لذا ریگان هم اعلام کرد که او برای مبارزه با "تروریسم بین المللی" آمده است. "تروریسم بین المللی" در قاموس امیرالایم، یعنی سرپای جنبش انقلابی جهانی، که جامعه "بساز و بفروش در لجن نشسته سرمایه داری را با تمام جراحات عفن درونی آن، تهدید می کند! و ریگان در همین کوتاه مدت نشان داد که تروریست کیست: تشدید فعالیت تروریستی و جنگی علیه جمهوری اسلامی ایران، حمله به ما می باو آنگولا، حمله به هواپیما های لیبی و کره دمکراتیک، تحریکات در زیمبابوه و موزامبیک، تشدید اقدامات آد مکشانه و تخریبی در افغانستان، سرکوب خشن و خونین جنبش مردم السالوادور، کشتن رئیس جمهور سابق پاناما، فعالیت تخریبی در لهستان و ... گوشه هایی از این تروریسم است. "باش تا صاحب دولتت بدمدا!" سیاست دولت ریگان در دو جهت سیر می کند: ۱- در جهت تثبیت وضع تبا اقتصاد آمریکا

### وقایع مهم جهان در یک هفته

#### رهبر لیبی امپریالیسم آمریکا را محکوم کرد

یک کنفرانس بین‌المللی همبستگی بالیبی "در طرابلس برگزار شد. رئیس شورای ملی فلسطین "سیاست تحریک آمیز آمریکا را علیه لیبی شدت بیادانتقاد گرفت. وی گفت که "واشینگتن آشکارا حاکمیت لیبی را تهدید می‌کند و از سر سپردگان خود در مصر، اسرائیل و سودان برای ثبات زدایی در منطقه استفاده می‌خوید.

از سوی دیگر، معمر قذافی دخالت در امور کشورهای مستقل را محکوم ساخت. وی درگردهمایی در طرابلس به مناسبت جشن ملی ایبلی گفت: "امپریالیسم ایالات متحده کارزاری را علیه خلق‌های آزاد و خواستار استقلال طلب خاورمیانه و آفریقا آغاز کرده است."

#### "ساف" شرکت در رویداد تروریستی وین را تکذیب کرد

یکی از سخنگویان "سازمان آزادی بخش فلسطین" رویداد تروریستی را که روز شنبه ۷ شهریور ۶۰ علیه کنیسه‌های در وین به وقوع پیوست محکوم کرد. در این رویداد دو تن کشته شدند.

۱۹۰ تن محروح شدند. سخن‌گوی "سازمان آزادی بخش فلسطین" هر گونه شرکت این سازمان را در عمل تروریستی نامبرده تکذیب کرد.

### هواداری دولت ریگان از تهاجم نژادپرستان آفریقای جنوبی به آنگولا

کدر آن خروج فوری نیروهای آفریقای جنوبی طلب شده بود، و نوکر در لوتیز دی‌آلمیدا، سفیر آنگولا در فرانسه آمریکا رامستول تهاجم آفریقای جنوبی به کشورش خواند. وی در مصاحبه ای مطبوعاتی در پاریس گفت که "پرتوریا بدون موافقت" واشینگتن "هیچگاه به این تجاوز دست نمی‌زند."

رویتر "به نقل از منابع رسمی آنگولا، خبر داد که نیروهای آفریقای جنوبی روز پنجشنبه ۱۲ شهریور ۶۰، تهاجمی جدید را در استان کوآندو - کوبانگو آغاز کردند. ستونی موتوریزه از خاک نامی بیا وارد آنگولا شد و به سوی ماوینگا، شهری در ۳۰۰ کیلومتری پایتخت، در حال پیشروی است.

هواپیماهای آفریقای جنوبی شهر گاهاما (کونه نه) را تقریباً با خاک یکسان کرده‌اند. صدها نفر کشته یا زخمی شده‌اند.

وزیران خارجه دولت‌های دانمارک، نروژ، سوئد، فنلاند و ایسلند خواهان قطع فوری تجاوز آفریقای جنوبی علیه آنگولا گردیدند. سازمان ملل متحد خواستند که اقدامات تحریمی علیه "پرتوریا" اتخاذ کنند.

اطمینان دارد. نمایندگان هند، یوگسلاوی، فرانسه و لیبی خواستار خروج فوری نیروهای آفریقای جنوبی از خاک آنگولا شدند. آنرا "فرب افکار عمومی" خواند.

دولت آنگولا اعلام داشت، که نیروهای مهاجم پس از درگیری‌های سخت بخشی از استان کونینده و مرکز آن ونجوا را به تصرف خود درآوردند. این شهر بر اثر بمباران هواپیماهای آفریقای جنوبی خسارت فراوان دیده و بسیاری از ساکنان آن مصدوم گردیده‌اند.

نیروهای مهاجم آفریقای جنوبی با مقاومت دلیرانه مردم آنگولا روبرو شدند. تنها در ۴۸ ساعت پنج هواپیما آنها سرنگون گردید.

تجاوز آفریقای جنوبی را نمایندگان بسیاری از کشورهای در اجلاس فوق‌العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد محکوم کردند.

نماینده اتحاد شوروی گفت که آفریقای جنوبی از این جهت به این ماجراجویی نظامی دست یازیده است، که از بستن نیروهای امپریالیستی

ممنوع برزیدت ریگان در ساره تولید کلاهک‌های نوترونی کماکان با اعتراض گسترده جهانیان روبرو می‌شود. در استکهلم تظاهرات اعتراضی در برابر سفارت ایالات متحده برگزار گشت. شرکت کنندگان در این تظاهرات در قطعنامه‌ای این اقدام "واشینگتن" را محکوم ساختند.

در ایالتی یکی از سدیکاهای بزرگ کارگران مسیحی تولید جنگ افزارهای نوترونی و قصد آمریکا را درباره استمرار مونیکهای هسته‌ای جدید در سیسل "خطری برای صلح" خواند. در فلورانس هم تظاهراتی در هواداری از صلح صورت گرفت.

شهر دار زار بروکن (آلمان غربی)، لافوتن، بمب نوترونی را "مظهراندیشه انحرافی" خواند.

در لیزیکهار ولدوان میت، صدر حزب سوسیالیست، گفته است که هیچگاه نباید اجازه داد تا بمب نوترونی در آن کشور مستقر شود.

در برمن (آلمان غربی) ده هزار نفر در تظاهراتی علیه بمب نوترونی و نقدها سترا مونیک‌های جدید آمریکایی در اروپا اعتراض کردند.

تظاهراتی همانند در برلین غربی برگزار شد.

بانو اوبلی مارتینو، دبیر کل اتحادیه دمکراتیک زنان فنلاند تاکید کرد که جنگ افزارهای نوترونی به تنش زدایی بین‌المللی خلل وارد می‌آورد و اوضاع

#### جزئیات پیمان دوستی

#### یمن دمکراتیک - لیبی - اتیوپی منتشر شد

متن پیمان دوستی و همکاری، که چند روز پیش میان جمهوری دمکراتیک خلق یمن، لیبی و اتیوپی امضا شد، در عدن انتشار یافت.

به موجب این پیمان، کشورهای سه‌گانه نامبرده کوشش‌های خود را در مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع یکسو خواهند ساخت. فزون بر این، هر یک از این کشورها متعهد می‌شود که، در صورت تجاوز خارجی به دیگران، به آنها کمک برساند.

### جهانیان به بمب نوترونی "نه!" می‌گویند

جهانی را به و خامت می‌کشاند. هنگامی که کستر، صدر حزب کمونیست هلند، همه "خبر خواهان را فرا خواند تا بر مقابله خود با دیوانگان هسته‌ای ای بفرمایند."

در وین، پایتخت اتریش، "هفته‌ای پیکار در راه صلح و تنش زدایی" برگزار شد. شعارهای آن عبارت بودند از: "نابود بمب نوترونی!" و "نه به موشک‌های جدید آمریکایی در اروپا!"

در لندن، سیاست خطرناک نظامیگران که در آن راه ورطه یک فاجعه هسته‌ای می‌کشاند، محکوم شد.

نخست وزیر نروژ موضع منفی کشور خود را در برابر تولید بمب نوترونی یادآور گردید.

در کپنهاگ تظاهرات وسیع در برابر سفارت آمریکا و علیه تصمیم دولت ریگان درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی برگزار شد. تظاهرکنندگان از دولت دانمارک خواستند تا از شرکت در تدارکات نظامی ایالات متحده و "ناتو" سرباز زند.

به گفته وزیر خارجه هند، این کشور همراه با دیگر کشورهای غیر متعهد، به کارزار بین‌المللی علیه تصمیم دولت آمریکا درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی خواهد پیوست. در دهلی تظاهراتی در برابر سفارت آمریکا برگزار شد.

در لندن، سیاست خطرناک نظامیگران که در آن راه ورطه یک فاجعه هسته‌ای می‌کشاند، محکوم شد.

نخست وزیر نروژ موضع منفی کشور خود را در برابر تولید بمب نوترونی یادآور گردید.

در کپنهاگ تظاهرات وسیع در برابر سفارت آمریکا و علیه تصمیم دولت ریگان درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی برگزار شد. تظاهرکنندگان از دولت دانمارک خواستند تا از شرکت در تدارکات نظامی ایالات متحده و "ناتو" سرباز زند.

به گفته وزیر خارجه هند، این کشور همراه با دیگر کشورهای غیر متعهد، به کارزار بین‌المللی علیه تصمیم دولت آمریکا درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی خواهد پیوست. در دهلی تظاهراتی در برابر سفارت آمریکا برگزار شد.

### جناح افراطی "همبستگی" نقشه نابودی نظام سیاسی - اقتصادی لهستان را در سر می‌پرورد

جناح افراطی "همبستگی" نقشه نابودی نظام سیاسی - اقتصادی لهستان را در سر می‌پرورد.

پارولسکی، نخست وزیر و وزیر دفاع لهستان، همبستگی و هم پیمانی با اتحاد شوروی و دیگر اعضای "پیمان ورشو" را پایه‌ای برای امنیت و توسعه صلح آمیز لهستان سوسیالیستی خواند.

وی در سخنرانی در دانشگاه افسری کوشالین گفت: "استقلال و حاکمیت گنجینه‌های گرانبهاست - گنجینه‌ای که مردم در راه بدست آوردن آن جانبازیها کرده‌اند. ما نباید اجازه دهیم که دشمنان آنرا از دست ما بربایند. ما همه کوشش خود را برای غلبه بر بحران و بهبود زندگی در کشور بکار خواهیم برد."

پارولسکی افزود که همه سربازان لهستانی به سرنوش کشور خود علاقه مندند.

در این میان، چند رهبر "همبستگی" در تلویزیون لهستان سخن گفتند و از این فرصت برای حمله به اقدامات دولت و حزب به منظور حل بحران کنونی استفاده

جستند.

بویاک، یکی از مسئولان محلی "همبستگی"، تهدید کرد که همقطاراناش قصد کنترل کامل رسانه‌های گروهی را دارند. وی همچنین رهبری حزب اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را بیاد دشمنان‌های بهتان آمیز گرفت.

روزنامه سندیکائی "ترود" (اتحاد شوروی) خاطر نشان ساخته است که "همبستگی" در لهستان به نیرویی مخالف حزب متحد کارگری لهستان و دولت لهستان بدل شده است.

این روزنامه پیش‌نویس آئین‌نامه جدید "همبستگی" را بررسی می‌کند، که قرار است در کنفرانس این سازمان به تصویب برسد، و در این باره می‌نویسد:

"هدف اصلی جناح افراطی رهبری "همبستگی" سرنگونی نظام حاکم در لهستان از طریق فرسایش پایه‌های اقتصادی و سیاسی سوسیالیسم و احراز قدرت است."

"ترود" یادآور می‌شود که:

#### وزیر خارجه افغانستان با حافظ اسد ملاقات کرد

در دمشق، حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه، شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، را نزد خود پذیرفت.

شاه محمد دوست حامل پیامی از ببرک کارمل بود، که در آن پیشنهاد دولت افغانستان درباره حل سیاسی مسئله افغانستان مطرح می‌شود.

ببرک کارمل در این پیام پشتیبانی خود را از مبارزه با تجاوزات اسرائیل و دسیسه‌های امپریالیستی اعلام می‌دارد.

از سوی دیگر، ببرک کارمل، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری "تاس" تاکید

کرد، که پیشنهاد صلح اخیر دولت افغانستان با زتاننده تمایل آن به حل همه مسائل در زمینه مناسبات آن کشور با کشورهای همسایه است.

ببرک کارمل یادآور شد که دولت افغانستان پیشنهاد کرده بود که ایران، پاکستان و افغانستان در حضور دبیر کل سازمان ملل متحد یا نماینده او به بررسی مسائل مورد علاقه بپردازند، وی خاطر نشان ساخت که این گفتگوها تنها هنگامی میتواند آغاز گردد که همه گونه تجاوز علیه افغانستان قطع شود.

### بر ژرف نقش "غیر متعهدها" راستود

پرداخته‌اند. در پیام بر ژرف گفته می‌شود: نقش جنبش غیر متعهدها به ویژه اکنون، که امپریالیست‌ها در صحنه جهانی بیش از همه وقت به زور دست می‌یازند، افزایشی باید.

رهبر شوروی اظهار امیدواری کرده است، که "جنبش غیر متعهدها بر تاثیر مثبت خود بر اوضاع جهانی بیفزاید و از این راه به امر صلح و پیشرفت کمک کند."

به مناسبت بیستمین سالگرد "جنبش غیر متعهدها"، لئونید بر ژرف پیامی به فیدل کاسترو رئیس‌کنونی این جنبش فرستاد.

در این پیام آمده است که اتحاد شوروی همیشه به "جنبش غیر متعهدها" به منزله "کوشش طبیعی کشورهای از بند رسته در راه مبارزه مشترک، علیه امپریالیسم، استعمار، نژادپرستی و برتری حوی و برای تحکیم استقلال خود و آزادی نگریده است، که این کشورها برای آن چنین بهای هنگفتی

که، "سیا" مسئول قتل رهبر کلیسای کاتولیک، السالوادور بوده است.

به گفته وی، جندی پیش از قتل رومرو سفیر آمریکا در ایالتی باواتیکان رفت و خواهان برکناری او شد. سفیر آمریکا گوشزد کرد که در غیر این صورت نمایندگان آمریکا در السالوادور هیچ گونه مسئولیتی در زمینه حفظ جان بزرگ اسقف بعمده نخواهند گرفت. چند روز بعد رومرو به ضرب تیر کشته شد.

هستند.

خبرگزاری فرانسه "می‌افزاید که این اقدام برای دیگر کشورهای آمریکای مرکزی هم که "واشینگتن" آنها را در حیطه سلطه خود می‌شمرد، دارای پیامدهای جدی خواهد بود.

در این میان، یوگسلاوی نیز دو سازمان مبارز السالوادوری را به رسمیت شناخت.

یکی از نزدیکان بزرگ اسقف فقید السالوادور، اسکار رومرو، اظهار داشت

فرانسو مکزیکی، با شناسایی دو سازمان السالوادوری، که با رژیم واسنه به آمریکا این "نور مبارزه می‌کنند، مخالفت آشکار خود را با سیاست "واشینگتن" اعلام داشتند.

خبرگزاری فرانسه "در تفسیری بر بیانیه مشترک دو کشور نامبرده نتیجه به الامیرسد، در این بیانیه گفته می‌شود که "جنبش دمکراتیک، انقلابی و "حبیه" آزادی بخش ملی، فارابوندو مارتی "نیرو" های سیاسی نماینده خلق السالوادور

**اتحاد مردم**

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴